



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مترجم: مولانا محمد رفیع الرحمن، لاہور، پاکستان

بکشت وصال

بررسی آثار ترقی بہستہاوی و زمکنہ

پہ دروستہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز

نویسنده:

حمید وارسته

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	دیباچه
۱۸	پیش گفتار
۲۴	بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی
۲۴	اشاره
۲۵	فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار
۲۵	اشاره
۲۵	۱. مفهوم سعادت
۲۷	۲. مفهوم حیات
۲۸	۳. درک معنای درست نماز
۲۹	۴. تعریف عبادت
۳۰	۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها
۳۰	اشاره
۳۱	الف) جایگاه نماز در قرآن
۳۱	ب) جایگاه نماز در روایات
۳۱	اشاره
۳۲	یک _ ستون دین
۳۲	دو _ نشانه دین داری
۳۲	سه _ برترین عبادت
۳۳	چهار _ محبوب ترین عمل نزد خداوند
۳۴	۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

۳۴ اشاره
۳۴ الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف
۳۴ ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او
۳۵ ج) جلوگیری از کبر و غرور
۳۵ د) سپاس‌گزاری از صاحب نعمت
۳۶ ۷. حقوق نماز بر نمازگزار
۳۷ ۸. نماز و ادیان الهی
۳۷ اشاره
۳۸ حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز
۳۹ حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام و نماز
۳۹ حضرت شعیب علیه السلام و نماز
۴۰ حضرت موسی علیه السلام و نماز
۴۰ لقمان و نماز
۴۱ حضرت عیسی علیه السلام و نماز
۴۱ نماز و موجودات دیگر
۴۴ ۹. آداب و اسرار نماز
۴۴ اشاره
۴۶ الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا
۴۸ ب) ادب طمأنینه
۴۸ ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)
۴۹ د) ادب نشاط و بهجت
۵۰ ه) ادب تفهیم
۵۱ و) ادب حضور قلب
۵۱ اشاره
۵۲ یک - موانع حضور قلب
۵۳ دو - راه علاج

۵۴	سه _ مراتب حضور قلب
۵۶	۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث
۵۸	تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام
۶۱	فصل دوم: فایده ها و آثار نماز
۶۱	اشاره
۶۲	۱. آثار دنیوی نماز
۶۲	اشاره
۶۲	الف) آثار تربیتی نماز
۶۲	اشاره
۶۳	یک _ محوریت در عمل انسان
۶۴	دو _ اثر بازدارندگی از فحشا و منکر
۶۴	سه _ ایجاد آرامش روحی و اطمینان
۶۵	چهار _ مصونیت از رذایل اخلاقی (کبر)
۶۷	پنج _ پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی
۶۸	شش _ ثبات روحی
۷۰	ب) آثار اجتماعی نماز
۷۱	ج) آثار جسمی نماز
۷۱	۲. آثار اخروی نماز
۷۳	فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز
۷۳	اشاره
۷۳	۱. پی آمدها
۷۳	اشاره
۷۳	الف) زندگی سخت (معیشت ضنک)
۷۵	ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت
۷۷	۲. علل گرایش به بی نمازی
۷۷	اشاره

۷۷	الف) عامل خود (فرد)
۷۷	اشاره
۷۸	یک _ ناآگاهی (نسبت به خالق، هستی و خود)
۷۸	دو _ کسالت و تنبلی
۷۹	سه _ گناه
۸۰	ب) عوامل محیطی
۸۰	یک _ خانه
۸۱	دو _ مدرسه
۸۱	سه _ دوستان و همسالان
۸۳	چهار _ فضای فرهنگی و مذهبی
۸۴	فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها
۹۱	فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما
۹۱	اشاره
۹۲	۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران
۹۶	۲. شیوه های جذب افراد به نماز
۹۶	اشاره
۹۷	الف) شناسایی هدف
۹۷	ب) شناسایی کامل مخاطب
۹۸	ج) شناسایی شیوه های هدایت
۹۹	۳. نماز و تهاجم فرهنگی
۱۰۲	۴. نماز در دوران کودکی
۱۰۷	۵. نماز در دوران نوجوانی
۱۰۸	۶. نماز و آموزش و پرورش
۱۱۰	۷. نماز، باران رحمت الهی
۱۱۲	۸. نماز در آینه وحی
۱۱۲	اشاره

۱۱۴	الف) فراگیر بودن نماز
۱۱۴	ب) نماز ذکر ویژه حق
۱۱۴	ج) هدف تمام انبیا
۱۱۵	د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا
۱۱۵	ه) اثر نماز در دوری از گناه
۱۱۵	و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت
۱۱۹	فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام
۱۱۹	اشاره
۱۱۹	۱. ویژگی های نماز
۱۱۹	الف) مَثَل نماز همانند نهری جاری است
۱۱۹	ب) مَثَل نماز مانند ستون خیمه دین است
۱۲۰	ج) نماز در دین، مانند نسبت سر به جسد است
۱۲۰	د) نماز، سیمای مکتب
۱۲۰	ه) نماز، پرچم اسلام
۱۲۰	و) نماز، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن
۱۲۰	ز) نماز، نشانه شیعیان
۱۲۱	ح) نماز، اولین محاسبه در قیامت
۱۲۱	۲. ترک نماز و استخفاف آن
۱۲۳	۳. نماز وسیله مهار شیطان
۱۲۳	۴. نماز و ثواب واقعی آن
۱۲۵	۵. شرایط قبول شدن نماز
۱۲۷	۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی)
۱۲۸	۷. نقش علم و تفکر در نماز
۱۲۹	۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث
۱۳۰	۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز
۱۳۳	فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان

۱. نماز از نگاه امام خمینی رحمه الله ۱۳۳
۲. نماز از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای ۱۳۴
۳. نماز از دیدگاه آیت الله العظمی بهجت ۱۳۵
۴. نماز از دیدگاه دانشمندان غربی ۱۳۶
- فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- خیر دین ۱۴۰
- وقت نماز ۱۴۰
- تأثیر نماز ۱۴۱
- نماز جماعت ۱۴۱
- نماز خوف ۱۴۲
- نماز وداع ۱۴۳
- تعهد به نماز ۱۴۴
- نماز اول وقت ۱۴۴
- محرم راز ۱۴۵
- استمداد از نماز ۱۴۶
- خسارت معنوی ۱۴۶
- جایگاه بی نمازان ۱۴۷
- آخرین وصیت ۱۴۷
- شتاب زدگی در نماز ۱۴۸
- مجدوب خدا ۱۴۸
- آتش حسرت ۱۴۹
- درگاه لایزال ۱۴۹
- غرق در نماز ۱۵۰
- اسیر گناه ۱۵۰
- نافله شب ۱۵۰

۱۵۱	بنده خدا
۱۵۱	هدیه ناقابل
۱۵۲	بهترین لباس
۱۵۳	فصل نهم: گزیده ادب فارسی
۱۵۳	اشاره
۱۵۳	جملات و متون ادبی
۱۵۸	اشعار
۱۶۲	بخش دوم: همراه با برنامه سازان
۱۶۲	اشاره
۱۶۲	بایدها و نبایدهای نماز در رسانه
۱۶۶	پیشنهادها و توصیه های کلی
۱۷۰	برنامه های پیشنهادی
۱۷۳	موضوع های داستانی جهت برنامه سازی
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	داستان دختر پادشاه و جوان خارکن
۱۸۶	داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر
۱۸۹	پرسش های مردمی
۱۹۲	پرسش های کارشناسی
۲۰۰	نتیجه
۲۰۲	فهرست داستان های مناسب درباره نماز
۲۰۶	فهرست کتاب های مناسب درباره نماز
۲۱۰	کتاب نامه
۲۱۳	درباره مرکز

بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : وارسته، حمید

عنوان و نام پدیدآور : بهشت وصال : بررسی آثار تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نماز/حمید وارسته ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۳۸۰.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال: ۹۶۴-۸۶۰۶-۹۳-۵

یادداشت : کتابنامه:ص. [۱۵۹] - ۱۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز.

شناسه افزوده : صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/و۲۳ب ۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۶۵۴۵۷

ص: ۱

اشاره

ص: بهشت وصال

کد: ۳۸۰

نویسنده: حمید وارسته

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۹۳-۵-۸۶۰۶-۹۳-۵

دبیاچه

دبیاچه

وقتی دل تنگ و خسته از خاک، بهشت وصال و سیر به افلاک را آرزو می کنی، تنها می توانی بر براق نماز، گستره آسمان ها را ببیمایی که: «الصلاة معراج المؤمن».

وقتی غوغای زندگی تو را از خود بی خود می کند به نمازی عاشقانه بایست و غبار تیرگی را با زمزمه نیاز از جسم و جان بزدای تا سبک باری جسم و جان را به تماشا نشینی که: «ان الصلاة تنهى عن الفحشا و المنکر». بکوشیم تا دمی با یار زمزمه وصل بسراییم و نسیم نشاط را در کوچه پس کوچه های دل جاری کنیم. بکوشیم تا در انبوه جامعه و در لابه لای امواج «مردمان» گم نشویم. وقتی دغدغه فردا، امروزمان را به تشویش می کشاند، وقتی هراس تردید، سایه وحشت بر جانمان می گستراند، بیاییم تا آفتاب اطمینان را در سپیده دم نجوا (نماز صبح) و نیم روز نیایش (ظهر و عصر) و شبانگاه شوق (مغرب و عشا) بر دلمان بتابانیم تا همه دغدغه ها و تشویش ها از خاطر سینه ها رخت بر بندد.

وقتی بهار نماز است، خزان افسردگی چرا؟! وقتی با نماز به معراج می توان رفت، تن سپردن به چاه تیره کسالت چرا؟! نماز نور چشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ستون دین و استوارترین تکیه گاه و یادآور «راه و مقصد» ماست.

در تکریم نماز بکوشیم و همه توانمان را در حفظ و گسترش فرهنگ نماز به کار ببندیم که اگر چنین شود، تهاجم فرهنگی و دسیسه ها و

نیرنگ های دشمنان بی اثر می گردد و ره به ساحل سلام و سلامت خواهیم برد. بیاییم همواره از او بخواهیم که:

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ. (ابراهیم: ۴۰)

خدایا مرا و فرزندانم را از برپا کنندگان نماز قرار ده، پروردگارا این دعا را بپذیر.

در راستای ترویج فرهنگ نماز و نمازگزاری پژوهشگر ارجمند، جناب آقای حمید وارسته کوشیده است تا ره توشه راهمان را فراهم سازند. با سپاس از ایشان، امید است این مجموعه مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

اِنَّهٗ وَّلِيّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

در میان آفریده‌ها، انسان تنها موجودی است که وجودش قابلیت‌های حیرت‌انگیزی دارد که شاید پس از گذشت میلیاردها سال از حیاتش، هنوز اسرار وجود او و توانایی‌هایش ناشناخته مانده است.

بی‌شک، این قابلیت‌ها مربوط به جسم و جنبه مادی او نیست؛ زیرا آنچه سبب شده است که انسان بتواند برتری طلبی خویش را بر این جهان مادی و کره‌خاکی تحمیل کند و طبیعت را مسخر خویش سازد، جنبه واقعی او؛ یعنی قدرت روح و فکر و تعقل اوست.

با توجه به پیچیدگی و اسرارآمیز بودن روح انسان، شاید بتوان ادعا کرد آنچه باعث شده است که انسان خود را حاکم طبیعت و آگاه از اسرار آن نشان دهد، اشباع همین جنبه روحی اوست. حتی انسان فراتر از طبیعت، برای شناخت ذات خود (انسان) نیز کوشیده است تا پس از درک اسرار وجودی خویش زندگی مطلوب را برای دیگران به تصویر کشد.

همچنین بیشتر آموزه‌های ادیان و آیین‌ها، به تناسب دیدگاه آنان درباره انسان است. گروهی تنها ظاهر و جسم انسان را دیده‌اند و در حقیقت

انسان را حیوانی پیشرفته تر از دیگر حیوانات می دانند. گروهی نیز دیدی ژرف تر به انسان داشته و دیدگاه های عمیق تری درباره او ارائه کرده اند.

نظریه پردازان انسان شناسی به طور کلی در دو دسته قرار دارند: گروهی که جهان و انسان را در حد امور ظاهری می بینند که مکتب های مادی نماد این طرز تفکرند. گروه دیگری که ظاهر این جهان را به منزله جسم آن می پندارند و باطن و ماورای این جسم را بسی مهم تر و واقعی تر می دانند. آنان انسان را نیز در دو مرتبه جسم و جان می بینند و در تأمین این دو جنبه دستورهایی به انسان ارائه می دهند. این دسته دو گروهند: گروهی که معتقدند این جهان مخلوق خالق آگاه و مدبر است و گروهی که در عین داشتن دید عمیق به انسان، چنین اعتقادی ندارند.

گروه اول، جهان هستی را مانند هرمی می بینند که در رأس آن «الله» قرار دارد. در این دیدگاه، «الله»، مرتبه کامل و بی نقص هستی است و همان ویژگی هایی را دارد که انسان در عرصه حیات خویش برای رسیدن به آن تلاش کرده است، هر چند ممکن است به راهی رفته باشد که تناسبی با آن مرتبه نداشته باشد. برای مثال، انسان در طول تاریخ همواره کوشیده است تا قدرت برتر و مطلق جهان باشد، در حالی که «الله» تنها کسی است که این ویژگی را دارد و انسان به طور فطری جویای آن است. همچنین او می خواهد به علم بی حد و قدرت نامحدود و حیات ابدی و استقلال کامل برسد و کمبودهای خود را جبران کند و از هر نظر، کامل و بی نیاز باشد. برای اشباع این ویژگی انسان، به تناسب انسان شناسی هر

مکتبی، راه‌ها و آموزه‌هایی به انسان ارائه شده است. مهم‌ترین و موفق‌ترین دیدگاه‌ها از آن کسانی است که جهان و انسان را واقعی‌تر دریافته باشند و در این میان، ادیان الهی جامع‌ترین دیدگاه‌ها را ارائه کرده‌اند؛ زیرا ادیان الهی، آموزه‌های خویش را از منبع ذات الهی دریافت می‌کنند. از این رو، میان اندیشه و نگرش آنان نسبت به انسان و جهان فرقی نیست. در میان ادیان الهی، دین اسلام، کامل‌ترین و دقیق‌ترین آموزه‌ها را بیان کرده است.

در دیدگاه الهی، خداوند قدرت تصرف و حاکمیت بر هستی را دارد و فقط او می‌تواند انسان را به جایگاه و خواسته‌های واقعی‌اش هدایت کند. در این دیدگاه، خداوند برای رساندن پیام خویش، واسطه‌هایی از میان مردم برمی‌گزیند تا پیام او را به انسان‌ها برسانند. مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیام انبیای الهی، عبادت خداوند و روی آوردن به درگاه خالق و به جا آوردن حق پروردگاری و سپاس‌گزاری از نعمت‌های اوست. راه عبودیت، گذرگاهی است که نهایت آن، دست یافتن به کمال دلخواه انسان است. از نظر ادیان الهی، راز این گرایش، در راز آفرینش انسان نهفته است؛ یعنی روح انسان جلوه‌ای از خالق خویش است که در این جهان مادی، گویی در زندان است. از این رو، آگاهانه یا ناآگاهانه و به اقتضای آفرینش و فطرت خویش، اصل خویش را می‌جوید. البته شرط پیمودن این راه و تحقق مقام بندگی، اطاعت از امر و نهی‌های الهی است که ذکر مدام را برای او تداعی می‌کند.

ذکر حق دو گونه است: اول اینکه انسان همواره به یاد او باشد و دیگر اینکه در زمان ها یا در مکان های مشخصی به ذکر پردازد و دیگر هیچ گونه عملی را انجام ندهد. این ذکر خاص و مشخص در زبان دین، صلاه (نماز) نام دارد که در تمام ادیان الهی به بشر آموزش داده شده است.

نکته مهم اینکه بر اساس آموزه های انسان شناسی الهی، هر اندازه انسان به ذکر حق مأنوس تر باشد و او را بیشتر یاد کند، در زندگی خویش موفق تر است. چنانچه فردی از ذکر حق روی بتابد، زندگی اش بی هدف، بی ثبات، مشوش و ناآرام خواهد شد، احساس پوچی می کند و در بسیاری موارد، برای رهایی از درد و رنج ها و سرگردانی ها به حیات خویش پایان می دهد.

انسان، خداجو و کمال گراست؛ زیرا فطرتی الهی دارد: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ فطرت خداوندی که مردم را بر آن آفرید». (روم: ۳۰)

در حقیقت، انسان در صورت دسترسی به کمال، شباهت بسیاری به خالق خویش پیدا می کند و تنها فرق او با خالق در آن است که او خالق است و این مخلوق: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ؛ فرقی میان تو و آنها نیست، مگر اینکه آنان بنده تو و مخلوق تو هستند.»^(۱) و تنها راهی که انسان را به این مرتبه می رساند، عبودیت است:

۱- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه: آیت الله کمره ای، ص ۱۸۴، دعای هر روز رجب.

الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ فَمَا فُقِدَ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ وَجَدَ فِي الرُّبُوبِيَّةِ وَ مَا خُفِيَ مِنَ الرُّبُوبِيَّةِ أُصِيبَ فِي الْعُبُودِيَّةِ. (۱)

بندگی، گوهری است که باطن آن ربوبیت است. پس هر چه در بندگی از دست برود، در ربوبیت یافته می شود و هر چه در ربوبیت پوشیده باشد، در عبودیت به آن می رسد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را یک سره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحب خانه واگذار نمود و فانی در عزّ ربوبیت شد، صاحب خانه، خود، متصرف در امور گردد. پس تصرفات او تصرف الهی گردد، چشم او الهی شود و با چشم حق بنگرد و گوش او الهی شود و به گوش حق بشنود. (۲)

اوج ظهور کنه و حقیقت عبودیت در نمازهای مستحبی است و در این حالت، قرب بنده به خالق خویش به حدی است که خالق، چشم و گوش و دست و زبان مخلوق مقرب خویش می گردد. در این صورت هر فعل مخلوق، فعلی الهی می شود:

إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبُّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّذِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ وَإِنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ. (۳)

۱- امام خمینی، آداب الصلاة، ج ۱، ص ۸، برگرفته از: مصباح الشریعه.

۲- امام خمینی، آداب الصلاة، ج ۱، ص ۸، برگرفته از: مصباح الشریعه.

۳- ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۴، ص ۵۳.

به راستی که بنده به وسیله نافلة، آن قدر به من نزدیک می شود تا اینکه او را دوست داشته باشم. پس هنگامی که او را دوست داشتم، گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می شوم که با آن صحبت می کند و دست او می شوم که با آن بگیرد. اگر مرا بخواند، اجابتش می کنم و اگر از من درخواست کند، عطایش می دهم.

عبادت کننده ای که می خواهد به سوی قله کمال سیر کند، باید به بزرگی ربوبیت حق و خواری عبودیت خویش توجه کامل داشته و با تمام وجود به این مطلب رسیده باشد. امام خمینی رحمه الله در این باره چنین می فرماید:

... و آن یکی از منازل مهمه سالک است که قوت سلوک هر کس به مقدار قوت این نظر است، بلکه کمال و نقص انسانیت تابع کمال و نقص این امر است و هر چه نظر ائیت و انانیت و خودبینی و خودخواهی در انسان غالب باشد، از کمال انسانیت دور و از مقام قرب ربوبیت مهجور است... (۱)

بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی

اشاره

بخش اول: جایگاه نماز در فرهنگ اسلامی

زیر فصل ها

فصل اول: معارف مورد نیاز نماز گزار

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار

اشاره

فصل اول: معارف مورد نیاز نمازگزار

زیر فصل ها

۱. مفهوم سعادت

۲. مفهوم حیات

۳. درك معنای درست نماز

۴. تعریف عبادت

۵. جایگاه نماز در میان عبادت ها

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

۷. حقوق نماز بر نمازگزار

۸. نماز و ادیان الهی

نماز و موجودات دیگر

۹. آداب و اسرار نماز

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

۱. مفهوم سعادت

۱. مفهوم سعادت

سعادت انسان به تناسب افراد، مفهوم متفاوتی پیدا می کند. اگر سعادت را «نجات از عذاب و ورود به بهشت» بدانیم، مفهوم واحد و مشترکی بین افراد مختلف است، ولی اگر آن را به معنای خوشبختی بدانیم، معانی متفاوتی برای افراد مختلف دارد؛

زیرا خوشبختی، برای عامی و عالم و عارف و دیگران تعریف های مختلف دارد.

اگر سعادت و خوشبختی به نجات از دوزخ است، پس افراد مستضعف و دیوانه خوشبخت خواهند بود؛ زیرا خداوند هر کس را به قدر وسع خویش محاسبه می کند و وسع این گونه افراد نیز بسیار ناچیز است. بنابراین، حسابی مختصر همراه با تخفیف خواهند داشت. همچنین مفهوم سعادت در نزد گروهی، به اندازه وسع فهم آنان از خوشبختی است. آنان، تنها به نجات از عذاب دوزخ قانع هستند، عبادت این گروه هم در حد فهم خویش است. برخی نیز عبادت را راه رسیدن به مقصود می دانند و در آخرین درجه معرفت، سعادت، نه نجات از دوزخ و ورود بهشت

است، بلکه رسیدن به حق و فنای در او است. برای این گروه، بالا-تر از عذاب دوزخ، عذاب فراق است و بالا-تر از بهشت، بهشت وصال:

الهی اِنْ صَبَرْتُ عَلٰی عَذَابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلٰی فِرَاقِكَ. (۱)

پروردگارا، اگر بر عذابت صبر کنم، چگونه بر فراق تو صبر کنم.

در سخنان عرفا و اولیای حق، حور و قصور، نه هدف است و نه بیانگر سعادت، بلکه بهشت بی دوست، خود، دوزخ است. بنابراین در تبلیغ نماز، نخست فهم درست از سعادت و سپس گسترش آن در میان مردم لازم است تا به این وسیله نیت ها، عبادت ها و اعمال عبادت کنندگان در مسیر صحیح قرار گیرد.

۲. مفهوم حیات

۲. مفهوم حیات

حیات به معنای زندگی است؛ در زبان قرآن و فرهنگ آن تمام اشیا دارای نوعی حیات هستند و این نوع حیات، بین تمام مخلوقات مشترک است. در این زندگی و برخورداری از لوازم آن، انسان موجودی ضعیف است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا». (نساء: ۲۸) این نوع حیات و گرایش های آن نیازی به پیامبر و کتاب و شریعت ندارد، بلکه قوانین تکوینی موجود برای پیشبرد آن کافی است.

با توجه به آیات قرآن، درمی یابیم که مفهوم زندگی (حیات) در انسان حالت بالقوه دارد و امری روحانی به شمار می رود و هر کسی از آن

برخوردار نیست. در آیه ای از قرآن، خداوند، مردم مؤمن را به زنده شدن و حیات یافتن فرا می خواند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ. (انفال: ۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول را اجابت کنید، هنگامی که شما را دعوت کردند تا شما را زنده کنند.

می توان گفت که اصلاح و تبیین معنای واقعی حیات، نوعی معرفت اصیل و هدایت به سمت عبادت واقعی است که مفهوم سعادت واقعی را روشن تر می کند. در غیر این صورت، اگر حیات ما شبیه حیات دیگر موجودات باشد، بنا بر نص قرآن، این امر برای انسان یک خسارت و گمراهی به شمار می رود و مرتبه آدمی از حیوانات پست تر خواهد بود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ».

۳. درک معنای درست نماز

۳. درک معنای درست نماز

مفهوم نماز در اذهان بیشتر مردم، حتی مؤمنان به اصلاح نیاز دارد. برای مثال، از حدیث «قُرْءُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ روشنی چشم من در نماز است»،^(۱) شاید مفهوم لذت و خوشحالی پیامبر را از نماز استنباط کنیم یا از حدیث «نماز معراج مؤمن است»،^(۲) مفهوم درستی در ذهن نداریم؛ زیرا حقیقت معراج را به روشنی در نیافته ایم. از سوی دیگر، در کتاب های مربوط به نماز و در

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۲- مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۳۴۳.

موعظه ها، تنها به ظواهر فقهی نماز اکتفا شده و اسرار و شگفتی های مربوط به تأثیر آن تحقیق و بررسی نشده است.

مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

نشانه (حق گذاری) دیگر، مطرح شدن نماز در عرصه مطالعات و تحقیقات علمی است. همان طور که بحث فقهی درباره نماز و مقدمات آن، طولانی ترین مباحث فقهی در حوزه های علمیه را تشکیل می دهد، بحث کلامی و عرفانی و اجتماعی نماز باید سلسله مهمی از مباحث دینی مطرح در سطح جامعه را پدید آورد. آگاهان دینی و محققان و نویسندگان در این باره مقالات و تحقیقات و کتاب هایی فراهم آورند و بحث نماز به طور مکرر در همه جایگاه های تبلیغ دین با زبان ها و شیوه ها از زاویه های گوناگون مطرح گردد.

۴. تعریف عبادت

۴. تعریف عبادت

عبادت را اهل لغت به معنای نهایت خضوع و کرنش دانسته اند و گفته اند چون عبادت، والاترین مرتبه خضوع است، پس تنها شایسته کسی است که والاترین مرتبه وجود و کمال و بزرگ ترین درجه نعمت ها و احسان را دارد و از این جهت، عبادت غیر حق، شرک است. شاید عبادت که در فارسی به معنای پرستش و بندگی است، در حقیقت، بیش از این معنا باشد که گفته اند و آن عبارت است از خضوع برای خالق و خداوند.

«احتراماتی که صاحبان مذاهب از بزرگان مذهب خود می کنند، با اعتقاد به آنکه آنها بندگان هستند که در همه چیز محتاج به حق تعالی هستند _ در اصل وجود و کمال آن _ و عباد صالحی هستند که با آنکه مالک نفع و ضرر و موت و حیات خود نیستند، به واسطه عبودیت، مقرب درگاه و مورد عنایت حق تعالی و وسیله عطیات اویند، به هیچ وجه شائبه

شرك و كفر در آن نيست و احترام خاصان خدا، احترام او و حب خاصان خدا، حب خداست» (۱).

۵. جاگاه نماز در ميان عبادت ها

اشاره

۵. جاگاه نماز در ميان عبادت ها

برای تبیین جاگاه نماز در ميان ديگر عبادت ها نخست باید عبادت ها را در دسته بندی مشخصی جای داد تا جاگاه نماز در این ميان مشخص گردد. عبادت، یا بدنی است یا مالی. عبادت بدنی به دلیل پیوستگی و امکان تحقق آن افضل از عبادت مالی است؛ زیرا عبادت مالی به وجود مال بستگی دارد و با نبود مال، ساقط می گردد، مانند: خمس و زکات. به جز آن، عبادت های مالی همیشگی نیستند، مانند خمس و زکات که در زمان معینی واجب می شود، ولی عبادت بدنی یا در طول عمر یک بار واجب می شود (حج) و یا سالی یک بار (روزه) و یا ماهی یک بار به صورت استحباب (نمازهای ماه ها) و یا هفته ای یک بار به صورت واجب تخیری (نماز جمعه) و یا روزی یک بار (عبادت های مخصوص هر روز) و یا اینکه هر روز و همیشه ایام.

در بین عبادت بدنی که انجام آن همیشگی است، نمازهای روزانه، از جاگاه و ویژگی خاصی برخوردار است. نماز، اولین واجبی است که با پذیرش دین اسلام واجب می گردد و آخرین عبادت واجبی است که بر

جسد میت باید به جا آورد. همچنین نماز، نخستین پرسشی است که در قیامت از فرد پرسیده می شود و تنها عبادتی است که سعادت و شقاوت انسان به انجام صحیح آن بستگی کامل دارد.

الف) جایگاه نماز در قرآن

الف) جایگاه نماز در قرآن

نماز، یاد خداست. در قرآن آمده است: «اذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». (بقره: ۱۵۲)

در این آیه، خداوند با امر به یاد از او، شرط این را که او نیز به یاد بنده باشد، یاد کردن از او در این دنیا قرار داده است؛ یعنی اگر بنده ای بخواهد که خدا او را یاد کند، باید او هم خدا را یاد کند: «اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ برای یاد من نماز به پا دار». (طه: ۱۴)

خداوند در آیه اول می فرماید مرا یاد کنید و در این آیه فرمان می دهد با نماز مرا یاد کنید. از این رو، نماز، یاد خداست و یاد خدا در این دنیا سبب می شود که خدا در هر دو جهان، بنده را یاد کند.

آیات دیگری از قرآن، این مطلب را به شکل دیگری بیان می کنند: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ و هر کس از یاد من روی بگرداند، او را زندگی سخت و تنگی خواهد بود». (طه: ۱۲۴)

اهل دوزخ در پاسخ به این پرسش که چه چیزی شما را در دوزخ انداخته است، می گویند: «... يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سِقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ...؛ (اصحاب یمین) از گناه کاران می پرسند چه چیزی شما را در جهنم انداخت، گویند ما از نماز گزاران نبودیم». (مدثر: ۴۲)

ب) جایگاه نماز در روایات

اشاره

ب) جایگاه نماز در روایات

در روایت های معصومین علیهم السلام، جایگاه نماز نسبت به عبادت های دیگر مشخص شده است که در این قسمت تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم.

یک _ ستون دین

روایت های زیادی در این باره نقل شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَوَتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَيْدَمَ دِينَهُ؛ نماز، ستون دین است. پس هر کس نمازش را به عمد ترک کند، بی گمان، دین خود را نابود کرده است.» (۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اللَّهُ، اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛ از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز که ستون دین شماست.» (۲)

همچنین در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛ جایگاه نماز در دین، همانند جایگاه سر در جسد است.» (۳)

دو _ نشانه دین داری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عَلِمَ الْإِسْلَامَ الصَّلَاةُ؛ نماز، پرچم اسلام است.» (۴)

سه _ برترین عبادت

امام رضا علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ وَهِيَ أَحْسَنُ صُورِهِ خَلَقَهَا

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، رسائل، شماره ۴۷، ص ۹۷۸.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۲۴.

۴- کنز العمال، ج ۷۹.

الله؛ نماز برترین عبادت برای خداوند است و آن بهترین صورتی است که خداوند آفریده است» (۱).

چهار _ محبوب ترین عمل نزد خداوند

امام علی علیه السلام می فرماید: «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ الصَّلَاةِ؛ عملی محبوب تر از نماز برای خداوند عز و جل وجود ندارد» (۲).

ج) جایگاه نماز در سخن امام خمینی رحمه الله

امام خمینی رحمه الله در کتاب آداب الصلاه می فرماید:

خصوصاً نماز که سِمَتِ جامعیت دارد و منزله آن در عبادات منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است.

نماز در بین عبادت ها، عبادت جامع است؛ زیرا شامل اقسام گوناگون عبادت ها است. راز جامعیت نماز را می توان از این کلام پیامبر دریافت که می فرماید:

بِالصَّلَاةِ يُبَلِّغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ.

به وسیله نماز، بنده به درجه والا- (نزد خدا) می رسد؛ زیرا نماز هم تسبیح است و هم تهلیل و هم تحمید و هم تکبیر و هم تمجید و هم تقدیس و هم گفتار و هم دعوت (دعا و درخواست).

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۹، باب آداب الصلاه.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۲۸.

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

اشاره

۶. فلسفه نماز از دیدگاه پیشوایان دینی

امامان معصوم علیهم السلام درباره فلسفه تشریح نماز و دلایل واجب بودن آن در دین مواردی را ذکر کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف

الف) اقرار به ربوبیت و اظهار عجز و خضوع و اعتراف

امام رضا علیه السلام در مورد علت واجب بودن نماز می فرماید:

إِنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ إِنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرَّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلْعُ الْأَنْدَادِ وَ قِيَامٌ بَيْنَ يَدَيْ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذُّلِّ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْتِرَافِ وَ الطَّلَبِ لِلِقَائِهِ مِنْ سَالِفِ الذَّنُوبِ وَ وَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

علت (وجوب) نماز این است که نماز اقرار به پروردگاری حق تعالی عز و جل و نفی شریک (برای اوست) و ایستادن درمقابل خداوند جبار با خواری و بیچارگی و خضوع و اعتراف و تقاضای بخشش گناهان گذشته و گذاشتن صورت بر زمین (خاک) در هر روز برای بزرگداشت و تعظیم مقام خدای عزوجل است.

ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او

ب) مداومت بر ذکر حق و فراموش نکردن او

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه نماز می فرماید:

وَ أَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرِ نَاسٍ وَ لَا بَطْرٍ وَ يَكُونُ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِجَابِ وَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لِنَسِي الْعَبْدِ سَيِّئِهِ وَ مُدْبَرِهِ وَ خَالِقِهِ فَيَطْرُقَ وَ يَطْغَى وَ يَكُونُ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ وَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَهُ

عَنِ الْمَعَاصِي وَ مَانِعَا لَهُ عَنْ أَنْوَاعِ الْفُسَادِ. (۱)

و اینکه بنده به یاد (خالق خویش) باشد و غافل و سرکش نباشد و اینکه خاشع و ذلیل و جویای زیادی در دین و دنیا باشد و آنکه ذکر حق عزوجل و مداومت بر آن در شب و روز واجب است تا مبادا بنده آقای خویش و تدبیر کننده و خالقش را فراموش کند که در نتیجه آن به سرکشی و طغیان درافتد و در یاد کردن پروردگارش و ایستادن در مقابل او مانع و بازدارنده ای از انواع فساد، برای بنده باشد.

ج) جلوگیری از کبر و غرور

ج) جلوگیری از کبر و غرور

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ. (۲)

خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را به منظور دور کردن بندگان از کبر، واجب کرد.

فاطمه زهرا علیها السلام در خطبه مشهور خود می فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ؛ خداوند، نماز را برای پاک شدن از کبر قرار داد». (۳)

د) سپاس گزاری از صاحب نعمت

د) سپاس گزاری از صاحب نعمت

- ۱- شیخ محمد بن الحسن حرالعاملی، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۵، ص ۳، ص ۴.
- ۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۱۹۷، حکمت ۲۴۴.
- ۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۵.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمُتَتَابِعِهِ وَاشْبَعَّ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِهِ الْمُتَطَاهِرِهِ، لَتَصَيَّرَفُوا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ، وَ لَوْ كَانُوا كَمَا ذَكَرَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَيْدِ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا. (۱)

سپاس خدایی را که اگر شناخت حمد و سپاس خویش را بر آنچه از نعمت های پی در پی خود بر بندگان خویش عطا کرده و از نعمت های آشکاری که بر آنها گسترده است، از آنها مخفی می داشت (و بر این حمد گفتن آگاهشان نمی کرد) بدون شک از نعمت های او استفاده کرده و سپاس گذاری اش نمی کردند و از روزی او استفاده بسیار کرده و شکرش نمی گفتند. در این صورت، قطعاً از حدود انسانیت خارج و در حد حیوان بودن داخل می گشتند؛ چنان که در کتاب خود فرموده است: آنان مگر همانند حیواناتی بیش نیستند، بلکه (این گونه افراد) گمراه ترند.

۷. حقوق نماز بر نماز گزار

۷. حقوق نماز بر نماز گزار

بر اساس گفتار و بیان ائمه دین، همان گونه که نماز، نماز گزار را از فحشا و بدی باز می دارد، همین طور هم حقوقی بر او پیدا می کند که رعایت حق او لازم است. از امام سجاد علیه السلام در این باره روایت شده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَى مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فَأَمَّا حَقُوقُ

۱- صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، دعای یکم، ص ۳۱.

الصَّلَاةِ. فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَهُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمُسْتَكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظِمِ مَقَامٌ مَنْ يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالشُّكُونِ وَالْوَقَارِ وَخُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَلِينِ الْجَنَاحِ وَحُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلْبِ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ وَاسْتَهْلَكَتْهَا ذُنُوبُهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (۱)

اما حقوق نماز (که باید رعایت شود) عبارت از این است که بدانی نماز ورود به محضر خداست و بدانی که به هنگام نماز در پیشگاه خدا ایستاده ای. چون این را دانستی، شایسته خواهی بود که به نماز بایستی؛ آن گونه که بنده ذلیل، طالب و راغب، بیمناک (از عذاب خدا)، امیدوار (به رحمت خدا)، در مانده و زار به نماز می ایستد که با آرامش و وقار، خشوع در اعضا و جوارح، فروتنی و با مناجات نیکو و با طلب رهایی نفس خود که خطایایش او را فرا گرفته و گناهانش او را هلاک ساخته، مقام آن را که در پیشگاهش ایستاده، بزرگ می دارد و هیچ نیرویی جز از خدا نیست.

۸. نماز و ادیان الهی

اشاره

۸. نماز و ادیان الهی

بنا به نص آیات قرآن، نماز، عبادتی است که در آغاز نبوت حضرت آدم علیه السلام از سوی خداوند بر انسان واجب شده است و تمام انبیای الهی نیز بدان عمل می کرده اند، ولی چگونگی و شکل ظاهری آن دقیقاً معلوم نیست.

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۰ باب آداب الصلاة. در کتاب رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام با اندکی تفاوت آمده است.

آنچه مهم است ویژگی نماز در نهی از فحشا و منکر و رساندن بنده به معراج و مقام قرب الهی است که همواره در ادیان مختلف الهی مورد توجه بوده است. در آیات متعددی از قرآن کریم به وجود نماز در دیگر ادیان الهی اشاره شده است. نخست حدیثی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل می شود:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (۱)

محبوب ترین کارها نزد خدای عز و جل، نماز است و آن آخرین سفارش های پیامبران علیهم السلام است.

برخی از آیاتی که به وجود نماز در ادیان دیگر الهی دلالت دارند، به شرح ذیل است:

حضرت ابراهیم علیه السلام و نماز

قرآن در آیاتی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام چنین می فرماید:

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ. (ابراهیم: ۳۷).

ای پروردگار ما، من ذریه خویش را در سرزمینی غیر قابل کشت در نزد خانه حرمت یافته ات سکونت دادم تا نماز به پا دارند.

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ. (ابراهیم: ۴۰)

پروردگارا، مرا و ذریه مرا به پا دارنده نماز قرار ده و دعای ما را بپذیر.

حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز

حضرت اسماعیل علیه السلام و نماز

قرآن یکی از ویژگی های حضرت اسماعیل علیه السلام را امر مدام به نماز ذکر می کند:

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ. (مریم: ۵۴ و ۵۵)

و در کتاب (قرآن) یادآور اسماعیل را که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای نبی (خبر رسان) بود و همیشه اهل خود را به نماز و زکات فرمان می داد.

حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام و نماز

حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام و نماز

هنگامی که قرآن درباره حضرت اسحاق و یعقوب علیهما السلام سخن می گوید، به این نکته اشاره دارد که ما (خداوند) بر آن پیامبران فعل خیر و اقامه نماز را وحی کردیم:

وَ وَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوْبَ نَافِلَةً وَ كُلاًّ جَعَلْنَا صٰلِحِيْنَ وَ جَعَلْنٰهُمْ اٰثِمَةً یَهْتَدُوْنَ بِاَمْرِنَا وَ اَوْحٰنَا اِلَيْهِمْ فَعَلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةَ وَ اٰتٰءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوْا لَنَا عٰبِدِيْنَ. (انبیاء: ۷۲ و ۷۳)

و به او اسحاق و یعقوب فرزند زاده اش را عطا کردیم و تمام آنها را نیکان قرار دادیم و آنان را ائمه ای قرار دادیم که به امر ما هدایت می کردند و بر آنها انجام اعمال خیر و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان (نیز) برای ما بندگانی عبادت کننده بودند.

حضرت شعیب علیه السلام و نماز

حضرت شعیب علیه السلام و نماز

بنا به نص قرآن، حضرت شعیب علیه السلام نیز نماز را به قوم خویش ابلاغ کرده است:

قَالُوْا يَا شُعَيْبُ اَصْلٰتُكَ تَأْمُرُكَ اَنْ تَنْتُرَكَ مَا يَعْْبُدُ اٰبَاؤُنَا اَوْ اَنْ نَفْعَلَ فِيْ اَمْوَالِنَا مَا

گفتند: ای شعیب آیا نمازت تو را فرمان می دهد که ما آنچه را که پدرانمان می پرستیدند ترک کنیم یا آن گونه که می خواهیم در اموالمان تصرف نماییم.

حضرت موسی علیه السلام و نماز

حضرت موسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به پیامبری برگزیده شد، اولین فرمان الهی که به آن حضرت ابلاغ شد، اقامه نماز بود:

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ... فَاسْمِعْ لِمَا يُوحَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. (طه: ۱۱) - (۱۴)

پس چون موسی (نزد آن آتش) آمد، ندا داده شد که ای موسی من همان پروردگار تو هستم... پس به آنچه که بر تو وحی می شود گوش فراده که من الله هستم و جز من خدایی نیست، پس مرا عبادت کن و نماز را برای ذکر و یاد من به پا دار.

لقمان و نماز

لقمان و نماز

لقمان در مورد نماز و امر به معروف و نهی از منکر به فرزند خود، چنین سفارش می کند:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (لقمان: ۱۷)

ای فرزندی، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما.

حضرت زکریا علیه السلام و نماز

همچنین قرآن در مورد نماز گزار بودن زکریا علیه السلام می فرماید:

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ. (آل عمران: ۳۹)

پس فرشتگان او را ندا دادند، در حالی که او در محراب به نماز ایستاده بود.

حضرت عیسی علیه السلام و نماز

حضرت عیسی علیه السلام و نماز

هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام طفلی در گهواره بود، به مردمان خبرداد که خداوند مرا پیامبر قرار داده و به نماز سفارش کرده است:

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ. (مریم: ۳۰ و ۳۱)

(عیسی) گفت: من بنده خدا هستم. (او) مرا کتاب داده و پیامبر قرار داده است و هر کجا باشم مرا مبارک قرار داده و به نماز و زکات سفارش کرده است.

بنا بر آنچه گفته شد، صلاه یا نماز یک حکم واجب الهی در همه ادیان بوده است و همه اقوام انبیای الهی موظف به انجام فریضه نماز بوده اند:

و هنگامی که ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان نیکی کنید و با مردم نیکو صحبت کنید و نماز به پا دارید و زکات بدهید، سپس شما سرباز زدید. (بقره: ۸۳)

اما اهمیت نماز در دین اسلام نسبت به دیگر ادیان الهی را باید همانند شأن پیامبر و قرآن در میان پیامبران و کتاب های آنها دانست.

نماز و موجودات دیگر

نماز و موجودات دیگر

قرآن کتابی است که کلمات آن بیانگر اسرار هستی است. یکی از مسائل قابل توجه در آن، مسئله تسبیح موجودات و اشیاست. با توجه به اینکه تسبیح و عبادت موجودات بر حیات آنها استوار است، پس تمام موجودات دارای نوعی حیات در حد اقتضای وجود خود هستند و این مسئله در علوم عقلی و عرفانی اسلام امری اثبات شده است.

امام خمینی رحمه الله در مقام استاد برجسته در علوم برهانی و عرفانی در مورد تسبیح موجودات می فرماید:

... در مدارک ائمه برهان و قلوب اصحاب عرفان به ظهور پیوسته که تمام دایره وجود _ بمُلکها و ملکوتها و قضاها و قضیضاها _ حیات شعوری ادراکی حیوانی بل انسانی دارند و حامد و مسبح حق تعالی از روی استشعار و ادراکند و در فطرت تمام موجودات _ خصوصا نوع انسانی _ خضوع در پیشگاه مقدس کامل و جمیل علی الاطلاق ثبت و ناصیه آنها در آستانه قدسش بر خاک است. (۱)

نظر قرآن در این باره قابل توجه است:

۱. دیگر جنبندگان، گروه هایی همانند شما هستند:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ. (انعام: ۳۸)

و هیچ جنبنده ای در زمین و پرنده ای که با دو بالش پرواز می کند نیست، مگر اینکه امت هایی مانند شما (هستند).

۲. هر یک از موجودات به نماز و تسبیح خود آگاهند:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صِيَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ. (نور: ۴۱)

آیا نمی بینی که هر چه در آسمان ها و زمین است و پرنده بال گشوده، همگی خدا را تسبیح می گویند و هر کدام نماز و تسبیح خویش را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند، آگاه است.

در این آیه از واژه «صلاه» در مورد موجودات استفاده شده است.

۳. تمام اشیا و موجودات و تمام عوالم هستی و آسمان های هفت گانه و زمین و هر آنچه در آنها است، همگی خداوند را تسبیح می گویند:

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ. (اسراء: ۴۴)

آسمان های هفت گانه و زمین و هر چه در آنهاست، خدا را تسبیح می گویند و هیچ چیزی وجود ندارد مگر اینکه او را تسبیح می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید.

همچنین آیات دیگری نیز به شعور عالم هستی و تسبیح موجودات اشاره دارند، از جمله:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ. (نحل: ۴۹)

و آنچه در آسمان ها و زمین، جنبنده وجود دارد و نیز فرشتگان برای خدا سجده می کنند و از این کار سرپیچی و تکبر نمی کنند.

سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ. (انبیاء: ۷۹)

پرنده و کوه ها را مسخره کردیم که با داود تسبیح گویند و ما انجام دهنده بودیم.

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ. (رحمن: ۶)

و ستاره و درخت او را سجده می کنند.

بنابراین، تمام هستی به تسبیح خالق خود مشغولند، ولی ما این تسبیح و نماز آنان را درک نمی کنیم، چنان که در آیه ۴۴ سوره اسراء نیز بدان تأکید شده است.

مفسران درباره چگونگی تسبیح و نماز موجودات اختلاف دارند؛ گروهی به تکوینی بودن تسبیح آنان معتقدند، ولی برخی مانند امام خمینی رحمه الله بر شعوری بودن و تسبیح آگاهانه نطقی اعتقاد دارند.

در اینجا به نظر امام خمینی رحمه الله که گویای وجود آرا و اختلاف نظر مفسران است، اشاره می شود:

بدان که از برای جمیع موجودات حظّ، بلکه حظوظی از عالم غیب که حیات محض است، می باشد و حیات ساری در تمام دار وجود است و این مطلب نزد ارباب فلسفه عالیّه، با برهان و نزد اصحاب قلوب و معرفت، به مشاهده و عیان، ثابت است و آیات شریفه الهیه و اخبار اولیای وحی علیهم الصلاه و السلام دلالت تام تمام بر آن دارد.

و محجوبین از اهل فلسفه عامیه و اهل ظاهر که نطق موجودات را نیافته اند به تأویل و توجیه پرداخته اند و عجب آن است که اهل ظاهر که به اهل فلسفه طعن زنند که تأویل کتاب خدا کنند، به حسب عقل خود در این موارد، خود تأویل این همه آیات صریحه و احادیث صحیحه کنند؛ به مجرد آنکه نطق موجودات را نیافته اند، با آنکه برهانی در دست ندارند، پس تأویل قرآن را، بی برهان و به مجرد استبعاد کنند.

بالجمله، دار وجود اصل حیات و حقیقت علم و شعور است و تسبیح موجودات تسبیح نطقی شعوری ارادی است؛ نه تکوینی ذاتی که محجوبان گویند و تمام آنها به حسب حظّی که از وجود دارند، به مقام باری جلت عظمته معرفت دارند. (۱)

۹. آداب و اسرار نماز

اشاره

۹. آداب و اسرار نماز

اجتماع و زندگی اجتماعی انسان اقتضای خلقت و طبع مدنی و اجتماعی اوست؛ به گونه ای که نه نوع انسان قادر به زندگی غیر اجتماعی و بریده از دیگران است و نه شرع و دستورهای الهی به او اجازه چنین عملی می دهد. ساده ترین شکل اجتماع، هم نشینی است که در آموزه های اسلامی بدان توجه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- آداب الصلاه، صص ۲۵۵ و ۲۵۶.

الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ الشُّوءِ وَالْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. (۱)

تنهایی بهتر از هم نشین بد است و هم نشین نیکوکار بهتر از تنهایی است.

مسئله مهم در زندگی اجتماعی و ارتباط با دیگران، مسئله رعایت آداب و رسوم است؛ یعنی رعایت مسائلی که انجام یا ترک آن ضروری است و نشان عقل و شخصیت انسان به شمار می رود. به حکم عقل، رعایت آداب در ارتباط با دیگران به تناسب میزان اعتبار و جایگاه طرف مقابل، بسیار ضروری است و این مسئله در زندگی روزانه قابل درک است. برای مثال، در دیدار یک پادشاه و یا یک مسئول بلندپایه، از لحاظ ظاهری و رفتاری، ادب لازم را رعایت می کنیم. در شرع مقدس و احادیث، دو گونه ادب به نمازگزاران توصیه شده است که رعایت آنها به رشد و کمال انسانی و تأثیرگذار بودن نماز خواهد انجامید و رعایت نکردن آن محرومیت از لطف الهی را به همراه خواهد داشت.

«بدان که از برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و غیر از این ظاهر، باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات ننمودن آنها موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن گردد، همین طور از برای باطن آدابی است قلبیه باطنیه که با مراعات ننمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد، چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی

شود» (۱).

آداب نماز دو گونه است: آداب ظاهری و آداب باطنی. نماز هم مثل انسان دارای ظاهر و باطن است و انسانیت انسان براساس نماز و نماز انسان براساس انسانیت او محقق می گردد. امام خمینی رحمه الله درباره رابطه نماز با انسانیت انسان می فرماید:

بالجمله از برای نماز مقامات و مراتبی است که در هر مرتبه ای که مصلی است، نمازش با مرتبه دیگر بسیار فرق دارد، چنانچه مقامش با مقامات دیگر خیلی فرق دارد. پس مادامی که انسان، صورت انسان و انسان صوری است نماز او نیز نماز صوری است و فایده آن نماز، فقط صحت و اجزای صوری فقهی است... و اگر از مرتبه ظاهر به باطن و از صورت به معنی پی برد تا هر مرتبه ای که محقق شود نماز او نیز حقیقت پیدا می کند....

پس مادامی که نماز انسان صورت نماز است و به مرتبه باطن و سر آن نرسیده، انسان متحقق نشده، انسان نیز صورت انسان است و به حقیقت آن محقق نگردیده، پس میزان در کمال انسانیت و حقیقت آن عروج به معراج حقیقی و صعود به اوج کمال و وصول به باب الله با مرقات نماز است. (۲)

در این قسمت، مختصری از آداب عبادت و نماز از زبان امامان معصوم علیهم السلام و نیز اهل نماز حقیقی، به ویژه امام خمینی رحمه الله بیان می شود:

امام خمینی رحمه الله در آداب عمومی عبادت، به ویژه نماز می فرماید:

الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا

الف) ادب ذلت خود در برابر عزت خدا

«یکی از آداب قلبیه در عبادت و وظایف باطنیه سالک طریق آخرت،

۱- آداب الصلاه، ص ۲.

۲- امام خمینی، اسرار نماز یا معراج السالکین و صلاه العارفين، ص ۷.

توجه به عزّ ربوبیت و ذلّ عبودیت است. (۱) پس سالک الی الله را ضرور است که به مقام ذلّ خود پی برد و نصب العین او ذلّت عبودیت و عزت ربوبیت باشد. (۲)

بنابراین، نماز گزار باید به هنگام عبادت، ناچیزی و ضعیف بودن خود را در مقابل عظمت بی انتهای خالق خویش به یاد آورد تا از حجاب خودبینی بیرون آید. «تا انسان را نظر به خویشتن و کمال و جمال متوهم خود است، از جمال مطلق و کمال صرف، محجوب و مهجور است و اول شرط سلوک الی الله خروج از این منزل است، بلکه میزان در ریاضت حق و باطل همین است». (۳)

حاصل این ادب در نماز، خشوع است: «یکی از اموری که برای سالک در جمیع عبادت خصوصا نماز که سرآمد همه عبادات است و مقام جامعیت دارد لازم است، خشوع است و حقیقت آن عبارت است از خضوع تامّ ممزوج با حبّ یا خوف. (۴) اگر قلب از قلوب شوقی باشد، خضوع در عین حبّ اوست و ناشی از هیبت و عظمت و سطوت جمال حق است و اگر قلب خوفی باشد، خضوع او ناشی از ادراک عظمت و کبریا و جلال حق است».

۱- آداب الصلاة، ص ۷.

۲- آداب الصلاة، ص ۹.

۳- آداب الصلاة، ص ۸.

۴- آداب الصلاة، ص ۱۳.

(ب) ادب طمأنینه

(ب) ادب طمأنینه

«و از آداب مهمه قلبیه عبادات، خصوصاً عبادات ذکریه، طمأنینه است و آن غیر از طمأنینه ای است که فقها «رضوان الله علیهم» در خصوص نماز اعتبار کرده اند و آن عبارت است از آنکه شخص سالک عبادت را از روی سکونت قلب و اطمینان خاطر به جا آورد؛ زیرا که اگر عبادت را با حال اضطراب قلب و تزلزل به جا آورد، قلب از آن عبادت منفعل نشود و آثاری از عبادت در ملکوت قلب حاصل نشود و حقیقت عبادت صورت باطنیه قلب نگردد. (۱)

در اول امر که زبان قلب گویا نشده، سالک راه آخرت باید آن را تعلیم دهد و با طمأنینه و سکونت، ذکر را به آن القا کند. همین که زبان قلب باز شد، قلب، قبله لسان و سایر اعضا می شود. با ذکر، آن همه مملکت وجود انسانی ذاکر گردد و ولی اگر این ذکر شریف را بی سکونت قلب و طمأنینه آن و با عجله و اضطراب و اختلال حواس گفت، از آن در قلب اثری حاصل نشود و از حدّ زبان و گوش حیوانی ظاهری به باطن و سمع انسانی نرسد...» (۲)

(ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)

(ج) ادب محافظت عبادت از تصرف شیطان (اخلاص داشتن)

امام خمینی رحمه الله، این ادب را از اصولی ترین و مهم ترین آداب قلبی دانسته و به آیه «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (مؤمنون: ۹) استناد می کند:

۱- آداب الصلاة، ص ۱۶.

۲- آداب الصلاة، ص ۱۷.

و خلوص از تصرف شیطان که مقدمه اخلاص است، به حقیقت حاصل نشود؛ مگر آنکه سالک در سلوکش خداخواه شود و خودخواهی و خودپرستی را که منشأ تمام مفسد و امّ الامراض باطن است، زیر پا نهد. (۱)

پس بر سالک طریق آخرت لازم و حتم است که... با کمال دقت و تفتیش در حرکات و سکانات و طلب و مطلوب خود غور کند... و از حيله های نفس و شیطان غفلت نکند و از دام های نفس اماره و ابلیس غافل نشود و در جمیع حرکات و افعال، سوء ظن کامل به خود داشته باشد و هیچ گاه آن را سرخود و رها نکند...». (۲)

(د) ادب نشاط و بهجت

(د) ادب نشاط و بهجت

«و دیگر از آداب قلبیه نماز و سایر عبادات که موجب نتایج نیکویی است، بلکه باعث فتح بعضی از ابواب و کشف بعضی از اسرار عبادات است، آن است که سالک جدیت کند که عبادت را از روی نشاط و بهجت قلب و فرح و انبساط خاطر به جا آورد و از کسالت و ادبار نفس در وقت عبادت احتراز شدید کند. پس وقتی را که برای عبادت انتخاب می کند، وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال است و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد؛ زیرا اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی وادار به عبادت کند ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود که از جمله

۱- آداب الصلاه، ص ۲۰.

۲- آداب الصلاه، ص ۲۱.

آنها آن است که انسان از عبادت منزجر شود...» (۱).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا عليُّ، إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ، فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ. (۲)

ای علی، این دین متین و استوار است، با رفق و مدارا در آن گام نه و پرستش پروردگارت را مبعوض خود مکن.

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام که می فرماید:

إِذَا نَشَطَتِ الْقُلُوبُ فَأَوْدِعْهُمَا وَإِذَا نَفَرَتْ فَوَدِّعْهُمَا. (۳)

هنگامی که قلوب نشاط و بهجت دارند، به آنها امانت بسپارید و وقتی که گریزانند آنها را واگذارید.

امام خمینی رحمه الله با اشاره به حدیث می فرماید:

و از این احادیث و احادیث دیگر استفاده ادب دیگر شود که آن نیز از مهمات باب ریاضت است و آن عبارت از مراعات است و آن، چنان است که سالک در هر مرتبه که هست، چه در ریاضات و مجاهدات علمیّه یا نفسانیّه یا عملیّه، مراعات حال خود را بکند و با رفق و مدارا با نفس رفتار نماید و زائد بر طاقت و حالت خود تحمیل آن نکند، خصوصاً برای جوان ها و تازه کارها این مطلب از مهمات است...» (۴).

ه) ادب تفهیم

ه) ادب تفهیم

۱- آداب الصلاه، ص ۲۳.

۲- آداب الصلاه، ص ۲۴، به نقل از اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۸.

۳- آداب الصلاه، ص ۲۵.

۴- آداب الصلاه، ص ۲۵.

«یک از آداب قلبیه عبادات، خصوصاً عبادات ذکریه تفهیم است و آن، چنان است که انسان قلب خود را در ابتدای امر چون طفلی پندارد که زبان باز نکرده و آن را می خواهد تعلیم دهد».^(۱)

و) ادب حضور قلب

اشاره

و) ادب حضور قلب

«یکی از مهمّیات آداب قلبیه که شاید کثیری از آداب، مقدمه آن باشد و عبادت را بدون آن روح و روانی نیست... و در احادیث شریفه از کمتر چیزی این قدر ذکر شده و به کمتر ادبی این قدر اهمیت داده شده، حضور قلب است».^(۲)

در احادیث و آیات قرآن، ادب حضور قلب، مهم ترین ادبی است که درباره آن مطالب فراوانی آمده است و حقیقت نماز با توجه به این ادب محقق می شود و تأثیر نماز نیز که منع از فحشا و منکر است و اختلاف درجه نمازها به همین ادب است. حضور قلب به معنای حاضر بودن جان و روح و قلب انسان همراه با حرکات و ذکر نماز است که در روایات بیشتر به اقبال قلب از آن تعبیر شده است. (تفصیل بیشتر این مطلب مطابق روایت های ائمه علیهم السلام در بخش دوم آمده است و در اینجا بیشتر درباره چگونگی کسب حضور قلب مطالبی آورده می شود). امام خمینی رحمه الله با اشاره به موانع حضور قلب و راه علاج آنها می فرماید:

پس ای عزیز، اگر ایمان به آنچه ذکر شد که گفته انبیا علیهم السلام است، آوردی و خود را برای

۱- آداب الصلاه، ص ۲۸.

۲- آداب الصلاه، ص ۳۱.

تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی و لازم دانستی حضور قلب را نمایی و خارهای طریق را از سر راه سلوک ریشه کن کنی و پس از آن اقدام به خود آن کنی. (۱)

یک _ موانع حضور قلب

«موانع حضور قلب در عبادات، تشنّت خاطر و کثرت و ارادت قلبیه است.» (۲) بنابر نظر امام خمینی رحمه الله، این پراکنندگی خاطر و حواس انسان ناشی از دو عامل (خارجی و داخلی) است:

اول _ عامل خارجی یا ظاهری

اغلب از راه حواس ظاهر پنج گانه انسان بر تمرکز خاطر تأثیر می گذارد؛ مثلاً گوش انسان در حالت عبادت بشنود و توجه به آن منشأ تخیل و افکار در مورد آن گردد و همین طور از طریق چشم و... در مورد راه علاج این مشکل، گروهی گفته اند که بهتر است انسان در خانه تاریکی یا محلّ خلوت نماز بخواند یا در نماز چشم خود را ببندد و در مواضعی که جلب نظر می کند، نماز نخواند.

امام خمینی رحمه الله به رفع موانع ظاهری بسنده نمی کند، بلکه معتقد است باید خاستگاه اندیشه و خیال کنترل شود که همان کنترل قوه خیال و وهم است:

ولی معلوم است این، رفع مانع نکند و قطع ماده ننماید؛ زیرا که عمده تصرف خیال است که با منشأ جزئی کار خود را انجام می دهد، بلکه گاه شود که در خانه تاریک و کوچک و تنها، تصرف

۱- آداب الصلاة، ص ۴۲.

۲- آداب الصلاة، ص ۴۲.

واهمه و خیال بیشتر شود... پس قلع ماده کلی به اصلاح خیال و وهم است... (۱).

دو _ عامل داخلی یا باطنی

گاهی تشنّت خاطر و مانع حضور قلب، از امور باطنی است که دو منشأ دارد: «یکی هرزه گردی و فرّار بودن طایر خیال است؛ زیرا که خیال، قوه ای است بسیار فرّار که دائماً از شاخه ای به شاخه ای آویزد... و این مربوط به حبّ دنیا و توجه به امور دنیّه و مال و منال دنیوی نیست، بلکه فرّار بودن خیال خود مصیبتی است که تارک دنیا نیز به آن مبتلا است...» «منشأ دیگر، حبّ دنیا و تعلق خاطر به حیثیات دنیوی است که رأس خطیئات و امّ الامراض باطنه است که خار طریق اهل سلوک و سرچشمه مصیبات است...» (۲).

دو _ راه علاج

امام خمینی رحمه الله در علاج این دو مانع باطنی؛ یعنی هرزه گردی خیال و حب دنیا، راه هایی معرفی می کند:

بدان که هریک از قوای ظاهره و باطنه نفس قابل تعلیم و تربیت است با ارتیاض مخصوص؛ مثلاً چشم انسان قادر نیست که به یک نقطه معینه یا در نور شدید، مثل نور عین شمس، مدتی طولانی نگاه کند بدون به هم خوردن پلک های آن، ولی اگر انسان چشم را تربیت کند چنانچه بعضی از اصحاب ریاضات باطنه برای مقاصدی عمل می کنند، ممکن است چند ساعت متمادی در قرص آفتاب نظر را بدوزد، بدون آنکه چشم به هم بخورد یا خستگی پیدا کند... و از قوایی که قابل تربیت است قوه خیال و قوه واهمه است... و طریق عمده رام نمودن آن عمل به خلاف است و آن، چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل

۱- آداب الصلاه، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- آداب الصلاه، ص ۴۳.

نماید و به مجرد اینکه بخواهد از چنگ انسان فرار کند، آن را استرجاع نماید... و این در اول امر کاری صعب به نظر می آید، ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج حتماً رام می شود... (۱).

در علاج حب دنیا نیز می فرماید:

علاج این مرض مهلك و فساد خانمان سوز با علم و عمل نافع است، اما علم نافع برای این مرض، تفکر در ثمرات و نتایج آن و مقایسه کردن بین آنها و مضار و مهالك حاصله از آن است. (۲).

چون معلوم شد که حب دنیا مبدأ و منشأ تمام مفسدات است، بر انسان عاقل علاقه مند به سعادت خود لازم است این درخت را از دل ریشه کن کند و طریق علاج عملی آن است که معامله به ضدّ کند: پس اگر به مال و منال علاقه دارد، با بسط ید و صدقات واجبه و مستحبه، ریشه آن را از دل بکنند... و اگر علاقه به فخر و تقدّم و ریاست و استتال دارد، اعمال ضدّ آن را بکنند و دماغ نفس اماره را به خاک بمالد و اصلاح شود. (۳) پس عزم خود را قوی کن و اراده خویش را محکم نما که اول شرط سلوک عزم است و بدون آن راهی نتوان پیمود و به کمالی نتوان رسید. (۴).

سه _ مراتب حضور قلب

امام خمینی رحمه الله مراتبی را برای حضور قلب ذکر می کند:

اول مرتبه حضور قلب در عبادات، حضور قلب در عبادت است اجمالاً و آن از برای همه کس میسر است و آن چنان است که انسان به قلب خود بفهماند که باب عبادت باب ثنای معبود است.

مثل طفلی که شعری را در مدح کسی بخواند و اجمالاً بداند که دارد مدح می کند، اگرچه معنی جملات را نداند. مرتبه دوم از حضور، حضور قلب در عبادت است تفصیلاً و آن چنان است که قلب عابد در جمیع عبادات حاضر باشد و بداند که حق را به چه توصیف می کند و چطور مناجات می کند و از برای آن مراتب و مقدماتی است بسیار متفاوت... پس یک طایفه هستند که از

۱- آداب الصلاة، صص ۴۳ و ۴۴.

۲- آداب الصلاة، ص ۵۰.

۳- آداب الصلاة، صص ۵۰ و ۵۱.

۴- آداب الصلاة، ص ۵۲.

نماز و سایر عبادات جز صورت و قشر و هیئت ملکی آن چیزی نمی دانند، ولی مفاهیم عرفیه اذکار و ادعیه و قرائت را می فهمند... و طایفه دیگر آنانند که حقایق عبادات و اذکار را می فهمند به قدم عقلی و فکری... و این طایفه حضور قلبشان در عبادت آن است که تفصیلاً قلبشان در ذکر این حقایق و... حاضر باشد و بفهمند چه می کنند و چطور ثنا و حمد حق می گویند.

و طایفه دیگر آنانند که حقایق را که با قدم فکری و عقلی ادراک کرده اند، با قلم عقل به لوح قلب رسانند و قلب آنها نیز به آن حقایق آشنا شده و ایمان آورده است؛ زیرا که مرتبه ایمان قلبی با ادراک عقلی بسیار فرق دارد....

و طایفه دیگر آنانند که علاوه بر آنکه این حقایق را به قلب رسانده و به مقام کمال اطمینان رسیدند، با مجاهدات و ریاضات به مرتبه کشف و شهود رسیده و حقایق را با چشم ملکوتی و بصیرت الهیه به مشاهده حضوریه و حضور عینی دریابند. (۱)

سومین مرتبه حضور قلب، حضور قلب در معبود است که خود دارای مراتبی است. «بالجمله، مرتبه اول حضور قلب در معبود آن است که با علم برهانی عالم را محضر ربوبیت بداند و عبادت خود و جمیع حرکات باطن و ظاهر خود را عین حضور و نفس خود بداند....

مرتبه دوم از حضور قلب در تجلی فعلی، مرتبه ایمان و اطمینان است که از تذکر حبیب در سرّ و علن و مناجات با ذات اقدس و خلوت با او حاصل گردد...

پس قلب لذت حضور را دریابد و لذت فیض حضور، او را از عبادت غافل کند. سپس از خود و عبادت محجوب شود و از عالم، فانی گردد و به تجلی فعلی مشغول شود و این حال که در حد تمکین رسید و از تلوین خارج شد، کم کم نمونه تجلیات اسمائیه از قلب سالک بروز کند که مرتبه

دیگر از حضور قلب در معبود است (مرتبه سوم).^(۱)

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

۱۰. آداب اقامه نماز در احادیث

بعد از تأکید ائمه علیهم السلام بر اهمیت نماز و امر و نهی درباره آن، به آدابی که برای اقامه این فریضه الهی بیان کرده اند، اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ فَانْسِ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَالْخُلُقَ وَمَا هُمْ فِيهِ... وَادْكُرْ وَقُوفَكَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَوْمَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ. ^(۲)

هنگامی که مقابل قبله ایستادی، پس دنیا و آنچه را در آن است و خلق و آنچه را به آن مشغولند، فراموش کن و یاد آور ایستادنت را در مقابل او (پروردگار)؛ روزی که هر کس هر چه پیش فرستاده است، آشکار ببیند.

همچنین می فرماید:

إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً فَرِيضَةً فَصَلِّهَا لَوْ قَتَلَهَا صَلَاةً مُودَّعٍ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا. ^(۳)

هنگامی که نماز واجبی بگزاری پس آن را در وقتش به جا آور، همانند وداع کننده با نماز که می ترسد که دیگر هیچ گاه به او باز نگردد.

و در آداب تکبیر می فرماید:

۱- اسرار نماز، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۶۹ برگرفته از: مصباح الشریعه.

۳- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۰.

چون تکبیر گفتی، کوچک شمار در محضر کبریای آن ذات مقدس، بین عرش تا فرش را؛ زیرا خداوند تعالی اگر بنده ای را ببیند که تکبیر گوید، ولی در قلبش اشکالی است؛ یعنی آنچه به زبان آورده، قلب موافقت نکند، فرماید: «ای دروغ گو، با من خدعه می کنی؟ به عزت و جلالم قسم که از شیرینی ذکر خود، تو را محروم می کنم و از قرب خود تو را محجوب نمایم و از سرور مناجات خویش، تو را محتجب کنم».^(۱)

در مورد ادب رکوع می فرماید:

فَارْكَعْ رُكُوعًا خَاضِعًا لِلَّهِ بَقَلْبِهِ، مُتَذَلِّلًا وَجِلًّا تَحْتَ سُلْطَانِهِ، خَافِضًا لَهُ بِجَوَارِحِهِ خَافِضًا حَزْنًا عَلَى مَا يَفُوتُهُ مِنْ فَائِدَةٍ الزَّائِعِينَ.^(۲)

رکوع کن، مانند رکوع کسی که با قلبش برای خداوند خضوع کند و (رکوع کسی که) ذلیل و ترسان [داخل در] سلطنت او شود و با اعضایش برای او فروتنی نماید؛ فروتنی فرد نگران و غم زده بر از دست رفتن فایده های رکوع کنندگان.

در ادب سجود هم می فرماید:

فَاسْجُدْ سُجُودًا مُتَوَاضِعًا لِلَّهِ ذَلِيلًا، عَلِمَ أَنَّهُ خُلِقَ مِنْ تُرَابٍ يَطَّأُهُ الْخَلْقُ وَ إِنَّهُ اتَّخَذَكَ مِنْ نُطْفَةٍ يَسِيْرَتَقْدِرُهَا كُلُّ أَحَدٍ، وَ كُونَ مَا لَمْ يَكُنْ.^(۳)

پس سجده کن، سجده تواضع کننده ذلیل برای خداوند، اینکه بداند او از خاک خلق شده است و او (خدا) از نطفه ای که هر کسی از آن بیزار است، تو را پدید آورده و او آنچه را که نبود، هستی داد.

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۶۹.

۲- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۵۳۳.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۵۴۹.

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

تأویل نماز از زبان امام علی علیه السلام

در کتاب بحارالانوار درباره تأویل نماز روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است. جابر بن عبدالله انصاری گوید: «با امام علی علیه السلام بودم. مردی را دید که به نماز ایستاده بود، پس به او فرمود: ای مرد، آیا تأویل نماز را می دانی؟ مرد گفت: ای مولای من، آیا برای نماز غیر از عبادت تأویلی هست؟ فرمود: بله، قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت و نبی خود را به کاری برانگیخته نکرد، مگر اینکه آن کار را تشابه (متشابه) و تأویل و تنزیلی است و تمام آنها به تعبد و بندگی دلالت دارند. مرد گفت: مرا تعلیم فرما که آن تأویل چیست؟»

فرمود: تأویل تکبیر اول برای احرام بستن تو آن است که هنگامی که «الله اکبر» گفتی، به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به قیام و قعود (برخاستن و نشستن) متصف گردد؛

و در تکبیر دوم (به قلبت خطور دهی) که خدا برتر است از اینکه به حرکت و جمود (توقف) وصف شود؛

و در تکبیر سوم، از اینکه خدا به جسم یا به دلیل شباهت داشتن به چیزی، قیاس شود، برتر است؛

و در تکبیر چهارم، به قلب خود خطور دهی که او برتر است از اینکه چیزی بر او عارض شود، یا مرضی او را ناراحت کند؛

و در تکبیر پنجم، خطور دهی که خدا برتر است از اینکه به جوهر و عرض وصف شود، یا آنکه در چیزی حلول کند و یا چیزی در او حلول نماید.

و در تکبیر ششم، به قلب خود خطور دهی که خدا برتر است از زوال و انتقال (تبدیل حال) که بر پدیده ها جایز است؛

و در تکبیر هفتم، آنکه خدا برتر است از اینکه حواس پنج گانه او را دریابد.

پس تأویل کشیدنِ گردن در رکوع آن است که در عمق جانیت به خاطر آوری که به تو ایمان آوردم حتی اگر گردن مرا بزنی، سپس سر برداشتن از رکوع، هنگامی که می گویی: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تأویلش آن است که (تو کسی هستی که) مرا از عدم به عالم وجود آوری و تأویل سجده اول آن است که در حالی که در سجده هستی به خاطر آوری که مرا از خاک آفریدی و سر برداشتن تأویلش آن است که مرا از آن بیرون می آوری.

سجده دوم؛ یعنی مرا به آن برمی گردانی و در سر برداشتن، به قلب خود خطور می دهی که مرا بار دیگر از آن خارج می کنی.

و تأویل نشستن بر طرف راست خود (در حالت تورک) آن است که به قلبت خطور دهی که پروردگارا، من حق را بر پا داشتم و باطل را کنار زدم (چون در حالت تورک، پای راست بر چپ نهاده می شود و این به معنای اقامه حق و سرکوب باطل است). و تأویل تشهد، تجدید ایمان و

برگشت به اسلام و اعتراف به برانگیخته شدن بعد از مرگ است و تأویل خواندن تحیات، تمجید از پروردگار سبحان و تعظیم و منزّه کردن او از آن چیزهایی است که ظالمان می گویند و ملحدان وصفش می کنند. و تأویل «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» ترحمی است از پروردگار سبحان و معنایش آن است که: این امانی برای شما از عذاب روز قیامت است.

«هرکس این گونه تأویل نمازش را نداند، پس نمازش ناقص است».(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، صص ۳۸۴ و ۳۸۵، باب آداب الصلاة ترجمه.

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

اشاره

فصل دوم: فایده ها و آثار نماز

بی شک، سخن گفتن در مورد فایده ها و آثار واقعی نماز بر روح و باطن انسان، جز برای کسانی که حقیقت و معنای نماز را دریافته اند و از برکات آن بهره مند شده اند، کاری بس مشکل است. آنچه برای غیر این گروه قابل تشخیص است، پی آمدهای نمازگزاری است؛ یعنی آثاری که برای عموم نمازگزاران معتقد به نماز رخ می دهد. روح و جان نمازگزار هنگام نماز، در پرتو انوار و اسرار آن به اصل خویش متصل می گردد و چنان غرق انوار جمال و جلال معبود و معشوق می شود که کون و مکان و هر دو جهان را فراموش می کند. چنان که سرور نمازگزاران، حضرت علی علیه السلام به هنگام نماز حتی متوجه بیرون کشیدن تیر از بدن خویش نمی شود؛ تیری که دردش در غیر نماز تحمل ناپذیر بود. این اثر نماز همان کمال الانقطاع است که در مناجات شعبانیه، همه امامان، آن را درخواست کرده اند:

وَإِنَّ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ. (۱)

و چشمان قلب ما را به روشنی نظر کردن به سوی تو روشن گردان تا آنجا که

۱- مفاتیح الجنان، مناجات شعبانیه، ص ۲۱۶.

چشمان قلب هایمان حجاب های نور را پاره کند و به معدن عظمت برسد (و متصل گردد) و روح های ما به عزّ قدس تو آویخته گردد.

نظر انداختن به دوست و کنار زدن حجاب های نور و رسیدن به منبع نور فقط در نماز و نیایش رخ می دهد و فقط نماز گزار معنی آن را می داند و بس.

حافظ می گوید:

در نماز خم ابروی توأم یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

بی شک، گستره تأثیر نماز، تمام زندگی، ظاهر و باطن و دنیا و آخرت است؛ زیرا دنیا و آخرت تمام عرصه حیات انسان است. از این رو، نماز را در دو دسته آثار دنیوی و آثار اخروی برمی شماریم:

۱. آثار دنیوی نماز

اشاره

۱. آثار دنیوی نماز

آثار دنیوی نماز، شامل آثار تربیتی، اجتماعی، جسمانی و فیزیکی است که هر کدام به تفصیل بررسی می شود:

الف) آثار تربیتی نماز

اشاره

الف) آثار تربیتی نماز

مهم ترین و اصلی ترین اثر نماز که هدف از تشریح نماز است، اثر تربیتی آن است و آثار دیگر آن به تبع و دنباله این خاصیت است. با تربیت صحیح، رفتارهای اجتماعی و نظم اجتماع و سلامت آن، در مسیر سالم و تکامل قرار می گیرد.

هدف اصلی آموزه های دین در درجه اول، تربیت، تزکیه و ادب آموزی

است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از تربیت دیگران، خود تربیت یافته پروردگار بود: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي؛ پروردگارم مرا ادب (تربیت) کرده، پس نیکو تربیتم کرده است»^(۱).

برخلاف زندگی حیوانی (در انسان و حیوان) که مراحل رشد آن به اقتضای حکم غریزی صورت می گیرد، حیات واقعی انسانی حالت بالقوه دارد. از این رو، انبیای الهی همواره انسان را از خطر گرایش مطلق به زندگی حیوانی باز داشته اند تا استعدادهای بالقوه خود را در رسیدن به کمالات شکوفا سازد.

«انبیا مردم را از دنیا باز دارند و تقیید اطلاق شهوت و غضب کنند و تحدید موارد منافع نمایند. غافل گمان کند دعوت به دنیا کنند... پس آنها جلوگیر اطلاق هستند نه داعی به دنیا»^(۲).

یکی از برنامه های تربیتی انبیای الهی نماز است. تمام ادیان الهی و انبیا، به دلیل آثاری که نماز بر روح و زندگی فرد می گذارد، عامل و آمر به نماز بوده اند. مهم ترین آثار نماز عبارت است از:

یک _ محوریت در عمل انسان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ...»^(۳).

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۸.

۲- آداب الصلاه، ص ۴۵.

۳- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۳.

امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به همین مطلب اشاره کرده است. بر این اساس، اعمال انسان تابع کیفیت نماز اوست؛ هرچه نماز صحیح تر انجام گیرد، عمل انسان سالم تر است و هرچه نماز صوری و ظاهری باشد، عمل او هم متزلزل و بی ریشه خواهد بود. همان گونه که امام خمینی رحمه الله نیز بر این باور است که نماز و انسانیت رابطه متقابل دارند و سعادت و شقاوت هر کس به عمل اوست که تابع نماز اوست.

دو _ اثر بازدارندگی از فحشا و منکر

در قرآن کریم، به این امر به طور صریح اشاره شده است: «أَنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز (انسان) را از فحشا و منکر باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

البته در قرآن به موارد دیگر پی آمدهای نماز اشاره شده است. برای مثال، هنگامی که رذایل اخلاقی یا نقایص روحی انسان نکوهش می شوند، اهل نماز مستثنا می شوند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ. (معارج: ۱۹ _ ۲۳)

به راستی که انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که او را شری در رسد، جزع و بی تاب می کند و هنگامی که خیری به او رسد منع می کند (بخیل می شود) مگر نماز گزاران (که این گونه نیستند).

سه _ ایجاد آرامش روحی و اطمینان

این خاصیت و اثر نماز را می توان به سادگی در چهره و قوت روحی اهل نماز مشاهده کرد؛ زیرا آنان به تناسب بهره مندی از آثار نماز معمولاً در سختی ها و گرفتاری ها چهره ای مطمئن و آرام دارند و هیچ گاه در زندگی خویش احساس پوچی و اضطراب ندارند؛ زیرا در سایه ارتباط با

مبدأ عالم همواره از او استمداد جسته و در امور زندگی بر او توکل می کنند. هر نماز گزار در نمازهای روزانه خویش، ده بار جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» را بر زبان می آورد و جان خود را با آن مأنوس می کند.

قرآن کریم به پیامبر خویش می فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را به خاطر ذکر و یاد من به پای دار». (طه: ۱۴) و در جای دیگر می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ هان، آگاه باشید که دل ها به یاد خدا آرام می گیرد». (رعد: ۲۸)

ذکر خدا باعث آرامش دل هاست و نماز ذکر است که این اثر را داراست: «وَفِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي؛ راحتی و آرامش من در مناجات با توست». (۱)

چهار _ مصونیت از رذایل اخلاقی (کبر)

با توجه به احادیث و روایات بسیار و قرار گرفتن کبر در میان دیگر گناهان کبیره، می توان به نقش نماز در مصون کردن انسان از خطر کبر پی برد.

عَنْ حَكِيمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْإِلْحَادِ فَقَالَ إِنَّ الْكِبْرَ أَذْنَاهُ. (۲)

از حکیمی رسیده است که از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه الحاد و برگشت از حق پرسیدم. پس فرمود: پایین ترین درجه کبر (الحاد) است.

۱- مفاتیح الجنان، مناجات المریدین، ص ۱۷۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹، باب کبر، ح ۱۰.

کبر از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که باعث سقوط انسان از مرتبه قرب الهی می‌گردد. بیشتر گناهان کبیره به نوعی موجب عقوبت و حتی دخول در آتش می‌گردند و انسان را بدهکار خدا یا خلق می‌گردانند، ولی صفت کبر نوعی تنازع با صفت ذاتی حق تعالی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: ...

... وَالْكَبْرِ رِذَاءُ اللَّهِ فَمَنْ نَارَعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رِذَاءَهُ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا سَفَالًا؛ (۱)

... کبر ردای خداوند است، هر کس بر سر آن با خدا به منازعه و مقابله برخیزد، خداوند جز پستی و خواری چیزی بر او نیفزاید.

شیطان با همه تقربیی که در درگاه الهی داشت، در اثر یک تکبر از درگاه الهی رانده شد و دچار لعنت ابدی گردید:

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. (ص: ۷۶ _ ۷۸)

شیطان گفت: من از او بهتر (برتر) هستم، مرا از آتش آفریدی و او را از خاک، (خدا به او) گفت: از آن (صف فرشتگان) بیرون شو که تو رانده شده‌ای و لعنت من تا روز قیامت بر توست.

قرآن کریم، استکبار و تکبر در عبادت را وعید به آتش داده است:

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (غافر: ۶۰)

کسانی که از عبادت من تکبر می‌کنند به زودی خوار و ذلیلانه داخل جهنم شوند.

نماز حقیقی، روح متیت را از نماز گزار می زداید و او را به فقر ذاتی خویش توجه می دهد. نماز گزار، خود و اعمالش را ناچیز می بیند و در قول و فعل خویش هیچ گاه دچار کبر نمی شود و نوع مخلوق را با دیده استقلال و غنا نمی نگرد.

در روایات شیعه، فلسفه وجوب و تشریح نماز از سوی خداوند، دوری از کبر بیان شده است؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ. (۱)

خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و نماز را برای دوری از کبر واجب ساخت.

حضرت زهرا علیها السلام نیز به این مضمون اشاره کرده است.

پنج - پرورش روحی در سایه ارتباط با خالق هستی

خداوند می فرماید: «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي؛ مَنْ هُمْ نَشِينُ كَسِي هَسْتَمُ كِه مِرَا يَاد كِنْد.» (۲) یکی دیگر از آثار فردی نماز، پرورش و ایجاد قوت روحی است که در اثر ارتباط مداوم و مکرر با سرچشمه هستی ظاهر می شود. قرآن می فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ وَ هِرْكَسُ از ذِكْرٍ وَ يَاد مَن رُوي بَتَابِد، پَس زَنْدَگِي سَخْتِي خَوَاهِد دَاشْت.» (طه: ۱۲۴)

در آیه ای دیگر آمده است:

وَ مَنْ يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ. (زخرف: ۳۶)

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۴۴.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۵۵، ح ۴.

اگر کسی از ذکر پروردگار رحمان سر باز زند، شیطانی که هم نشین او باشد، بر او می گمارم.

همچنین خداوند می فرماید: «وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا؛ و هر کس شیطان قرین او باشد، پس بد هم نشینی است».
(نساء: ۳۸)

دوری از ذکر حق، انسان را دچار بی هدفی و پوچی می کند؛ زیرا روح انسان به دلیل بُعد ملکوتی اش همیشه جویای اصل خویش است:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

هم نشین انسان بریده از ذکر حق، شیطان و هم نشین انسان نماز گزار، حق تعالی است. هم نشینی با خدا خواسته فطری هر انسانی است و تنها کسانی آرامش دارند که مطلوب درون خویش را بیابند و او جز خالق هستی نیست.

«به عرفان فطری انسان ها نظر می اندازیم و گوییم در فطرت و خلقت، انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل ببندد، همه جان ها و دل ها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جست و ثناخوان اویند و ثنای دیگری نتوانند کرد...» (۱).

شش _ ثبات روحی

در سایه آرامش و اطمینان روحی حاصل از نماز، انسان دارای روحی پرورش یافته و باثبات می شود. اهل نماز همیشه از خالق خویش درخواست می کنند که از راه و رسوم گمراهان و غضب شدگان درامان باشند:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ. (حمد: ۵ - ۷)

شخص نمازگزار در سختی ها و راحتی ها یک حال ثابت دارد و همه چیز را از ناحیه خالق خود و بر اساس حکمت و خیرخواهی او می بیند و به علم و عدالت او ایمان دارد.

قرآن به نمونه هایی از ثبات روحی نمازگزاران اشاره می کند:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ. (معارج: ۱۹ - ۲۳)

انسان حریص آفریده شده است، هنگامی که به او شر رسد، جزع و بی تاب می کند و هنگامی که خیر به او برسد منع می کند (بخیل می شود)، مگر نمازگزاران (که چنین نیستند) و همیشه در سختی و فراخی حالی ثابت دارند.

همچنین خداوند یکی از ویژگی های اهل ایمان را این گونه توصیف می کند:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ. (بقره: ۱۵۵ و ۱۵۶)

آن کسانی که چون مصیبتی بر آنها وارد شود، گویند: ما از خدا هستیم و به سوی او می رویم، بر آنان صلوات و رحمت هایی از پروردگارشان خواهد بود.

(ب) آثار اجتماعی نماز**(ب) آثار اجتماعی نماز**

اجتماع، مجموعه ای از افراد است که صلاح و فساد آن بستگی به صلاح و فساد افراد آن جامعه دارد. افراد نمازگزار به دلیل اعتقاد و احساس حضور در محضر حق، کمتر از دیگران در معرض انحراف قرار دارند. بنابراین، اجتماعی که مجموعه ای از افراد نمازگزار باشد، می تواند سالم ترین محیط اجتماعی را از هر حیث داشته باشد؛ حتی در صورت وجود برخی انحرافات، این جامعه از حیث نوع انحراف و جرم با جوامع دیگر فرق دارد.

تأثیر روح نهی از فحشا و منکر نماز بر شخص نمازگزار، خود به خود نمود عینی خود را در اجتماع بروز می دهد؛ به گونه ای که افراد منحرف، تحت تأثیر این فضا دچار محدودیت شدیدی در انجام منکرات می شوند و این مهم ترین اثر اجتماعی نماز است.

ویژگی دیگر نماز برای اجتماع، کنترل درونی نمازگزار است. نمازگزار حقوق دیگران را محترم می شمارد، به قوانین احترام می گذارد؛ در نتیجه در جامعه امنیت و نظم اجتماعی برقرار می شود و تعداد ناهنجاری ها و جرایم و نوع جرم ها بسیار کم و ناچیز می شود. البته اگر در چنین اجتماعی انحرافات رخ می دهد، اغلب از ناحیه افراد بی نماز آن جامعه خواهد بود. مراجعه و تفحص از وضعیت مجرمان و زندانیان حقیقت این امر را روشن می کند.

ج) آثار جسمی نماز

ج) آثار جسمی نماز

نماز از لحاظ صورت ظاهری و نوع اعمال و حرکات و اسرار باطنی که اساس نماز بر آن استوار است، برای هدف اصلی آن یعنی نهی از فحشا و منکر و قرب الهی تشریح شده است. به دیگر سخن، هدف اصلی از مجموع نماز (ظاهر و باطن) هدف معنوی است، ولی چون همه افعال و اقوال پروردگار حکیم عالم، بر اساس علم و مصلحت است و هیچ کار او عبث نیست، همین ظاهر نماز هم دارای خواص و آثاری است که دنیای پزشکی کنونی حاصل عمیق ترین و طولانی ترین تحقیقات خود را در عملی مستحبی یا حرکت بسیار ساده ای در نماز می یابد.

اینکه بیشتر نماز گزاران به تناسب میزان دقت و عمل به احکام مستحبی و واجب خود، دچار بسیاری از بیماری ها نمی شوند، رازی است که در اجزا و حرکات نماز نهفته است و علوم تجربی و تحقیقات دانشمندان تنها تعداد اندکی از این اسرار را فهمیده است. ساده ترین اثر جسمی نماز برای نماز گزار، نظافت و پاکی جسم و لباس اوست که خاستگاه سلامتی جسم است.

۲. آثار اخروی نماز

۲. آثار اخروی نماز

پی بردن به آثار اخروی نماز، تنها از طریق وحی و اخبار و روایات امامان معصوم علیهم السلام امکان پذیر است؛ از جمله حساب آسان در قیامت، مغفرت و آمرزش گناهان، نجات از آتش غضب الهی، پذیرش اعمال (در صورتی که نماز او حقیقی باشد)، آسانی های هنگام مرگ و عالم قبر... .

از نظر عامه مردم، یکی از مهم ترین آثار اخروی نماز، نجات از آتش دوزخ از نظر خواص، نیل رسیدن به قرب الهی بهشت جاودان است. در احادیث، عبادت با توجه به نیت عابدان، به سه نوع تقسیم شده است:

امام صادق علیه السلام فرمود:

[أَنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ خَوْفًا فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ، فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ، وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حُبًّا لَهُ فَتَلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ. (۱)]

عبادت کنندگان سه دسته اند: گروهی که خدای عزوجل را از ترس عبادت کنند، این عبادت بردگان است؛ مردمی که خدای تبارک و تعالی را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدوران است؛ گروهی که خدای عزوجل را برای دوستی اش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

۱- اصول کافی، ج ۳، صص ۱۳۱ و ۱۳۲، ح ۵.

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

اشاره

فصل سوم: پی آمدهای ترک نماز

زیر فصل ها

۱. پی آمدها

۲. علل گرایش به بی نمازی

۱. پی آمدها

اشاره

۱. پی آمدها

پیش تر، آثار و فایده های نماز را برشمردیم. در این قسمت پی آمدهای ترک نماز را بررسی خواهیم کرد. بی شک، افراد غیر نماز گزار از تمام آثار مثبتی که نماز گزاران در پرتو نماز از آن برخوردار می شوند، بی بهره اند و این بدیهی ترین اثر ترک نماز است.

برخی از آثاری که در قرآن و احادیث برای روگردانی از ذکر حق و نماز به آن اشاره شده است، عبارت است از:

الف) زندگی سخت (معیشت ضنک)

الف) زندگی سخت (معیشت ضنک)

انسانی که نماز به پا ندارد، در حقیقت رشته حیات معنوی (که حیات واقعی است) را از خود قطع کرده و از این رو، مدد الهی را از دست داده است و همین امر موجب ناآرامی و پوچی او می شود و طبعاً وجود طوفان ها و صخره های مهیب مشکلات زندگی، آرامش و قرار را از او خواهد گرفت و چه بسا در برخورد با موانع محکم، زندگی او از هم پاشیده، رشته هستی اش از هم بگسلد. قرآن می فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. (طه: ۱۲۴)

و هر کس از یاد کردن من روی بگرداند، پس او را زندگی سختی خواهد بود.

این زندگی سخت به دلیل سختی زندگی مادی و فقر نخواهد بود؛ زیرا بسیاری از غافلان با وجود برخورداری از شرایط مطلوب زندگی مادی دچار پوچ‌گرایی و نیهلیسم هستند و حتی گاه اقدام به خودکشی می‌کنند.

(ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت

(ب) آثار ترک نماز در دنیا، قبر، قیامت

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از پدر گرامی خویش می پرسد: چه بلا و مصیبتی است برای زنان و مردانی که نماز را سبک می شمارند؟ حضرت فرمود: هر کس نماز را سبک بشمارد، دچار پانزده بلا می شود: شش بلا در دنیا و سه بلا هنگام مرگ و سه بلا در قبر و سه بلا و عقوبت هنگامی که از قبر بیرون می آید. آنچه در دنیا به آن دچار می شود:

فَالأُولَى، يَرْفَعُ اللهُ ٱلْبَرَكَهَ مِنْ عُمَرِهِ، وَيَرْفَعُ اللهُ ٱلْبَرَكَهَ مِنْ رِزْقِهِ وَيَمْحُو اللهُ عَزَّوَجَلَّ سِيْمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُوجِزُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَٱلسَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ.

اول آنکه خداوند برکت را از عمر او برمی دارد و برکت را از رزق او دور می کند و خداوند عزوجل سیمای صالحان را از چهره اش می برد و هر عملی که انجام دهد، اجری نمی یابد و دعایش به آسمان نمی رود و ششم آنکه از دعای صالحان بهره ای نخواهد داشت.

آنچه به هنگام مرگ به آن دچار می شود:

فَأَوَّلُهُنَّ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَالثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا وَالثَّالِثَةُ يَمُوتُ عَطْشًا فَلَوْ سُقِيَ مِنْ أَنهَارِ الدُّنْيَا كُلِّهَا لَمْ يُرَوْ عَطْشُهُ.

پس اول آنکه ذلیل می میرد و دوم این که گرسنه می میرد و سوم آنکه تشنه می میرد. پس اگر از همه جوی های آب دنیا به او آب داده شود، عطش او رفع نمی شود.

آنچه در قبر دچارش می شود:

فَأَوَّلُهُنَّ يُوَكَّلُ بِهِ مَلِكًا يَزْعِجُهُ فِي قَبْرِهِ وَ الثَّانِيَةُ يُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ الثَّالِثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ.

پس اول اینکه خداوند در قبرش ملکی می گمارد که آزارش دهد و دوم اینکه قبرش بر او تنگ می گردد و سوم آنکه در قبر او ظلمت و تاریکی حاکم می شود.

آنچه در قیامت هنگام برخاستن از قبر به آن دچار می شود:

فَأَوَّلَهُنَّ إِنْ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلِكًا يُسَجِّبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَالْخَلَائِقِ يُنْظَرُونَ إِلَيْهِ وَالثَّانِيَةُ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا وَالثَّلَاثَةُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَكِّيهِ وَلَا لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (۱)

پس اول آنکه ملکی بر او می گمارد که او را با صورت بر زمین بکشد؛ در حالی که خلائق به او نگاه می کنند و دوم آنکه کارش بسیار سخت محاسبه می شود و سوم آنکه خداوند به او نظر رحمت نمی کند و پاکش نمی نماید و او را عذابی بزرگ خواهد بود.

از آثار دیگر بی نمازی، شرک و بی دینی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ؛ هر کس نماز را به عمد ترک کند، بی گمان کافر گشته است.» (۲) همچنین ایشان می فرماید:

الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ. (۳)

نماز ستون دین است، پس هر کس نمازش را به عمد ترک گوید، به یقین دینش را نابود کرده است.

و نیز فرموده است:

لَيْسَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَالشُّرْكِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ فَإِذَا تَرَكَهَا فَقَدْ أَشْرَكَ. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۷.

۲- محمد حسن جلالی شاهرودی، مجموعه الاخبار، ص ۲۰۵.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۴- کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

بین بنده و شرک مگر (به اندازه) ترک نماز فاصله ای نیست، پس هنگامی که آن را ترک کرد، قطعاً مشرک شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا حَيْظَ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ؛ هر کس نماز را ترک کند، بهره ای از اسلام ندارد»^(۱).

۲. علل گرایش به بی نمازی

اشاره

۲. علل گرایش به بی نمازی

بر اساس عقل و نقل، گرایش به عبادت و پرستش امری فطری است و وجود خدایان و معبودان غیر واقعی در طول تاریخ زندگی بشر و در مذاهب بشری گواه این مدعاست. گرایش به پرستش، در پاسخ به حس پرستش و خداجویی بشر بوده است؛ هرچند در اسلام، اخبار و منابع دینی نیز به این امر اشاره دارند. گرایش به بی نمازی و روگردانی از ذکر حق، امری خلاف ذات و خلقت یا طبیعت و سرشت انسان است و در واقع انحراف از آن به شمار می رود. عوامل مؤثر در گرایش فرد به نماز یا بی نمازی و نیز سعادت و شقاوت او عبارتند از: شخص (خود)، محیط (اجتماع) و وراثت (البته عامل وراثت در نوع زندگی فرد بی تأثیر نیست، ولی این عامل بیشتر در بروز اوصاف و ویژگی های فردی مؤثر است).

الف) عامل خود (فرد)

اشاره

الف) عامل خود (فرد)

۱- کتزالعمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

عامل «خود» یا مجموعه افکار و عقاید، میزان آگاهی و قوت اراده فرد، مهم ترین عامل برای تعیین سرنوشت فرد و افعال ارادی او در محیط است. شخص به دلایل زیر ممکن است از نماز و عبادت روگردان باشد:

یک _ ناآگاهی (نسبت به خالق، هستی و خود)

با توجه به اینکه پاداش و حاصل عبادت ها، پاداش نقد نیست، در صورتی که فرد علم کافی به اهمیت آنها نداشته باشد و از تأثیر آن در پیشرفت و تکامل زندگی غافل باشد، ممکن است همین امر نوعی سستی در او ایجاد کند. در صورتی که اگر او از هدف آفرینش خویش آگاه باشد و ویژگی های دنیایی را که اکنون در آن زندگی می کند، بشناسد و زندگی در جهان دیگر و ارتباط بین آن دو را باور داشته باشد، بی گمان از گذران عمر و سستی خود وحشت خواهد کرد. تا هنگامی که فرد عبادت را فقط تکلیف اجباری بداند و از تأثیر فراگیر آن غافل باشد، انگیزه ای برای انجام دادن آن نخواهد داشت.

نشناختن پروردگار و احسان های او سبب می شود در مقابل خدا وظیفه ای احساس نکند و سپاس گزاری از نعمت های او را به هیچ انگارد. قرآن برای توجه به این امر می فرماید: «نعمت های خداوند را ذکر و یادآوری کنید». (اعراف: ۷۴)؛ تنها در این صورت است که حقیقت شایسته عبادت و سپاس گزاری بودن حق روشن خواهد شد.

دو _ کسالت و تنبلی

این مسئله نیز به نادانی فرد برمی گردد و حاصل توجه به لذت های حیوانی (خور و خواب) است. ممکن است فردی تا حدی آگاهی دارد،

ولی به علت سستی ناشی از تن پروری و شهوت و آسایش طلبی، توان تحمل رنج و زحمت عبادت و نماز را نداشته باشد. امامان ما همواره از این خصلت ها به خداوند پناه برده اند: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ...» پروردگارا به تو پناه می برم از تبلی و سستی». (۱)

سه _ گناه

یک عامل اساسی در گرایش نداشتن به نماز، یا نداشتن توفیق در اقامه نماز حقیقی که در عرفان اسلامی و آموزه های دینی بر آن تأکید شده است، عامل گناه و اثر بازدارندگی آن است.

از نظر اسلام، قلب انسان مادامی که به گناه آلوده نباشد، آینه تجلی حق و وسیله شناخت فطری اوست، ولی اصرار بر گناه باعث تاریکی قلب شده و کم کم جلوه گری حق در این حرم الهی (قلب) را مانع می شود.

در مناجات امام سجاد علیه السلام آمده است:

فيا مَوْلایَ وَ يا مَوْمَلیَ وَ يا مُنتَهی سؤلی فَرَّقْ بَینی وَ بَینَ ذَنْبِی الْمانِعِ لی مِنْ لُزومِ طاعتِکَ. (۲)

پس ای مولای من و امید و نهایت درخواست من، بین من و گناهم که مانع لزوم و پیوستگی اطاعتم از تو می شود، جدایی انداز.

۱- مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی، ص ۲۶۵.

۲- مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی، ص ۲۶۰.

در دعای ابوحمزه ثمالی آمده است:

پروردگارا، من هرگاه به خود می گویم که آماده شده ام (و محیای مناجات با تو هستم) و در مقابل تو به نماز می ایستم و با تو مناجات می کنم، در حال نماز، حالت خواب آلودگی بر من می افکنی و مناجات با خود را از من سلب می کنی و مرا چه شده است که هر گاه گفتم که درونم شایسته و نیکو گشته و به مجلس توبه کنندگان نزدیک شده ام، بلایی بر من عارض می شود و قدمم را سست کرده و بین من و خدمت تو، مانع می شود. (۱)

آن حضرت، آن گاه اقسام شیوه های گناه را که باعث این بلا می گردد، بر می شمارد.

ب) عوامل محیطی

یک _ خانه

اولین محیطی که کودک با آن آشنا می شود، محیط منزل است. این محیط و فرهنگ افراد آن، اصلی ترین محیط پرورش روحی کودک است. کودکان معمولاً آینه حرکات و رفتار اولیای خود هستند. بنابراین، اگر خانه ای از روح نماز خالی باشد، طبعاً بر روی کودک نیز تأثیر خواهد گذاشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

وَ اللَّهُ مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا وَ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنْصَرَانِهِ وَ يُمَجْسَانِهِ. (۲)

به خدا سوگند هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر فطرت (خداجوی توحیدی) به

۱- مفاتیح الجنان، ص ۲۵۶.

۲- امام خمینی رحمه الله، شرح چهل حدیث، ص ۱۸۸، برگرفته از: عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۵.

دنیا می آید، سپس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می کنند.

دو _ مدرسه

پس از کانون خانواده، مدرسه دومین محیطی است که کودک و نوجوان بیشترین اوقات خود را در آن می گذرانند. به طبع، به دلیل رشد گرایش های روحی و جسمی حاصل از تکامل و گذشت ایام، فرد به سوی اموری که خوشایند اوست و یا در اثر هم نشینی با دوستان به آن گرایش پیدا می کند، کشیده می شود. حال اگر در محیط مدرسه به مسئله نماز توجهی نشود و یا فرد با مسائل و گرایش های مخالف آن آشنایی پیدا کند و لذت بی قیدی را بپسندد، کم کم به بی نمازی عادت می کند. عامل اصلی گرایش به بی نمازی در مدرسه، تأثیر دوستان ناباب است و همچنین بی توجهی به احساسات دانش آموز و به کارگیری شیوه غلط در وادار کردن ظاهری و اجباری او به نماز بدون ایجاد انگیزه و تلاش در جهت رشد معرفت او می تواند عامل مهم دیگری در گرایش به بی نمازی دانش آموزان باشد و چه بسا تصویری ناخوشایند از دین و عبادت در ذهن آنها ایجاد گردد که باعث گریز همیشگی آنها از دین و مسائل مربوط به آن شود.

سه _ دوستان و همسالان

یکی دیگر از عوامل مهم در گرایش به بی نمازی، نقش دوستان و همسالان است. قرآن کریم نیز این امر مهم و کلی را یادآور شده است. در

آیه ای از قرآن درباره تأثیر منفی دوست ناباب بر شقاوت یکی از اهل دوزخ چنین آمده است:

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي. (فرقان: ۲۸ و ۲۹)

ای کاش فلانی را به دوستی نمی گرفتم؛ بی گمان او بود که مرا از یاد حق گمراه کرد، پس از اینکه به سوی من آمد (و به آن دعوت شدم).

از سوی دیگر، شرح حال کسی را که به مدد الهی از پی آمدهای منفی هم نشینی با دوست نااهل رسته و به سعادت ابدی رسیده است، بیان می کند:

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ... (صافات: ۵۱ و ۵۳)

یکی از آنها گوید که مرا (در دنیا) هم نشینی بود که می گفت: آیا تو از تصدیق کنندگان آخرت هستی؟ آیا وقتی که ما مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم، آیا باز می گردیم.

آن گاه آن بهشتی به دوستان می گوید:

قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ وَ لَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُمْ مِنَ الْمُحْضَرِينَ. (صافات: ۵۶ و ۵۷)

به خدا قسم، نزدیک بود که مرا هم در آتش افکنی و اگر نعمت پروردگار نبود، من هم از دوزخیان بودم.

در دعای سمات نیز از شر عوامل سوء محیطی به خدا پناه برده شده است:

وَ اكْفِنِي مَوْنَةَ اِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ قَرِينٍ سَوْءٍ وَ سُلْطَانٍ سَوْءٍ. (۱)

و مرا کفایت کن از رنج انسان بد و همسایه بد و هم نشین بد و سلطان بد.

چهار _ فضای فرهنگی و مذهبی

این عامل دربرگیرنده درصد زیادی از عوامل اجتماعی است. اگر آن را به عنوان فضای استشمام معنوی در نظر بگیریم، جو مسموم و گناه آلود یک محیط کوچک یا بزرگ، عامل بازدارنده ای در گرایش و توفیق در عبادت خواهد بود. محیط هایی که جو حاکم بر آن برای عبادت ارزشی قائل نیست و عبادت و نماز در آن به تمسخر گرفته می شود، عامل مهمی در گرایش به ترک نماز و عبادت است.

قرآن در آیه ای از زبان گروهی که گرفتار محیط ستم شده اند و میدانی برای عبادت نمی یابند، می فرماید:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا. (نساء: ۷۵)

آن کسانی که می گویند پروردگارا! ما را از این قریه که اهل آن ظالمند، خارج فرما و از جانب خود برای ما ولی قرار ده.

در آیه ای دیگر، کسانی را که با سکونت در محیط های نامناسب در عمل به دین و گرایش به آن توفیقی نمی یابند، چنین سرزنش می کند:

قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوِيَهُمْ جَهَنَّمُ... (نساء: ۷۵)

(در پاسخ فرشتگان گویند:) ما در زمین مستضعف بودیم (ندای دین را نشنیدیم). (فرشتگان) به آنها می گویند: آیا سرزمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید. پس آنان در دوزخ خواهند بود.

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

فصل چهارم: پاسخ به شبهه ها و پرسش ها

یکی از وظایف مدافعان و مروّجان امر نماز و مؤمنان دل سوز، تلاش برای تبلیغ نماز و تشویق به آن و پاسخ منطقی به پرسش ها و تعارض ها یا تناقض های موجود در اذهان بسیاری از مردم به ویژه نسل جوان و تحصیل کردگان... است و این امر میسر نمی شود، مگر آنکه اسرار نماز را از درون خویش دریافته باشند. در غیر این صورت، دفاع جاهلانه و استفاده از ابزارهای ظاهری و تکفیر و... جز گریزان کردن مردم نتیجه ای نخواهد داد و مصداق حدیث «قَطَعَ ظَهْرِي إِثْنَانِ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ وَ عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ» خواهد بود.

در این قسمت کوشیده ایم با طرح چند پرسش، به بخشی از پرسش های نسل جدید پاسخ داده شود:

۱. چرا نماز ملاک قبولی یا رد اعمال دیگر است؟ به عبارت دیگر، چرا نماز ستون دین است؟

اینکه نماز ستون دین است، به خواست و نظر انسان و انکار و قبول او بستگی ندارد. چنان که می دانیم دین، مجموعه ای از سوی خداوند است و خواست سازنده این مجموعه بر این قرار گرفته است که ساختار آن بر اصل (نماز) استوار باشد، مانند کسی که خانه ای می سازد و تمام استحکام خانه را بر یک یا دو ستون استوار می کند که اگر آن ستون یا ستون ها نباشد، آن ساختمان درهم فرو می ریزد. قرآن درباره اینکه خداوند در کار و اراده خود باز خواست کننده ای ندارد، می فرماید: «لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ

يُسْئَلُونَ؛ (خداوند) درباره اعمالی که انجام می دهد بازخواست نمی شود، ولی آنان بازخواست می شوند». (انبیاء: ۲۳)

از یک سو، چون اراده الهی بر این امر قرار گرفته است، در صورت تشریح نشدن نماز طبیعتاً دینی بر پا نخواهد شد و این مسئله ای عقلی است، چنان که در طبیعت نیز همین گونه است. در قرآن هر گاه از اعمال نیک سخن به میان آمده، به نماز نیز اشاره شده است؛ گویی نماز صبغه الهی اعمال نیک است. با توجه به تأثیر نماز در امور دنیوی و معنوی و نقش نماز در بنای ایمان، مرز بین کفر و اسلام و نشانه دین و عروج معنوی، استواری دین به نماز کاملاً منطقی و به جاست.

از سوی دیگر، با توجه به سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، که هر عملی از انسان تابع نماز اوست، می توان نتیجه گرفت که هر کس نماز را ضایع کند (چه با ترک و چه با سهل انگاری)، اعمال دیگر او تباه می شود؛ زیرا کیفیت عمل انسان مشابه کیفیت نماز اوست. از این رو، عملی که در تمام زمینه ها تأثیر دارد، در صورت نبودن یا حتی نقصان آن، دیگر اعمال نیز خدشه دار می شود. در یک تشبیه ظاهری، می توان نماز را به گذرنامه تشبیه کرد که تمام تدارک و تلاش مسافر با انبوه بار و هزینه های زیاد او، بدون داشتن این مجوز بیهوده و بی اثر است. همچنین بر اساس احادیث و روایات، اعمال نیک کافر و بی نماز برای سعادت او مؤثر نخواهد بود. هر چند خداوند به لطف خود در تخفیف عذاب و

آسایش های دنیایی، آنها را پاداش می دهد، ولی تنها اعمالی را که به نیت قرب او انجام شده باشد، می پذیرد:

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ. (نساء: ۱۲۴)

و هر کس عمل نیک انجام دهد، چه مرد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، آنان داخل بهشت می شوند.

۲. چرا تارک الصلاة مشرک است؟

اساس دین و دعوت انبیای الهی، پرستش نکردن غیر خداست، چنان که پیامبر اسلام برای دعوت مردم به دین می فرمود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا؛ بگوئید جز خداوند، خدایی نیست تا رستگار شوید.» از این رو، باید بت ها شکسته شوند و خدایان خیالی و مادی کنار روند و انسان هماهنگ با ندای هستی، هیچ مخلوقی را در مقام و شأن خالق قرار ندهد.

نمود عینی این خواسته حق (نفی غیر خدا)، در پرستش خدا به وسیله نماز و نفی غیر او و سرباز زدن از اطاعت غیر او محقق می شود. نماز گزار با هر عمل خود که دارای اسرار و معانی ویژه ای در دین هستند، ارادت و اطاعت خویش را به خالقش نشان می دهد. در این دعوی، قول و فعل او باید واحد باشد و جز در برابر خدا هیچ گونه اطاعت و کرنشی برای غیر روا ندارد و این عمل را با اعتقاد عمیق روزانه تکرار کند، چنان که در چگونگی ایستادن نیز مطیع امر خدا باشد و به سویی روی کند که او تعیین کرده است.

نکته دیگر اینکه تحقق دین الهی در گرو تحقق عبارت «لا اله الا الله» است

و این عبارت، نه تنها یک اعتقاد و مسئله نظری، بلکه حقیقتی عملی است. امام خمینی رحمه الله آن موحد بزرگ، تمام علوم حتی علم توحید را هم عملی می داند؛ زیرا آنچه در جهان تحقق دارد، لا اله الا الله است و ما باید خود را با این حقیقت هماهنگ کنیم و با نفی غیر خدا حتی خواسته های نفسانی خویش، تنها او را بپرستیم. بنابراین، تارک نماز با پرستش شیطان و نفس خود، برای خدا شریک قائل شده است. از سوی دیگر، با به جا نیاوردن نماز عملاً توحید الهی را با قلب خویش نپذیرفته است.

۳. چرا حکم ترک نماز از گناه کبیره و فحشا و منکر بالاتر است؟

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا ترک کننده نماز را کافر می دانید؟ ایشان فرمود:

کسی که نماز را ترک می کند، هرگز آن را ترک نمی کند، مگر به خاطر سبک شمردن آن... و هر کس نماز را ترک کند، پس به قصد لذت این کار را نکرده است. در نتیجه، هرگاه قصد لذت نفی شد، استخفاف (سبک شمردن) اتفاق افتاده است و هرگاه استخفاف باشد، کفر محقق شده است. (۱)

۴. کدام نماز (مورد نظراته و قرآن) و با چه شرایطی مانع فحشا و منکر می شود؟

در کتاب شریف فلاح السائل نوشته سید بن طاووس نقل شده است که شخصی در حضور منصور خلیفه عباسی از امام صادق علیه السلام پرسید: حدود نماز چیست؟ حضرت فرمود: «لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْفِ حُدٌّ لَسْتَ تَفِيءُ بِوَاحِدٍ مِنْهَا؛ نماز

دارای چهار هزار حدّ است که تو حتی توان ادای یکی از آنها را نداری»^(۱).

همچنین آن حضرت در بیان حدود لازمی که نماز بدون آن کامل نمی شود، می فرماید:

نماز به کمال نرسد، مگر برای کسی که طهارتی همه جانبه و تمامیتی رسا داشته باشد و حق آن را کامل ادا کند و از وسوسه و انحراف به دور باشد؛ خدای را بشناسد و برای او خشوع کند و ثبات ورزد، در حالی که میان نومیدی و امید و شکیبایی و بی تابی ایستاده باشد، گویی وعیدها برای او ساخته آمده و عددها بر او واجب گردیده است؛ دارایی خود را بخشیده و با در نظر گرفتن مقصود خویش، جان در راه خدا نهاده و طریق او را برگزیده است. در بینی بر خاک نهادن (در سجده) کمترین کراهتی به دل راه ندهد و پیوند علائق را از جز او بریده و تنها به او متوجه گردیده و به حضور او آمده و عطای او را خواسته است. پس اگر چنین نمازی به جای آورد، همان نمازی خواهد بود که به آن امر شده و از آن خبر داده شده است و این همان نمازی است که از فحشا و منکر باز می دارد.^(۲)

رابطه «نماز و انسان» همانند رابطه «تقوا و انسان» است. شهید مطهری درباره رابطه تقوا با انسان در نهج البلاغه می فرماید: «در نهج البلاغه با اینکه اصرار شده که تقوا نوعی ضامن و وثیقه است در برابر گناه و لغزش، به این نکته توجه داده می شود که در عین حال، انسان از حراست و نگهداری تقوا، نباید آنی غفلت ورزد. تقوا نگهدارنده انسان، است و انسان

۱- فلاح السائل، ص ۶۴.

۲- آداب الصلاه، ص ۱۴۹، به نقل از: فلاح السائل، ص ۲۳.

نگهبان تقوا و این دور محال نیست، بلکه دور جایز است. این نگهبانی متقابل از نوع نگهبانی انسان و جامه است که انسان، نگهبان جامه از دزدیدن و پاره شدن است و جامه نگهبان انسان از سرما و گرما است. علی علیه السلام درباره نگهبانی متقابل انسان و تقوا می فرماید:

ایقظوا بها نومکم و اقطعوا بها یومکم و اشعروها قلوبکم و ادحضوا بها ذنوبکم... الا فصولها و تصونوا بها. (۱)

خواب خویش را به وسیله تقوا تبدیل به بیداری کنید و وقت خود را با آن به پایان رسانید و احساس آن را در دل خود زنده کنید و گناهان خود را با آن بشوید... همانا تقوا را صیانت کنید و خود را در صیانت تقوا قرار دهید.

بر اساس گفتار امام علی علیه السلام ما باید پرهیزکار باشیم تا تقوا ما را حفظ کند. از سویی بر اساس آیه صریح قرآن این دو مطلب در مورد نماز آمده است؛ یعنی هم به نقش ناهی از منکر بودن نماز اشاره شده: «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر» و هم به پاسداشت نماز فرمان داده شده است: «حافظوا علی الصلوات و... علی صلاتهم یحافظون».

نتیجه می گیریم همان گونه که تقوا در صورت محافظت از آن، انسان را از کج روی نگه می دارد، پاسداشت نماز هم ناهی از منکر است. به همین خاطر، در احادیث هم به حفاظت از انجام آن در اول وقت تأکید شده است و هم به حفاظت از حضور قلب و اقبال قلب و آگاهی از اسرار آن. از این رو، نماز بی حضور و بی حفاظت، تأثیری در حفظ انسان از منکر

۱- مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، صص ۲۰۸ و ۲۰۹ قم، انتشارات صدرا.

ندارد و قرآن در سوره ماعون به صراحت می فرماید: «وای بر نمازگزاران؛ آنانی که در نمازشان سهو می کنند». (ماعون: ۵۴)

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

اشاره

فصل پنجم: جایگاه نماز در جامعه ما

ایران همواره صاحب فرهنگ و مذهب بوده و اکنون نیز پیروان سه دین بزرگ را در خود جای داده است. خوشبختانه فرهنگ و دین غالب در این سرزمین، اسلام و مذهب اصیل شیعه است و دیگر مذاهب حتی فرقه های اسلامی در آن در اقلیت اند.

متأسفانه در جامعه کنونی ما به علت سیاست های استعماری و دین زدایی حاکمان جور، زشتی ترک نماز بسیار کم گشته و اساساً عمل به این فریضه الهی مورد بی توجهی قرار گرفته است.

تعداد کم نماز گزاران نسل جدید بیشتر مایه تأسف است. این امر بیشتر به سیاست های دولت و چگونگی اجرای برنامه های پرورش مذهبی این نسل بستگی دارد. در تفکر عامه مردم و نیز بیشتر مسئولان، به نماز آن گونه که باید و شاید، اهمیت داده نمی شود. از این رو، نخست لازم است اهمیت این فریضه الهی را درک کنیم و آن گاه متناسب با اهمیت آن و با شیوه های مقتضی، به ترویج نماز همت گماریم.

امروزه با بروز خطر تهاجم فرهنگی، هیچ سلاحی قادر نیست از انحراف های اجتماعی و فرهنگی ملت ها جلوگیری کند؛ زیرا با پیشرفت تکنولوژی، کنترل اجتماعی و ارگان ها کم کم بی تأثیر خواهد شد و تنها نماز و فرهنگ آن است که می تواند خطر آن را خنثی کند. قرآن نیز به این مسئله اشاره می کند: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ؛ پس گروهی جانشین آنان شد که نماز را ضایع کرده و از شهوت ها پیروی نمودند...».

الکسیس کارل در مورد تأثیر ناگوار روگردانی جوامع از نیایش و عبادت می نویسد:

اجتماعاتی که احتیاج به نیایش را در خود کشته اند، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهند بود. این از آن جهت است که متمدن بی ایمان نیز همچون مردم دیندار وظیفه دارند که به مسئله رشد همه فعالیت های باطنی و درونی خود که لازمه یک وجود انسانی است دل بستگی پیدا کنند....

حضرت امام خمینی رحمه الله در مورد اهتمام دیگر مسلمانان به نماز می فرماید:

من در مکه مشرف بودم، یک روز می خواستم کتابی بخرم که برای آن کتاب فروش هم فایده داشت. ایستاده بودم [که] اذان گفتند. یک دفعه [معامله را] رها کرد و گفت: «سنه الحنیفه»، دیگر با من حرف نزد، رفت سراغ نماز. در مدینه، بازار را که می دیدم بسته بود؛ یعنی باز بود، لکن هیچ کس نبود، می رفتند سراغ نماز. (۱)

متأسفانه سرمایه گذاری و تلاش در جهت تبلیغ کالاها و مادیات بیشتر از توجه به سرمایه گذاری در راه نجات و رستگاری به وسیله نماز است و در بسیاری موارد، این بی توجهی به امر نماز را هر روز شاهد هستیم. خداوند می فرماید:

هنگامی که تجارت یا لهوی مشاهده، کنند (ای پیامبر)، تو را ترک گفته و به سوی آن می شتابند. (جمعه: ۱۱)

۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران

۱. نماز و مسئولیت نهادهای اجتماعی و دست اندرکاران

پیش از پرداختن به موضوع فوق، نخست باید مطالبی را درباره اصول هدایت افراد ذکر کنیم. یکی از اصول هدایت دیگران و تعلیم و تربیت فرد یا جامعه این است که هدایتگر باید خود هدایت یافته باشد؛ یعنی شخص، نخست خود و سپس دیگران را هدایت کند.

از امام علی علیه السلام روایت شده است:

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ. (۱)

پس هرکس که خود را امام مردم قرار داد، بر او لازم است که پیش از تعلیم دیگران، از تعلیم خویشتن آغاز کند و باید ادب کردنش بر سیره و منش را و استوار باشد، قبل از ادب کردن با زبانش.

بنابراین، صرف داشتن احساس مثبت و قصد توسعه دین کافی نیست؛ زیرا عالمان هتاک و جاهلان عابد، بیشترین ضربه ها را بر دین وارد کرده اند.

اصل دوم این است که قول هدایتگر باید با فعل او همخوانی داشته باشد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف: ۲ و ۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا می گوئید آن چیزی را که عمل نمی کنید (این عمل) نزد خداوند (باعث) خشم شدیدی است؛ اینکه می گوئید آنچه را عمل

نمی کنید.

امام علی علیه السلام نیز در دعای کمیل چنین می فرماید:

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا؛

(و اوقات شبانه روز مرا به ذکر خود مشغولم داری)... تا آنجا که اعمال من و گفتار من یک آهنک باشد.

بی شک، دوگانگی در قول و فعل، زمینه های تأثیرپذیری افراد را از میان می برد.

اصل دیگر این است که دعوت از طریق عمل و کردار، مؤثرتر از تبلیغ به وسیله زبان است؛ چنان که ائمه ما علیهم السلام به پیروان خود تأکید دارند که با زبان، کمتر دعوت کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيُرَوْا مِنْكُمْ الاجْتِهَادَ وَ الصَّدَقَ وَ الْوَرَعَ (۱)

دعوت کنندگان مردم به نیکویی به غیر زبان های خویش باشد (با عمل نه قول) تا اینکه از شما جدیت و راستی و پرهیزکاری را مشاهده کنند.

درباره نقش نهادها و ارگان های دولتی در تبلیغ نماز می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) اجباری نبودن نماز؛ زیرا اکراه موجب موفقیت نیست.

ب) نماز در ارزیابی کار شخص و وظایف اداری او تأثیری نداشته باشد؛ زیرا ممکن است کسی در نماز بسیار جدی باشد و ظاهر اسلامی را

۱- اصول کافی، ج ۲، کتاب ایمان و کفر، باب الصدق و اداء الامانه، ص ۱۰، ۱۰۵.

رعایت کند، ولی در کار اداری ناموفق و بی نظم باشد. این گونه افراد در ردیف عابدان جاهلند و در دین ارزشی ندارند و توجه به این افراد موجب بدبینی افراد سست ایمان نسبت به دین می شود.

ج) به کارمندان خود حس نیاز به عبادت را تلقین کنند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

عمده در این باب حس احتیاج است که آن در ما کمتر است. قلب ما باور نکرده که سرمایه سعادت عالم آخرت و وسیله زندگانی روزگارهای غیرمتمنهای، نماز است. ما نماز را سربار زندگانی خود می شماریم و تحمیل و تکلیف می دانیم. (۱)

د) برای تقویت نماز و کیفیت آن، به خصوص اخلاص در نمازگزاری تلاش شود، نه در اقامه نماز ظاهری و صوری.

توجه به موارد فوق، سبب افزایش تعداد نمازگزاران مخلص و واقعی می شود که خود می توانند در محیط منزل و محل زندگی یک مبلغ نماز شوند. از جمله این نهادها، ستاد اقامه نماز، صدا و سیما و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی است که وظیفه ای سنگین تر از دیگر اداره ها بر عهده دارند.

وظیفه اساسی ستاد اقامه نماز این است که به دسته بندی افراد جامعه در رابطه با نماز بپردازد؛ یعنی برای افراد معتقد و غیرمعتقد و عامل یا غیرعامل به نماز، داشتن یک شیوه دعوت کافی نیست. آن انسانی که اعتقادی به نماز ندارد، اگر بخواهد در مراسم رسمی نماز در اداره یا

مدرسه، برای رسیدن به اغراض خود، نماز بخواند، ضرر این کار از سودش بیشتر است. شاعر می گوید:

خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است

توجه بیش از حد به برپایی ظاهری نماز و به دست آوردن آمار و ارقام بی کیفیت، خطری بزرگ است. از طرف دیگر، گروهی که اهل نمازند و گاه رفتارهای منافی با نماز دارند، آنها هم به تقویت و اصلاح نیاز دارند.

بنابراین، ارگان ها باید به اصلاح شیوه و تقویت نقاط مثبت خود پردازند و در کیفیت کار که منشأ تأثیر واقعی است، بیشتر توجه کنند تا در کمیت و بسنده کردن به آمار و ارقام.

۲. شیوه های جذب افراد به نماز

اشاره

۲. شیوه های جذب افراد به نماز

با توجه به شیوه های موفق تبلیغ دین از سوی خداوند و اولیای او، بهترین شیوه جذب به نماز همان شیوه ائمه دین است. در این قسمت، قصد نداریم که با ارائه یک شیوه واحد، همگان را به نماز و عبادت جذب کنیم؛ زیرا این کار عملاً انجام شدنی و موفقیت آمیز نیست.

برای جذب دیگران به نماز، باید دو مسئله را در نظر داشت: یکی، نیاز ما که به شناخت و اطلاعات ما برمی گردد و دیگری، مخاطب ما که در حقیقت، تعیین کننده شیوه عمل ما در برابر اوست.

برای جذب افراد به امور معنوی از جمله نماز، توجه به این نکته ها ضروری است:

الف) شناسایی هدف

ما تا هدف را مشخص نکنیم، نمی توانیم برنامه متناسب بان آن را اجرا کنیم. با مروری اجمالی درمی یابیم که در دین، هدف از نماز تنها به جا آوردن آن نیست، بلکه هدف، اقامه ستون دین است؛ چه بسا آیات و روایت هایی که نمازگزاران را شایسته سرزنش و تهدید به آتش کرده اند. بنابراین، تزئین فضای ظاهر جامعه به نماز کافی نیست؛ زیرا اسلام از نمازگزاران خود، ضربه های بسیار سنگینی خورده است تا از دشمنان بیرونی خود.

ب) شناسایی کامل مخاطب

ما برای موفقیت در جذب، باید آگاهی های کافی در مورد جنس، موقعیت سنی، گرایش های فرهنگی خانواده، وضعیت روحی و شرایط کنونی فرد داشته باشیم و نیز راه و شیوه ارتباط با او را دریابیم. برای مثال، شخصی که تصور غلطی از دین و نماز دارد و با دیده نفرت به آن نگاه می کند، حدیث و آیه در او چندان تأثیری ندارد، بلکه باید به سخنان معقول و حکیمانه بزرگان دین که موافق طبع اوست، استناد کرد. هر چند افرادی نیز هستند که هرگز قابل هدایت نیستند. از این رو، نباید خیلی درصدد جذب آنان باشیم، بلکه باید با پی آمدهای منفی افکار و افکار آنها مبارزه کنیم.

قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَ يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (زخرف: ۸۳)

پس رها کن آنان را تا اینکه (در گناه و مادیات) فرو روند و به بازی دنیا مشغول شوند تا اینکه ملاقات کنند روزی که وعده داده شده اند.

ج) شناسایی شیوه های هدایت

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مبارزه با کفار بهترین شیوه را برگزیده بود:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا؛ بگوئید جز خدا، خدایی نیست تا رستگار شوید». ایشان نخست با بت پرستی مبارزه کرد، سپس به مجادله و گفت و گو و موعظه حسنه و نیکو پرداخت و مؤمنان را از توهین به خدایان آنها و حتی از حضور در جمع آنها بازداشت تا مبادا مشکلاتی پیش آید.

آموزه های عبادی و اخلاقی اسلام در عین عبادی بودن، سیاسی و روان شناسانه و... است که به کارگیری دقیق آنها، نتیجه مطلوب خواهد داد. در حالی که ما چندان به این مسائل و روان شناسی اسلامی توجهی نمی کنیم، ولی جوامع استکباری برای ساده ترین امور خود از روان شناسان و مسائل روان شناسی استفاده می کنند.

در عرفان اسلامی، قلوب انسان ها به دو دسته شوقی و خوفی تقسیم می شود که از لحاظ روش جذب، نقطه مقابل هم هستند؛ یعنی گروهی را باید با تشویق و تبشیر و گروه دیگر را با وعید و انذار متوجه حقایق کرد. (مشهور است که حضرت عیسی علیه السلام، شوقی و حضرت یحیی علیه السلام، خوفی بود و معمولاً از خوف گریه می کرد).

خانواده ها یا مذهبی یا غیرمذهبی (بی اعتقاد) هستند؛ خانواده های معتقد هم یا همه افراد آن اهل نمازند (که باید کیفیت نماز آنها را تقویت کرد و

به سوی نماز واقعی کشاند) یا بعضی اهل نمازند و یا هرگز نماز نمی خوانند که از روی عمد و عناد نیست.

افراد جامعه هم همین گونه اند و هر گروه را با یک روش خاص باید به نماز فراخواند؛ یعنی گروهی را باید با استفاده از آیات و روایات و گروه دیگر را با استناد به سخن بزرگان و دانشمندان دینی، به نماز دعوت کرد.

معجزات انبیای الهی هم بر اساس مسائل روز بوده است. حتی کشتن گاو در بنی اسرائیل بر اساس حکمت و اقتضای آن روز بوده است.

آیات قرآن نیز به دو گونه است. قرآن در جایی می فرماید: «وای بر نماز گزاران...» (ماعون: ۴) و در جایی دیگر می فرماید: «آیا شما را به تجارتی دلالت کنم که شما را از عذاب نجات دهد؟». (صف: ۱۰)

بنابراین، شیوه جذب، متناسب با فرد و شرایط او متفاوت خواهد بود، ولی مهم ترین ویژگی شیوه های تبلیغ دین، رفتار صحیح و محترمانه و پرهیز از راه های طرد کننده و ناصحیح است.

۳. نماز و تهاجم فرهنگی

۳. نماز و تهاجم فرهنگی

خطرناک ترین نوع تهاجم، تهاجم فرهنگی است؛ در تهاجم فرهنگی، ارزش های یک ملت مغلوب ارزش های فرهنگ مهاجم می گردد و در واقع، فرهنگ و ملت مغلوب، هویت واقعی خود را از دست می دهد و با فرهنگ بیگانه، نوعی احساس قرابت می کند. در نتیجه، زمینه نفوذ و تسلط بر او به راحتی فراهم می شود.

مشخص ترین عارضه و هدف تهاجم فرهنگی غرب، ایجاد و اشاعه فساد و فحشا و امور منکر است؛ یعنی همان هدفی که نماز برای جلوگیری از آن تشریح شده است:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد» (عنکبوت: ۴۵)

درباره نقش نماز در مقابله با تهاجم فرهنگی می توان گفت که رعایت فقهی احکام نماز (نماز صوری) و نیز رعایت اسرار باطنی آن مانع پذیرش فرهنگ بیگانه می شود و از آنجا که التزام به شیء، التزام به مقدمات آن را به همراه دارد، مقدمات نماز هم به شکلی دیگر، فرد را از خطر پذیرش فرهنگ دشمن در امان نگه می دارد.

یکی از شرایط نهی از منکر کردن نماز، رعایت دستوره‌های الهی است؛ یعنی زمانی نماز مایه قرب و دوری از فساد می گردد که فرد شرایط قرب به خدا را داشته باشد؛ یعنی اصول و فروع دین را بشناسد و به آنها عمل کند. او با نماز خود، در عمل، اعتقاد قلبی اش را به خدا و توحید و معاد و نبوت اثبات می کند و با تکرار «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، تکیه کردن بر بیگانه و خواری ناشی از آن را از ذهن و جان خود می زداید و با یاد کردن از «ضالّین و مغضوبین» خواستار هدایت به صراط مستقیم می شود.

نماز گزار، چون معنای واقعی لذت مناجات با خالق را درمی یابد، هیچ گاه لذت ها و خوشی های ظاهری، نیاز روحی او را برآورده نمی کند.

انسان نماز گزار به حکم خدا و رسول، دشمن خدا را به دوستی نمی گیرد و اصل تولّی و تبرّی را در روابط خویش اجرا می کند و از بیگانه

تقلید نمی کند. انسان نماز گزار به حکم احکام فقهی باید لباس های مجاز شرعی بپوشد، از لباس و وسایل حرام و ممنوع فقهی بپرهیزد (از جنس ناپاک غربی و حیوانات حرام گوشت و لباس ابریشمی و طلا و... استفاده نکند) و هویت خود را حفظ کند. در فرهنگ غربی، غفلت، بی خبری، حیوان منشی، سردرگمی و پوچی و غرور و تکبر بر روح انسان حاکم است؛ در حالی که نماز، انسان را از تکبر دور می سازد. او را از لحاظ روحی و جسمی سالم نگه می دارد، به خدا نزدیک می کند و از اعمال حرام (شراب خواری و قمار) برحذر می دارد.

توجه فرد به وقت نماز و تلاش جهت اقامه نماز در اول وقت، او را نظم می کند و با توجه و چنین فردی با یادآوری شبانه روزی نماز، در ورطه بسیاری اعمال خلاف گرفتار نمی شود.

در زمینه اخلاق، افزون بر تأثیر نماز در دوری از فحشا و منکر، نماز گزار باید دقت کند که بعضی رفتارها مانع اجابت دعا و نماز او می شود. از این رو، رعایت حقوق دیگران و مواظبت بر رفتار باعث می شود که زمینه انحراف و گرفتاری به غضب الهی از میان برود و بین افراد و به ویژه نسبت به والدین، روابط صمیمی برقرار گردد و کانون محبت خانوادگی سالم بماند؛ یعنی آن چیزی که در فرهنگ مهاجم غربی از بین رفته و بحران های اخلاقی و روانی بر جامعه آن حاکم گشته است. با این مختصر، شاید بتوان به اهمیت فرمان الهی پی برد که می فرماید:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ از نماز و صبر یاری بجوید». (بقره: ۴۵)

۴. نماز در دوران کودکی

۴. نماز در دوران کودکی

سفارش نماز به اهل خانه یک فرمان الهی است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ؛ اهل خود را به نماز امر کن». (طه: ۱۳۲) زیرا خداوند به چگونگی آفرینش انسان آگاه است: «الَّا- يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ آیا نمی داند که چه کسی را آفریده است، در حالی که او لطیف و آگاه است».

اسلام با توجه به فطرت خداجوی و خداگرای انسان، بر تربیت مذهبی کودکان تأکید می کند: «وَاللَّهُ مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا وَ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنصَّرَانِهِ وَ يُمَجَّسَّانِهِ؛ (۱) سوگند به خدا که هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر فطرت (خداجو) زاده می شود، سپس پدر و مادرش او را یهودی و نصرانی و مجوسی می کنند».

یکی دیگر از دلایل اهمیت تعلیم و تربیت دینی کودک، درون پاک و دور از شرارت های نفسانی اوست. سرزمین وجود کودک، مانند زمین آماده و خالی از هر گونه بذری است که هر بذری در آن پاشیده شود، همان محصول را خواهد داد.

حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

... وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ: مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ (۲)

و قلب تازه و دست نخورده (کودک و نوجوان) همانند زمین خالی (از بذر) است؛ هر چه در آن افکنده شود آن را می پذیرد.

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۱۳.

۲- نهج البلاغه، رسائل ۳۱، ص ۹۱۲، وصیت به امام حسن علیه السلام.

این ویژگی کودک، در تقلید کردن او کاملاً نمایان است.

دلیل دیگر، ماندگاری تربیت و تعلیم در کودک است که در روایت‌ها از آن به «نقش بر سنگ» تعبیر شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حِفْظُ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ؛ (۱) حفظ کردن کودک چون نقش بر سنگ است». از این رو، وظیفه والدین است که او را هدایت و یاری کنند.

امام سجاد علیه السلام حق فرزند بر والدین را چنین بیان می‌کند:

أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافُ الْيَكُ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرُّهُ إِلَيْكَ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ مُعَاقِبٌ عَلَى الْأَسَاءَةِ إِلَيْهِ. (۲)

اما حق فرزندت بر تو آن است که بدانی که او از توست و اضافه (منسوب) به توست در زندگی دنیا با خیر و شر او و اینکه (بدانی) تو مسئول هستی درباره نیکو ادب کردن و راهنمایی او به سوی پروردگارش — عزوجل — و یاری کردنش بر طاعت او. پس در کار (تربیت) او چنان کن همانند آن کس که می‌داند که در برابر احسان به او پاداش خواهد رسید و در برابر بدی به او عقوبت خواهد شد.

درباره تربیت دینی کودک و وادار کردن او به نماز، روایت‌های زیادی وجود دارد:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَيْفِ يُؤَخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ؟

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۹۱.

۲- محمد سپهری، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۱۴۰.

فَقَالَ: فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سَنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ (۱)

معاویه بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم در چند سالگی کودک به نماز وادار می شود؟ فرمود: بین شش و هفت سالگی.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ: قَالَ: أَنَا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ (۲)

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود: ما کودکانمان را هنگامی که به پنج سالگی رسیدند، به نماز امر می کنیم. پس شما کودکانان را هنگامی که هفت ساله شدند، به نماز امر کنید.

حتی در برخی احادیث، در صورت خودداری کودک از اقامه نماز، دستور زدن آنها وارد شده است:

مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا (۳)

کودکانتان را هنگامی که به هفت سالگی رسیدند، به نماز وادارید و در نه سالگی، بر ترک نماز، آنها را بزنید.

در حدیثی دیگر آمده است: «وَ اضْرِبُوهُمْ إِذَا كَانُوا ابْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ» (۴) و آنان را چون هفت ساله شدند، بزنید».

البته این مسئله نیاز به بررسی دقیق تر دارد؛ زیرا ادامه این رفتار،

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲، ح ۵.

۳- بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۳۴.

۴- سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۰.

تصویری خشن از دین در ذهن کودک ترسیم می کند و چه بسا برای همیشه او را از دین و نماز گریزان می کند. در حدیثی دیگر آمده است: حسن بن قارون گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم یا اینکه پرسیده شد و من می شنیدم، در مورد مردی که فرزندش را مجبور می کند و او نماز نمی خواند. پس فرمود: فرزند چند ساله شده است گفتم: هشت سال. فرمود: سبحان الله، نماز را ترک می کند. گوید: گفتم او را سخت است؛ فرمود: به اندازه طاقت و توان نماز بخواند. (۱)

بنابراین، والدین در تربیت کودک باید به نکات ذیل توجه داشته باشند:

الف) ارائه تصویری جذاب از دین، با استفاده از روش هایی که کودک قادر به درک آنها باشد.

ب) توجه به دیگر خواسته های دوران کودکی و نداشتن انتظار بزرگ از آنها.

ج) مهم ترین مسئله در تعلیم و تربیت دینی کودک، استفاده از زبان کودکانه است.

چون سر و کار تو با کودک فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

در ترغیب کودکان به نماز، بهتر است بیشتر از جمله های عاطفی استفاده کرد.

د) باید شیوه ای به کاربرد که کودک، عبادت را دوست داشته باشد؛ زیرا «حَبَّ»، عاملی است که با آن می توان ره صد ساله را یک شبه پیمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلْ فِيهِ بِرْفِقٍ وَلَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ الْعِبَادَةَ؛ (۱)

این دین، محکم است. پس با رفق و مدارا در آن پیش برو و عبادت را منفور خود مگردان.

ه) تأثیر محیط بر کودک را نباید نادیده گرفت.

و) والدین باید از سرزنش آشکار فرزند خود، به ویژه در حضور جمع خودداری کند؛ زیرا برابر احادیث ائمه علیهم السلام این امر باعث لجاجت می شود و حقارت و عدم احساس شخصیت، شرارت را در پی دارد: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ؛ هر کس شخصیتش برای خود بی ارزش شد، پس از شر او در امان مباش».

ز) مربی یا پدر و مادر باید ریشه کج روی های کودک را در وجود خود و در رفتار خویش جست و جو کنند و نخست خود به اصلاح آن اقدام کند و سپس از او انتظار عمل داشته باشند.

ح) با توجه به احادیث، افراد دارای ظرفیت ها و استعداد های متفاوتی هستند. از این رو انتظار مربی یا پدر و مادر باید به تناسب ظرفیت کودک باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ؛ مردم

معدن هایی چون معادن طلا و نقره اند» (۱).

۵. نماز در دوران نوجوانی

۵. نماز در دوران نوجوانی

دوران کودکی، سنگ زیرین و زیربنای دوران نوجوانی است. تفاوت این دوره با دوره قبل، ورود کودک به دنیایی جدیدتر و ظهور برخی گرایش ها و احساسات جسمی و روحی است.

در دوران کودکی، فرد با افراد محدودی معاشرت دارد و سرزمین وجود او متأثر از آموخته های آنهاست. در دوران نوجوانی، دوستان و همسالان و برخی شرایط اجتماع که او قادر به درک آنهاست، او را تحت تأثیر قرار می دهد. مهم ترین ویژگی دوران نوجوانی، پذیرش آرای دیگران است و از همین خاصیت باید برای جذب آنها به نماز استفاده کرد. با بروز مشکلات در این دوران و حس پناه جویی نوجوانان که در این دوره به فراتر از پدر و مادر کشیده می شود، می توان نوجوان را به منبع اتکال و پناه مطمئن خداوندی هدایت کرد. اگر نوجوان در اثر نماز بتواند مقداری لذت عبادت و ارتباط با خدا و اتکال بر او و یاری او را درک کند، به این امر عادت می کند. چنان که گفته اند: «والخیر عاده».

معمولاً این دوران بهترین دوران برای درک لذت نماز و آغاز عبادت است و والدین و مسئولان امر هدایت نوجوانان، از جمله مدرسه و صدا و سیما، باید در این دوره به فکر آموزش جدی و تعمیق نماز در جان آنها

باشند و این امر آنها را از خطر انحراف نگه می‌دارد. همچنین توجه آنها به بزرگان دین و اولیای حق و پیروی از روش قرآن و رفتار بزرگان، روش تربیتی بسیار مؤثری است.

۶. نماز و آموزش و پرورش

۶. نماز و آموزش و پرورش

پس از محیط خانواده، آموزش و پرورش یا مدرسه، مهم‌ترین محیط تربیت افراد به شمار می‌رود؛ زیرا دانش آموز بیشترین ساعت‌های روز خود را در مدرسه می‌گذرانند.

هدف مدرسه، علم‌آموزی و انسان‌سازی است. تعریف علم و ویژگی‌های آن از دیدگاه اسلام با آنچه غرب آن را علم می‌نامد، فرق بسیار دارد. از نظر اسلام، هدف از علم، تعالی روح انسان است، در حالی که علم از نگاه غربی بیشتر بر محور انسان و پیشرفت او است. از این رو، بسیاری از علوم جدید از مقوله علم در اسلام نیست، هر چند در پی دانش‌های مفید بودن، یک امر واجب شمرده شده است. متأسفانه مدرسه‌های امروزی ما چون برگرفته از سبک بیگانه است، به طور معمول در آموختن علم واقعی موفقیت بسیاری ندارند.

ولی محیط مدرسه به چند دلیل برای پرورش مذهبی دانش‌آموز و نمازگزار شدن او اهمیت دارد:

اول اینکه دانش‌آموز نزدیک به نیمی از ساعت‌های روز خود را در مدرسه می‌گذرانند. دیگر اینکه درس‌نشین مدرسه هنوز خاصیت تقلید و

الگو برداری وجود دارد و در پاره ای موارد به ویژه درس‌نین پایین حرف و نظر معلم را بالاتر از حرف والدین خود می‌داند. دلیل دیگر، حضور دانش آموز در جمع هم سالان و وجود اختلاف در تربیت خانوادگی آنها است.

بنابراین، با توجه به دلایل یاد شده و نیز سخن امام راحل که «تزکیه قبل از تعلیم و تعلم است» و نیز بر اساس آیه: «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ؛ آنان را تزکیه کرده و کتاب و حکمت به آنها یاد می‌دهد» (جمعه: ۲)، باید تمام برنامه های آموزش و پرورش در راستای پرورش روحی و مذهبی دانش آموزان باشد.

برخی از مهم ترین وظایف آموزش و پرورش به شرح زیر است:

الف) اصلاح و تقویت برنامه های پرورشی و رفع کاستی های موجود هم در برنامه های پیش بینی شده و هم در تربیت مربی،

ب) حساسیت و دقت در امر گزینش معلمان دینی و پرورشی،

ج) به کارگیری معلمان آگاه و با سواد، به ویژه در درس های دینی و مذهبی و سطوح پایین آموزش (ابتدایی و راهنمایی)؛ زیرا آموزش های بی پایه و اساس در درس دینی، فرد را در مقطعی از زندگی دچار تعارض در ارزش ها می‌کند.

د) اجرای برنامه های پرورش مذهبی و تشویق و ترغیب دانش آموز به سوی آن، نه با استفاده از قدرت مدیر و مربی پرورشی

و.

ه) در زمینه مراسم نماز و شرکت دانش آموزان در آن، به مسائل ظاهری و آمار و ... خیلی بها داده نشود، بلکه در اجرای هدف نماز و آموزش آداب آن کوشش بیشتری شود. باید توجه داشت کسانی که به دین اسلام می گروند، بیشتر به دلیل رفتار دینی صحیح است، نه به جهت آمار نماز گزاران.

و) گردآوری اولیای دانش آموزان و آموزش معنوی آنان در امر پرورش فرزندان خود و تشویق آنان به نماز.

این آموزش ها می تواند از طریق آشنا ساختن والدین با خطرهای تهاجم فرهنگی و بازگویی پی آمدهای مصونیت بخش نماز و آموزش های دین و تعلیم رفتارهای مناسب درخانه با دانش آموز و... باشد. این امر سبب می شود که در آموزش ارزش ها، تعارض های احتمالی به حداقل برسد.

ز) واگذاری مسئولیت اجرای نمازهای جماعت بر عهده خود دانش آموزان؛

ح) تبیین نقش نماز در پیشرفت های علمی و دینی دانشمندان؛

ط) آموزش و پرورش باید بکوشد که مسئله تعارض و ناسازگاری دین و نماز با پیشرفت های دنیای کنونی را روشن کند. به عبارت دیگر، تعارض علم و دین را در سطح فکری آنان حل کند.

۷. نماز، باران رحمت الهی

۷. نماز، باران رحمت الهی

بسیاری از مردم انجام عبادت و نماز را تنها یک تکلیف می دانند و گاهی برای به جا آوردن آن خود را شایسته تحسین و پاداش می بینند. از این رو، در اجابت دعای خود و آسان شدن امور زندگی چشم به امدادهای ویژه الهی دارند؛ حتی در مقابل عبادت خود، بر خداوند حقی احساس می کنند. در حالی که در مناجات های امامان ما، بین مناجات شونده و مناجات کننده اصلاً تناسب مقام وجود ندارد؛ یکی در نهایت قدس و رفعت مقام و دیگری در نهایت ضعف و پستی مکان و ذات است.

به قول شاعر: شاه خوبانی و منظور گدایان شده ای

امام سجاد علیه السلام در بیان مقام پروردگار در مقابل بنده می گوید:

پروردگارا، اگر اطاعت فرمان تو به مناجات واجب نبود، تو را از ذکر منزه می کردم؛ زیرا که ذکر من به قدر من است، نه به قدر تو. (۱)

از این رو، اجازه عبادت در شمار بزرگ ترین بخشش های الهی در حق بندگان است: «من اعظم النعم علينا جریان ذکرک علی السنن؛ از بزرگ ترین نعمت ها بر ما، جریان ذکر تو بر زبان های ماست». (۲)

البته به استناد آیه: «و لقد کرمنا بنی آدم»، خداوند انسان را در بین خلایق مقامی ویژه داده و قلب و روح او را شایسته صعود از عالم خاکی و وصل به عالم بالاتر از رتبه خویش کرده است: «لایسعی ارضی و لا سمائی بل یسعی قلب عبدی المؤمن؛ نه زمین و نه آسمان مرا در بر نمی گیرد (درک نمی کند)، بلکه

۱- مفاتیح الجنان، دعای مناجات الذاکرین، ص ۱۷۵.

۲- مفاتیح الجنان، دعای مناجات الذاکرین، ص ۱۷۵.

قلب بنده مؤمنم مرا در بر می گیرد» (۱).

از این رو، خداوند بنده خود را به ذکر و عبادت فرمان می دهد: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ نماز را برای یاد من به پادار». (طه: ۱۴)

۸. نماز در آینه وحی

اشاره

۸. نماز در آینه وحی

پیش از اینکه در مورد نماز در قرآن مطالبی بیاوریم، بهتر است ریشه بحث را از ابتدا در قرآن پی گیری کنیم تا به اهمیت و جایگاه نماز در قرآن آگاه شویم.

قرآن در خطاب به انسان ها می فرماید: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً؛ خدا هر چه در زمین است را برای شما آفرید». (بقره: ۲۹)

همچنین درباره خلقت انسان و جن می فرماید: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون؛ و جن و انس را مگر برای آنکه مرا عبادت کنند نیافریدم». (ذاریات: ۵۶)

قرآن، رستگاری انسان را در اقامه نماز معرفی می کند:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ - مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ؛ (بینه: ۵)

و دستور داده نشد، مگر اینکه خدا را خالصانه در دین عبادت کنند و نماز به پای دارند و زکات دهند.

یکی از هدف های ارسال انبیای الهی، دعوت به پرستش پروردگار و اقامه نماز است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ؛ به یقین ما در میان هر امتی رسولی برانگیختیم [تا بگوید] خدا را عبادت کنید». (نحل: ۳۶)

در میان شیوه های عبادت که مالی و بدنی است، عبادتی برتر است که انسان را به یاد حق مشغول کند؛ یعنی عبادت ذکری برتر است. ذکر حق سبب می شود که خدا نیز به یاد ذکر بنده خویش باشد: «أَذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ؛ مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم». (بقره: ۱۵۲)

خداوند با عبارت «اذکرونی»، نماز را ذکر خود معرفی می کند و به پیامبر نیز دستور می دهد: «واقم الصلاة لذكرك» که این امر اهمیت ویژه نماز را در میان دیگر عبادت ها نشان می دهد.

اگر فرد از ذکر حق رو برتابد، پروردگار نیز به تعبیر قرآن او، را فراموش خواهد کرد:

«وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؛ و گفته شود که امروز شما را فراموش می کنیم؛ همان گونه که شما این روز، خود را فراموش کردید». (جاثیه: ۳۴)

غفلت از یاد خدا، انسان را با سختی مواجه می کند: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ هر کس از ذکر و یاد من روی برگرداند، زندگی سختی خواهد داشت». (طه: ۱۲۴)

یاد خدا سبب آرامش دل ها است: «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ آیا خدا نمی داند که چه کسی را آفریده است در حالی که او لطیف و آگاه است». (ملک: ۱۴)

و در آیه ای دیگر می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ دل ها به یاد خدا آرام می گیرد». (رعد: ۲۸)

قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم به اهمیت نماز و جایگاه آن اشاره کرده است. برخی از آیات قرآن که آشکارا به نماز و آثار و پی آمدهای آن اشاره دارد، به شرح ذیر است:

الف) فراگیر بودن نماز

الف) فراگیر بودن نماز

نماز در میان تمامی آفریده ها (از جماد گرفته تا مَلَك)، عمومیتی دارد که هیچ عبادتی آن را دارا نیست:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (نور: ۴۱)

آیا نمی بینی که آنچه در آسمان ها و زمین است و پرندگان، همه خدا را تسبیح می گویند و هر کدام تسبیح و نماز خود را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

چنان که پیش از این گفته شد، از نظر قرآن عبادت دیگر موجودات به صورت تسبیح، تحمید، سجودی و نیز طوعا و کرها می باشد.

ب) نماز ذکر ویژه حق

ب) نماز ذکر ویژه حق

خداوند به پیامبر خود دستور می دهد: «واقم الصلاه لذكركي». این ذکر مقام مناجات است؛ زیرا در آیاتی دیگر می فرماید: «نعمت های الهی را یاد کنید» که با آن شخص متوجه احسان پروردگار می شود و به ذکر خاص او (نماز) روی می آورد.

ج) هدف تمام انبیا

ج) هدف تمام انبیا

یکی از هدف های انبیا هدایت خلق به عبادت و ذکر حق است. در

قرآن، نماز ذکر خاص حق تعالی است.

د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا

د) نماز اولین و آخرین سفارش انبیا

با نگاهی سطحی به چگونگی تبلیغ انبیا و سفارش های آنان در مورد نماز که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، می توان به اهمیت نماز نزد انبیا پی برد. در بحث «نماز از دیدگاه قرآن و وحی» درباره آن به تفصیل بحث شده است.

ه) اثر نماز در دوری از گناه

ه) اثر نماز در دوری از گناه

«... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...؛ نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت

و) نقش نماز در امور زندگی و هدف خلقت

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ و از صبر و نماز یاری بجوید». (بقره: ۴۵)

«أَنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا؛ به راستی که نماز با زمان معین بر مؤمنان واجب است». (نساء: ۱۰۳)

برخی از آیات قرآن نیز به طور غیرمستقیم به پی آمدهای اقامه یا ترک نماز اشاره دارند که نشان از مقام نماز و دیدگاه قرآن نسبت به آن است:

یک _ ثبات روحی در اثر نماز

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ. (معارج: ۱۹_۲۲)

انسان، حریص آفریده شده است؛ هنگامی که به او شر وارد شود جزع و بی تاب می کند و هنگامی که به او خیر رسد منع می کند (بخل می کند) مگر نمازگزاران.

دو _ سقوط در دوزخ در اثر ترک نماز

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا

سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِينَ... (مدثر: ۳۸ _ ۴۳)

هر کس به آنچه کسب کرده است، در گرو خواهد بود، مگر اصحاب یمین که در بهشت ها از گناهکاران می پرسند که چه چیز شما را در آتش افکند، گویند که ما از نماز گزاران نبودیم.

هنگامی که خداوند در قرآن می خواهد سقوط قوم بنی اسرائیل را بیان کند، دلیل سقوط و انحطاط آنها را ترک نماز و به تبع آن پیروی از شهوات می داند:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيَا؛ (مریم: ۵۹)

پس بعد از آنها گروهی جانشین آنان شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند پس به زودی در آتش افکنده شوند.

سه _ تاکید بر اهمیت نماز

وقتی قرآن وظایف الهی قومی را بیان می کند، یا نشانه ها و ویژگی های اهل ایمان و گروه های مختلفی را که خداوند از آنها تمجید می کند، برمی شمارد، از نماز و اقامه آن نیز یاد شده است:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ (مؤمنون: ۲)

به تحقیق که مؤمنان رستگار شدند، آن کسانی که در نمازشان خاشع اند.

در قرآن کریم، افزون بر مطالب بالا، در مورد آداب نماز و برخی احکام دیگر آن، دستورهای آمده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم: حفاظت از نماز «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ و...؛ بر نمازها محافظت نمایید». (بقره: ۲۳۸)

در آیاتی دیگر، حفاظت از نماز، از نشانه های اهل ایمان شمرده شده است: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ؛ کسانی که آنها بر نمازهایشان محافظت می کنند (مؤمن هستند)». (مؤمنون: ۹)

همچنین موانع برپاداشتن نماز، از جمله شراب و قمار را می توان چنین برشمارد:

إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعِدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ.
(مائده: ۹۱)

شیطان تنها در شراب و قمار قصد آن دارد که در بین شما دشمنی و کینه اندازد و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد، پس آیا نهی می پذیرید؟.

درباره لزوم حضور قلب و توجه در نماز نیز چنین بیان فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ. (نساء: ۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید تا اینکه بدانید چه می گوئید.

همچنین در قرآن، مقدماتی برای نماز ذکر شده است که قبله یکی از آنها است:

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...؛ (بقره: ۱۴۶)

و از هر جایی که خارج شدی، پس روی خود را به سوی قسمتی از مسجدالحرام بگردان.

درباره وضو، غسل، تیمم نیز گفته اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَمَا طَهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ؛ (مائده: ۶)

ای اهل ایمان، هنگامی که برای نماز برخاستید، پس صورت و دستان خود را تا مرفق ها بشویید و سرها و پاهای خود را تا برآمدگی مسح کنید و اگر جنب بودید،

پس خود را تطهیر (غسل) کنید و اگر در سفر بودید یا اینکه یکی از شما را قضای حاجتی دست داد و یا با زنان مباشرت کردید و آب نیافتید، پس به خاک پاکیزه تیمم کنید و صورت و دست های خود را با آن مسح کنید....

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

اشاره

فصل ششم: نماز از دیدگاه معصومین علیهم السلام

پیش تر مطالبی درباره نماز و حقوق آن گفتیم، اکنون نماز را از دیدگاه نظری و سیره عملی ائمه علیهم السلام بررسی می کنیم:

۱. ویژگی های نماز

الف) مثل نماز همانند نهی جاری است

آیا اگر مشاهده کردید که جوی آبی بر منزل یکی از شما باشد که هر روز پنج بار در آن شست و شو کند، آیا از چرک و ناپاکی او چیزی باقی می ماند؟ (گفتند: نه. پیامبر فرمود: این مثل نمازهای پنج گانه است که خداوند، گناهان را به وسیله آنها محو می کند.)^(۱)

ب) مثل نماز مانند ستون خیمه دین است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مثل نماز مانند ستون خیمه است. هرگاه ثابت و استوار باشد، طناب ها و میخ ها ثابت خواهند بود و هرگاه ستون شکسته شود، از میخ و طناب و پرده، سودی حاصل

۱- نهج الفصاحه، صص ۶۹۵ و ۶۹۶.

نشود. (۱)

ج) نماز در دین، مانند نسبت سر به جسد است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «موضع الصلاه من الدین کموضع الرأس من الجسد؛ جایگاه نماز در دین همانند جایگاه سر در بدن است». (۲)

د) نماز، سیمای مکتب

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لکل شیء وجهٌ ووجهٌ دینکم الصلاه؛ برای هر چیزی، ظاهری است و ظاهر دین شما نماز است». (۳)

ه) نماز، پرچم اسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علم الاسلام الصلاه؛ نماز، پرچم (علامت) اسلام است». (۴)

و) نماز، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «الصلاه قربانٌ کلّ تقیٍّ؛ نماز مایه قرب هر انسان پرهیزکار است». (۵)

ز) نماز، نشانه شیعیان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «امْتَحَنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مَحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا؛ شیعیان ما را به هنگام نماز امتحان کنید که چگونه بر آن محافظت دارند». (۶)

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۹.

۲- نهج الفصاحه، ص ۶۲۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۴۵۶.

۴- کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹، روایت ۱۸۸۷۰.

۵- نهج الفصاحه، ص ۳۹۷، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱، ص ۱۱۵۲.

۶- آداب الصلاه، ص ۳۴ پاورقی بر گرفته از: اعتقادات مرحوم مجلسی، ص ۲۹.

ح) نماز، اولین محاسبه در قیامت

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا؛ (۱) اولین چیزی که بنده برای آن محاسبه می شود، نماز است. پس اگر پذیرفته شد، (اعمال) غیر آن نیز پذیرفته می شود.

۲. ترک نماز و استخفاف آن

۲. ترک نماز و استخفاف آن

با توجه به روایت های بسیار در اهمیت نماز، از جمله کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که «لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ» می توان به اهمیت نماز و نیز پی آمدهای ترک نماز و سستی در آن پی برد.

قرآن به نماز گزارانی که در نماز سهل انگاری می کنند، وعده «ویل» می دهد: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ وای بر نماز گزارانی که در نماز شان سهل انگاری می کنند.» (ماعون: ۵ و ۴) امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ؛ هر کس نماز را ترک کند بهره ای از اسلام ندارد.» (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ؛ (۳) هر که نماز را به عمد ترک نماید، پس کافر گشته است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام رحلت خود فرمود:

لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَوَتِهِ لَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا

۱- آداب الصلاه، ص ۱۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۲.

۳- مجموعه الاخبار، ص ۲۰۵.

لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ (۱)

کسی که نمازش را سبک بشمارد، از من نیست و بر من در حوض کوثر وارد نخواهد شد. نه به خدا قسم، از من نیست کسی که مسکری (مست کننده ای) بنوشد. بر من در حوض کوثر وارد نخواهد شد، نه به خدا قسم (نخواهد شد).

همان گونه که انبیای الهی همواره بر نماز و اهمیت آن تأکید داشته اند، امامان معصوم نیز به این امر اهتمام داشته اند.

ابوبصیر گفت: امام کاظم علیه السلام فرمود:

لَمَّا حَضَرْتُ أَبِي الْوَفَاءَ، قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ لَا يُنَالُ شِفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ. (۲)

هنگامی که پدرم را مرگ رسید، به من فرمود: ای پسر، کسی که نمازش را سبک بشمارد، شفاعت نخواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَا تُنَالُ شِفَاعَتِي غَدَا مَنِ أَخَذَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا. (۳)

در روز قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را بعد از وقتش تأخیر اندازد، نمی رسد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «ان شفاعتنا لاتنال مُسْتَخَفًّا بِالصَّلَاةِ؛ شفاعت ما به (کسی که) نماز را سبک بشمارد، نمی

رسد». (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۰.

۲- چهل حدیث، ص ۴۲۷، برگرفته از: فروع کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۷.

۴- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۲.

۳. نماز وسیله مهار شیطان

۳. نماز وسیله مهار شیطان

همان گونه که در قرآن کریم امر شده است که «از صبر و نماز استعانت بجویید»، در احادیث هم بر توانایی نماز در تسهیل امور و دفع شیطان تأکید شده است. احادیث زیر بر نقش یاریگری نماز در مقابله با شیطان تأکید دارند:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج گانه محافظت می کند، شیطان از او هراسان است و هنگامی که آنها را ضایع کرد، بر او جرئت پیدا کرده و در گناهان کبیره او را وارد می کند. (۱)

امام مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «هیچ چیزی همانند نماز بینی شیطان را نمی کوبد، پس آن را به جا آور و بینی او را بکوب». (۲) نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که: «الصَّلَاةُ تُسَوِّدُ وَجْهَ الشَّيْطَانِ؛ (۳) نماز روی شیطان را سیاه می کند».

۴. نماز و ثواب واقعی آن

۴. نماز و ثواب واقعی آن

آنچه در روایت ها به عنوان ثواب واقعی نماز مطرح شده، بیشتر آمرزش گناهان است. امام علی علیه السلام می فرماید: «من اتى الصلاه عارفاً بحقها غفر

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳- نهج الفصاحه، ص ۳۹۶.

الله له؛ (۱) هر کس نماز بگزارد، در حالی که به حق آن آشنا باشد، خداوند او را می آمرزد».

همچنین ایشان می فرماید:

امر نماز را مراعات کنید و بر آن محافظت کنید و آن را بسیار به جا آورید و به وسیله آن تقرب بجویید... که نماز گناهان را مانند ریختن برگ از درخت، فرو می ریزد و همچون باز شدن بندها، آدمی را رها می کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله، نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرمود که در مجاورت خانه شخص باشد و او در شبانه روز پنج مرتبه در آن شست و شو کند. پس بر این شخص، چرک و کثافتی باقی نخواهد ماند. (۲)

این ثواب، در روایت ها، معمولاً برای دو رکعت نماز ذکر شده است.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا، انْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غَفَرَهُ لَهُ. (۳)

هر کس دو رکعت نماز بگزارد که می داند در آنها چه می گوید، در حالی از نماز فارغ می شود که بین او و خدای عزوجل گناهی نیست، مگر آنکه آن را برایش آمرزیده است.

ایشان در روایتی دیگر می فرماید:

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۷۱.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۷، صص ۶۴۳ و ۶۴۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

مَنْ قَبِلَ اللَّهَ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ (۱)

هر کس که خداوند از او تنها یک نماز بپذیرد، او را عذاب نخواهد کرد و کسی را که خداوند از او یک حسنه بپذیرد عذابش نمی کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: شخصی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: ثواب نماز را برای من بیان کن، حضرت فرمود:

هنگامی که به نماز می ایستی و توجه به خداوند می کنی و فاتحه الكتاب می خوانی و سوره ای را تلاوت می کنی و به رکوع و سجود می روی و آنها را کامل به جا می آوری و تشهد و سلام می دهی، بدان که تمام گناهان تو که بین دو نماز هست، بخشیده می شود. این پاداش نماز توست در نماز. (۲)

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شرط آموزش گناهان به وسیله نماز، بی توجهی به امور دنیا در نماز است:

مَنْ صَلَّى رِكَعَتَيْنِ وَلَمْ يَحْدِثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ. (۳)

کسی که دو رکعت نماز به جا آورد و در آن با نفس خود از امور دنیایی صحبت نکند، خداوند گناهان او را می آمرزد.

۵. شرایط قبول شدن نماز

۵. شرایط قبول شدن نماز

بر اساس روایت ها و احادیث، پذیرش اعمال انسان به پذیرش نماز وابسته است، ولی برای نمازی که مقبول درگاه حق است، شرایط و نکاتی

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۷.

۲- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۰۵.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

ذکر شده که رعایت آنها از توجه به کثرت نماز و طول قیام به آن، ضروری تر است. در بعضی روایت ها تصریح شده است که به نسبت توجه به باطن نماز، این عبادت پذیرفته می شود.

از امام صادق و امام باقر علیهما السلام نقل شده است که فرمود:

تو را بهره ای از نماز نیست، مگر آنچه به آن توجه داشته باشی. پس اگر از تمام آن یا شرایط آن غافل شود، پیچیده شود و به صورت صاحبش کوبیده شود. (۱)

امام صادق علیه السلام در ضمن پاسخی به پرسش ابو حمزه ثمالی فرمود: «.. إِنَّ الْعَبْدَ لَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ مِنْهَا بِقَلْبِهِ» (۲) از بنده نمازش پذیرفته نمی شود، مگر آنچه که با قلبش به آن توجه کرده است.

همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

از بعضی از نمازها نیمی از آن، یا یک سوم یا یک چهارم یا یک پنجم و یا یک دهم آن پذیرفته می شود، بعضی از نمازها چون جامه کهنه پیچیده می شود و به روی صاحبش زده می شود و از نماز تو نیست، مگر آنکه با قلبت به آن اقبال کنی. (۳)

امام علی علیه السلام با تأکید بر پرهیز از اموری که موجب توجه نداشتن به نماز می شود، می فرماید:

هیچ گاه نباید احدی از شما به نماز ایستد. در حالی که کسل و خواب آلود باشد و نباید در نفس خویش فکر کند، زیرا در مقابل پروردگار عزوجل است و بهره بنده

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۸.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۴.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

از نماز، آن است که با قلبش به آن اقبال و توجه کرده است. (۱)

۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی)

۶. نقش نوافل (نمازهای مستحبی)

با توجه به شرایط قبولی نماز در درگاه خداوند، در احادیث برای جبران نواقص آن راه هایی پیشنهاد شده است. از جمله، به جا آوردن نمازهای نافله یا مستحبی است.

از ابو حمزه ثمالی روایت شده است:

علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که نماز می خواند، ناگهان ردای او بر یکی از شانه هایش افتاد، ولی حضرت، آن را درست نکرد تا اینکه از نماز فارغ شد. سپس از حضرت در مورد آن پرسیدم که فرمود: وای بر تو، مگر من مقابل چه کسی بودم؟ از بنده نمازش قبول نمی شود، مگر آنچه با قلبش به آن توجه داشته باشد. گفتم: فدایت شوم، هلاک شدیم. فرمود: هرگز، و خداوند آن (نواقص) را با نوافل کامل می کند. (۲)

و در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

انما جعلت النافله لیتم بها ما یفسد من الفریضه. (۳)

نافله قرار داده شده است که آنچه از واجب تباه شود، به وسیله آن (نافله) کامل می گردد.

ابو بصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

یُرْفَعُ لِلرَّجُلِ مِنَ الصَّلَاةِ رُبْعُهَا أَوْ ثَمْنُهَا أَوْ نِصْفُهَا أَوْ أَكْثَرُ بِقَدْرِ مَا سَهَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى

۱- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴، حدیث ۱۰.

يَتِمُّ ذَلِكَ بِالْتَّوَافِلِ. (۱)

برای فرد از نماز یک چهارم یا یک هشتم یا نصف آن یا بیشتر، به اندازه ای که سهو کرده باشد، بالا می رود، ولی خدای تعالی آن را با نوافل تمام می کند.

۷. نقش علم و تفکر در نماز

۷. نقش علم و تفکر در نماز

متأسفانه در جامعه ما، مدرک ایمان، تقید به ظاهر امور عبادی است؛ در حالی که بنابر روایت ها راه تشخیص اهل ایمان و نماز، عقل و آگاهی آنها است.

اسحاق بن عمار گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مرا همسایه ای است با نمازگزارِ بسیار و صدقه بسیار و حج زیاد، او را هیچ عیبی نیست. فرمود: ای اسحاق عقل او چگونه است؟ گفتم: فدایت شوم، او را عقلی نیست. فرمود: با آن به جایی نمی رسد. (۲)

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است: «رکعتان مقتصدتان فی تفکر خیر من قیام ليله؛ دو رکعت نماز میانه با تفکر، بهتر از قیام یک شب به عبادت است». (۳)

در حدیثی دیگر آمده است: «نَوْمٌ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلٍ؛ خوابی که با علم باشد (خواب عالم) از نمازی که با جهل باشد، بهتر است». (۴)

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴، حدیث ۱۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

۴- نهج الفصاحه، ص ۶۳۳.

«رَكَعَةٌ مِنْ عَالَمٍ بِاللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَكَعَةٍ مِنْ مُتَجَاهِلٍ بِاللَّهِ؛ يَكُ رَكَعَةٌ مِنْ عَالَمٍ بِخَدَا، بَهْتَرُ اسْتِ مِنْ هَذَا رَكَعَةٌ مِنْ جَاهِلٍ بِه خَدَاوَنَد.» (۱)

برابر سخنان امامان ما، عبادت نادان (جاهل متنسک) نه تنها سودی برای دین ندارد، بلکه موجب ضربه زدن به دین خواهد شد. چنان که امام صادق علیه السلام از آن به «شکستن کمر خود» تعبیر می کند: «قَطَعَ ظَهْرِي إِثْنَانًا: عَالَمٌ مُتَهْتِكٌ وَجَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ...؛ دو گروه کمر مرا شکستند: عالم گنه کار و عبادت کننده نادان...» (۲)

۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث

۸. میزان قبولی نماز با توجه به احادیث

همچنین در احادیث، راه هایی برای آگاهی از میزان قبولی نماز و نیز تأثیر نماز مشخص شده است که به مواردی اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ اقْبَلَتْ صَلَوَتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَوَتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قُبُلَتْ مِنْهُ. (۳)

هرکس دوست دارد که بداند آیا نمازش قبول گشته یا خیر، پس باید ببیند که آیا نماز، او را از فحشا و منکر باز می دارد؟ پس به اندازه ای که او را باز دارد، از آن، نماز قبول می شود.

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۵۰۹.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَوَتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْ بِهَا مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. (۱)

هر کس که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، آن نماز جز دوری از خداوند نتیجه ای ندارد.

۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز

۹. سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام در نماز

با توجه به اخبار و روایت ها، آن بزرگواران همواره حتی در صحنه های نبرد و مواقع خوف، متوجه و مترصد داخل شدن وقت این فریضه بوده اند. در روایت ها آمده است: هنگامی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، مانند لباس افتاده ای بود: «كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ ثَوْبٌ مُلْقَى». (۲)

همچنین از بعضی زن های رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

هنگامی که با رسول خدا بودیم، چون وقت نماز می رسید گویی او ما را نمی شناخت و ما او را نمی شناختیم، به خاطر اشتغالی که به خدا پیدا می کرد از هر چیز. (۳)

حضرت علی علیه السلام در جریان جنگ صفین همواره مراقب آفتاب و وقت نماز بود. او در پاسخ به پرسش یکی از یاران خود فرمود: ما برای برپاداشتن نماز با آنها می جنگیم. در روایتی دیگر آمده است: چون وقت نماز می شد، به خود می پیچید و متزلزل می شد. از آن حضرت علت تغییر حالشان پرسیده شد. فرمود: زیرا وقت امانتی که خدای تعالی آن را بر آسمان ها و زمین ها عرضه داشت و آنها از حمل آن ابا کردند، فرا رسیده

۱- نهج الفصاحه، ص ۵۸۲.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۰.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۷.

است. (۱)

نیز روایت شده است:

هنگامی که داخل نماز می شد، گویی دیواری ثابت یا ستونی ایستاده بود که حرکت نمی کرد شاید که گاهی رکوع یا سجده می کرد، پرنده ای بر او می نشست. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف حال حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

اما دخترم فاطمه... هنگامی که در محرابش در مقابل پروردگارش _ جل جلاله _ به نماز می ایستد... خدای عزوجل به فرشتگان خود می فرماید: ای فرشتگان من، به سرور بندگانم، فاطمه نگاه کنید که در مقابل من ایستاده است و مفاصل او از ترس من می لرزد و با قلب خود به عبادت من اقبال کرده است. (۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَزَعَّدَ فَرَائِضَهُ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۴)

...حسن بن علی علیه السلام هنگامی که به نماز می ایستاد، در مقابل پروردگارش _ عزوجل _ مفاصلش می لرزید.

سیدبن طاوس رحمه الله در فلاح السائل نقل کرده است:

امام حسین علیه السلام وقتی وضو می گرفت رنگش تغییر می کرد و مفاصلش می لرزید. از آن حضرت علت را پرسیدند، فرمود: «برای کسی که بین دو دست صاحب عرش ایستاده، سزاوار است که

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۱.

۲- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۹۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۲.

۴- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۳۸۷.

رنگش زرد باشد و مفاصلش بلرزد» (۱).

قضیه ابو حمزه ثمالی را هنگام مشاهده امام سجاد علیه السلام را پیش تر آوردیم. در مورد امام سجاد علیه السلام و احوال او در نماز، داستان های بسیاری نقل شده است که آن حضرت چون وقت نماز می شد، رنگش زرد می شد و چون بید می لرزید و زمانی که به نماز می ایستاد، گویی که ساقه درختی بود. چیزی از او حرکت نمی کرد مگر آنچه که باد از او حرکت می داد. (۲)

ابو ایوب می گوید:

امام صادق و امام باقر علیهما السلام هنگامی که به نماز می ایستادند، رنگ رخسارشان گاهی سرخ و گاهی زرد می شد، گویی که آنان با چیزی که او را می بینند صحبت می کنند. (۳)

شرح حال عبادت امام موسی و امام رضا و امام حسن عسکری علیه السلام در زندان از زبان زندانبانان، حکایت از سیره عملی آن بزرگان دین در اهتمام به نماز و ادای حق بندگی دارد.

۱- آداب الصلاة، ص ۱۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۳۸۱.

۳- بحار الانوار، ج ۸۱ ص ۳۸۱.

فصل هفتم: نماز از نگاه اندیشمندان

۱. نماز از نگاه امام خمینی رحمه الله

اگر بروید سراغ نماز، احیا کنید این سنت سیاسی اسلام را... ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از امریکا و شوروی نداشته باشید. (۱)

در اسلام از نماز هیچ فریضه‌ای بالاتر نیست. (۲)

نماز خوب فحشا و منکر را از یک امت بیرون می‌کند. (۳)

ما با ذکر خدا و با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست. (۴)

نماز بخوانید، از همه فریادها بالاتر است. (۵)

شیطان‌ها از نماز می‌ترسند، از مسجد می‌ترسند. (۶)

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۳- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۴- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۵- کلمات قصار (پند و حکمت‌های، امام خمینی رحمه الله)، ص ۵۱.

۶- کلمات قصار (پند و حکمت‌های، امام خمینی رحمه الله)، ص ۵۱.

براق سیر و رفراف عروج اهل معرفت، نماز است و هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله را به نمازی مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن حسب مقام خود. (۱)

۲. نماز از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای

انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر محتاج تر. (۲)

هیچ وسیله ای محکم تر و دائمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. مبتدی ترین انسان ها رابطه خود را با خدا به وسیله نماز آغاز می کنند، برجسته ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در نماز می جویند. (۳)

نماز، این حقیقت مقدس و گوهر درخشان را که عطیه الهی به محمد صلی الله علیه و آله است، قدر بشناسید. (۴)

نماز برترین چیزی است که می تواند همه افراد جامعه مسلمانان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند. (۵)

سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب اخلاقی و تهذیب نفس و پرورش روانی انسان ها پدید می آورد: فراخوانی به ترک گناه، احیای روح پرستش، اهدای آرامش به جان. (۶)

نماز... مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری

۱- اسرار نماز، ص ۶.

۲- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۱۴.

۳- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۱۲ و ۱۳.

۴- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۲۱ و ۲۲.

۵- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۳۲.

۶- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۳۲ و ۳۳.

عالم وجود است. (۱)

حقیقت آن است که نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه قلبی مؤمنان و با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نماز گزار و نیز با ایجاد فضای تقدس و معنویت در پیرامون نماز گزار که موجب دوری او و دیگران از گناه است و با درس های معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته است، بسی بیش از صرفاً یک وظیفه شخصی و در واقع نقش کلیدی در اداره فرد و جامعه است. (۲)

به حق باید نماز را برترین اعمال دانست. نماز مایه های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه حتمی واجبات پرخطر و دشواری همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می آورد و او را شجاعانه به آن میدان ها گسیل می دارد. (۳)

نماز، آدمی را از حصارهای ظلمانی می رهاند و شهوت و غضب او را به سوی حقیقت متعالی و خیر همگانی، هدایت می کند. (۴)

۳. نماز از دیدگاه آیت الله العظمی بهجت

اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت و در رأس آنها نماز است که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم به اعراض از لغو، محقق می شود، کار تمام است.

نماز به منزله کعبه و تکبیره الاحرام، پشت سر انداختن همه چیز غیر خدا و داخل شدن در حرم الهی است و قیام به منزله صحبت دو دوست و رکوع، خم شدن عبد در مقابل آقا است و سجده، نهایت خضوع و خاک شدن و عدم شدن در مقابل اوست. وقتی که عبد در آخر نماز از پیشگاه مقدس الهی باز می گردد، اولین چیزی را که سوغات می آورد، سلامتی از ناحیه اوست. (۵)

۱- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۳۷.

۲- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۴۳ و ۴۴، پیام هفتم، ۷/۷/۱۳۷۶.

۳- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۴۴.

۴- نماز؛ گنجینه رمز و راز، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ص ۵۰.

۵- برگی از دفتر آفتاب.

۴. نماز از دیدگاه دانشمندان غربی

در میان دانشمندان غربی، تعداد زیادی افراد معتقد به خدا و اهل ایمان هستند که در مورد عبادت و تأثیر آن نظریاتی داده اند و بیشتر به جنبه های تأثیر روانی نماز توجه کرده اند.

الف) الکسیس کارل در کتاب نیایش در مورد دعا و نماز می گوید:

دعا و نماز کوششی است در آدمی برای رسیدن به خدا و صحبت کردن با موجودی نادیدنی که آفریننده همه چیز و حکمت اعلی است. (۱)

دعا و نماز، عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می دهد. (۲)

وی در مورد تأثیر نیایش می گوید:

نیایش، به آدمی نیروی تحمل غم ها و مصائب را می بخشد و هنگامی که کلمات منطقی برای امیدواری نمی توان یافت، انسان را امیدوار می کند و قدرت ایستادگی در برابر حوادث بزرگ را به او می دهد. (۳)

نیایش علاوه بر اینکه آرامش به وجود می آورد، به طور کامل و صحیحی در فعالیت های مغزی انسان یک نوع شگفتی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلآوری را تحریک می کند. (۴)

ب) دیل کارنگی، روان شناس معروف می گوید:

چرا همه روزه، نیروهای خود را با نماز، حمد و دعا تقویت نمی کنیم و تجدید سازمان

۱- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، صص ۱۱ و ۱۲؛ به نقل از الکسیس کارل، نیایش صص ۱۱ و ۱۲؛ دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۳۴۷.

۲- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۱، نیایش، ص ۷.

۳- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۰؛ راه و رسم زندگی، ص ۱۳۷.

۴- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۱۲، نیایش، صص ۱۱ و ۱۲، آیین زندگی، ص ۲۴۷.

نمی دهیم؟! ... پزشکان روحی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین، نگرانی و [تشویش] و ترس را که موجب اکثر ناخوشی های ماست، برطرف می سازد. (۱)

(ج) مارسل بوازا، اسلام شناس معاصر سوئیسی و یکی از مشهورترین پژوهندگان اروپایی می گوید:

نماز یادآوری مستمر یگانگی و عظمت خداوند و ابراز اشتیاق برای راه یافتن در مقام قرب الهی است. این تغییر حالت دائمی باعث آن می گردد که امور مادی زندگی، آدمی را در خود غرق نکند. (۲)

(د) نورمن وینست گریسی

دعا و نماز بزرگ ترین نیرویی است که برای مبارزه با دشواری های زندگی روزانه و به دست آوردن آرامش روحی شناخته شده است. (۳)

(ه) روزه گارودی فیلسوف و دانشمند معروف فرانسوی می گوید:

در نماز، انسان به خود باز می گردد و همه هستی را در وجود خویش احساس می کند و نماز، انسان با ایمان را به ستایش خدا وامی دارد. (۴)

(و) کنث. و. مورگان، دانشمند امریکایی می گوید:

عبادت روزانه در واقع فریضه ای است که بشر در قبال رحمت بیکران الهی انجام می دهد و با ادای این فریضه از خالق متعال مدد می جوید تا در میدان حیات و صحنه تنازع بقا پیروز گردد. (۵)

۱- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، صص ۱۵ _ ۱۷؛ آیین زندگی، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۲- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۵۴؛ مارسل بوازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه مؤیدی، ص ۹۴.

۳- رحیم کارگر، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۸؛ کلیدهای خوشبختی، ترجمه: احمد آرام، صص ۳۸۶ _ ۸۸.

۴- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۶، روزه گارودی، هشدار به زندگانی، ترجمه: کسمائی، ص ۲۵۹.

۵- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۵.

(ز) ویلیام جیمز معتقد است:

اگر نیرویی برای تحمل و پیش آمدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می آید. (۱)

(ح) دکتر توماس هایس اوپ می گوید:

مهم ترین مطلبی که من در طول چند سال تجربه و آزمایش به دست آورده ام، این است که بهترین وسیله برای درمان بی خوابی نماز است، با این قید که من پزشکم و این سخن را می گویم که نماز بهترین وسیله ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است که زمینه بی خوابی را برطرف می گرداند. به عبارت دقیق تر، مهم ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان نماز است. (۲)

(ط) سیرل برت، روان شناس انگلیسی با تأکید بر نظر ویلیام جیمز می گوید:

ما به واسطه نماز می توانیم وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی شویم که در شرایط عادی یارای رسیدن به آن را نداریم. (۳)

۱- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۳.

۲- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۲۴ دلیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹؛ قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷.

۳- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ص ۳۱؛ قرآن و روان شناسی، ص ۳۶۲؛ علم النفس دینی، ص ۳۱.

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

اشاره

فصل هشتم: نکته ها و ناگفته هایی درباره نماز

زیر فصل ها

خیر دین

وقت نماز

تأثیر نماز

نماز جماعت

نماز خوف

نماز وداع

تعهد به نماز

نماز اول وقت

محرم راز

استمداد از نماز

خسارت معنوی

جایگاه بی نمازان

آخرین وصیت

شتاب زدگی در نماز

مجذوب خدا

آتش حسرت

در گاه لایزال

غرق در نماز

اسیر گناه

نافله شب

بنده خدا

هدیه ناقابل

بهترین لباس

خیر دین

خیر دین

در سال هایی که مسلمانان به پیروزی هایی چشم گیر رسیده بودند، بزرگان قبیله های عرب، از جمله چند نفر از سران بنی ثقیف که در طائف سکونت داشتند، به مدینه آمدند و خدمت رسول الله مشرف شدند و عرض کردند: ما به چند شرط مسلمان می شویم: یکی اینکه بت «لات» در بین ما باقی بماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نپذیرفت. دیگر اینکه بت ها را با دست خود نشکنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اشکالی ندارد، ما کسانی می فرستیم که تمامی بت ها را بشکنند. سوم اینکه ما را از نماز خواندن معاف بدار. حضرت فرمود:

«أَمَّا الصَّلَاةُ فَلَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ؛ بدون نماز، خیری در دین نیست» (۱).

وقت نماز

وقت نماز

در جنگ صفین، حضرت علی علیه السلام در میان هر دو صف کارزار به آسمان نگاه می کرد تا با رسیدن وقت نماز، نماز ظهر را بخوانند. عبدالله بن عباس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام این چه کاری است؟ فرمود: آفتاب

را می نگرم که اگر وقت نماز رسید، نماز بگذاریم. ابن عباس گفت: آیا با این شور جنگ، وقت نماز است؟ فرمود: ما تنها برای برپا شدن نماز با آنان نبرد می کنیم. (۱)

تأثیر نماز

تأثیر نماز

در پی حرکت آیت الله حاج آقا حسین قمی به شهر ری _ که در اعتراض به جسارت های ضد مذهبی رضاخان انجام شد _ محل اقامت ایشان که در جوار حضرت عبدالعظیم علیه السلام بود، محاصره شد. در یکی از شب ها ایشان به قصد زیارت حرم به مأموری که نگهبان در باغ بود، فرمود: «در را باز کن تا به زیارت مشرف شوم.» مأمور از باز کردن در خودداری کرد و به درخواست های مکرر ایشان اعتنایی نکرد. آیت الله قمی به نگهبان فرمود: «ما خود در را باز می کنیم و می رویم و احتیاجی به تو نداریم.» سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند، در این هنگام در باغ خود به خود باز شد و آقا از باغ خارج گردید. پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت نیز به باغ بازگشت. (۲)

نماز جماعت

نماز جماعت

-
- ۱- رحیم کارگر و محمد یاری، داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۶؛ شهید دستغیب، صلاه الخاشعین، ص ۷.
 - ۲- محمد صحتی سردرودی، نماز ابرار، ص ۶۵.

«من از همان روزها که به تحصیل مقدمات اشتغال داشتم، نام محدث قمی را زیاد و توأم با تجلیل شنیدم. وقتی که برای تحصیل به مشهد مشرف شدم، دیدار ایشان را بسیار مغتنم شمردم. چند سالی که با این دانشمند باایمان معاشرت داشتم و از نزدیک به مراتب علم و عمل، پارسایی و پرهیزکاری ایشان آشنا شدم، روز به روز بر ارادتم می افزود. در یکی از ماه های رمضان با چند تن از دوستان، از ایشان خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت را بر معتقدان و علاقه مندان منت نهند. با اصرار و پافشاری، این خواهش را پذیرفت و چند روز نماز ظهر و عصر، در یکی از شبستان های آنجا اقامه شد و روز به روز بر جمعیت این جماعت افزوده می شد. یک روز پس از پایان نماز ظهر گفتند: امروز شما نماز عصر را بخوانید. پس از آن رفتند و دیگر آن سال را برای نماز جماعت نیامدند. تا اینکه در فرصتی از ایشان دلیل این کار را پرسیدم. ایشان گفتند: حقیقت این است که آن روز، در رکوع رکعت چهارم که صدای ذکر اقتداکنندگان را شنیدم، متوجه انبوه جمعیت شدم و در من نشاط و شادی تولید کرد. بنابراین، من برای پیش نمازی لیاقت ندارم» (۱).

نماز خوف

نماز خوف

روز عاشورا هنگام زوال، ابو ثمامه صیداوی خدمت سیدالشهدا علیه السلام عرض کرد: ای مولای من در این لحظات آخر عمر، نماز را به جماعت بخوانیم، گمان می‌کنم این آخرین نماز ما باشد. امید است که در حال ادای فریضه ای از فرایض او در چنین موقف بزرگی خدا را ملاقات کنیم. امام سر به آسمان بلند کرد و گفت: خداوند، تو را از نماز گزاران قرار دهد و فرمود: اذان بگو، خدا تو را رحمت کند. چون از اذان فارغ شد، امام فرمود: ای پسر سعد، آیا شرایع اسلام را فراموش کردی؟ آیا هنگام نماز نیز دست از جنگ بر نمی‌داری؟ سپس آن حضرت با اصحاب، نماز خوف به جا آوردند، در حالی که زهیر بن القین و سعید بن عبدالله حنفی، خود را سپر حضرت قرار داده بودند تا اینکه سعید در اثر زخم‌های نیزه و شمشیر به زمین افتاد و از دنیا رفت [شهید شد].^(۱)

نماز وداع

نماز وداع

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام در شبانه روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و چون به نماز می‌ایستاد، رنگ به رنگ می‌گردید، مانند بنده ذلیل که نزد پادشاه جلیلی ایستاده باشد و از خوف الهی لرزان بود، چنان نماز می‌کرد که گویا نماز وداع است و هنگامی که از تغییر احوال آن حضرت می‌پرسیدند، چنین می‌فرمود: «کسی که نزد خداوند عظیمی ایستاده باشد، سزاوار است که

۱- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ج ۱، صص ۱۹ و ۲۰، مقتل الحسین، ص ۲۹۴.

ترسان باشد» (۱).

تعهد به نماز

تعهد به نماز

صائین، گروهی هستند که در قرآن نیز از آنان یاد شده است. این گروه به حضرت یحیی گرایش دارند و به تأثیر ستارگان باور دارند و نماز و مراسم ویژه ای دارند که هنوز گروهی از آنان در خوزستان هستند. نقل شده است این فرقه، رهبری دانشمند، ولی مغرور داشتند که بارها با امام رضا علیه السلام مجادله کرد. در یکی از جلسات در برابر استدلال امام رضا علیه السلام تسلیم شد و گفت: «الآن لآن قلبی؛ حالا روح من نرم شد»؛ یعنی حاضرم مکتب تو را بپذیرم. ناگهان صدای اذان بلند شد. امام رضا علیه السلام جلسه را ترک کرد. مردم گفتند دیگر چنین فرصتی پیش نمی آید. امام فرمود: اول نماز. او با دیدن این مسئله بیشتر شیفته آن حضرت شد، به گونه ای که بعد از نماز و گفت و گو با امام، ایمان آورد. (۲)

نماز اول وقت

نماز اول وقت

از فرزند حضرت امام خمینی رحمه الله نقل شده است: «روز اولی که شاه رفت، ما نوفل لوشاتو بودیم. تعداد زیادی خبرنگار، اطراف منزل امام جمع شده بودند و امام روی تختی ایستاد. چند خبرنگار خود را با امام مطرح

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۲۶، منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۸۶.

۲- محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۲۱.

کردند که صدای اذان ظهر شنیده شد. بلافاصله امام آنجا را ترک کرد و فرمود: وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد. تمام حاضران از این کار امام متعجب شدند. از امام خواهش کردند که چند دقیقه ای صبر کند تا حداقل چند سؤال دیگر مطرح شود، امام با عصبانیت فرمود؛ به هیچ وجه نمی شود و رفتند».^(۱)

محرم راز

محرم راز

در شرح حال آخوند ملاً محمد کاشی، استاد آقای نجفی قوچانی و حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی و بسیاری دیگر از بزرگان آورده اند: هر نیم شب چنان به سوز و گداز نماز می خواند و بدنش به لرزه می افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوان هایش احساس می شد!! روزی پس از ختم درس، یکی از طلاب به درس آن بزرگوار آمد و گفت آقا این شیخ می گوید که دیشب به وقت سحر دیدم که از در [و] دیوار مدرسه صدای «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» برمی آید! آخوند فرمود: اینک در و دیوار به ذکر من متذکر می باشند، امری نیست. مهم آن است که او از کجا محرم راز گشته است.^(۲)

۱- سرگذشت های ویژه، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۴۸؛ سوز سحرگاهی، ص ۲۹.

استمداد از نماز

استمداد از نماز

علامه طباطبایی می گوید: «هنگامی که به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، از جهت قرابت و خویشاوندی، گاهی به محضر مرحوم قاضی شرف یاب می شدم. تا اینکه یک روز در مدرسه ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کردند. چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاشتند و گفتند: ای فرزند، اگر دنیا و آخرت می خواهی، نماز شب بخوان!» (۱)

خسارت معنوی

خسارت معنوی

شخصی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام آمد و استخاره کرد. استخاره بد آمد، ولی او آن را نادیده گرفت و به مسافرت تجارتي رفت و اتفاقاً به او خوش گذشت و سود فراوانی هم برد. وقتی بازگشت، خدمت امام رفت و گفت: به یاد دارید که استخاره کردید و بد آمد، ولی آن را نادیده گرفتم و سود بردم. حضرت فرمود: آیا یاد داری در منزل فلانی خسته بودی و بعد از خواندن نماز مغرب و عشاء، شام خوردی و خوابیدی و صبح، هنگامی بیدار شدی که آفتاب زده بود و نماز تو قضا شد؟ عرض کرد: آری یابن رسول الله، فرمود: اگر خدا، دنیا و هرچه را در آن است، به

تو دهد، جبران آن خسارت معنوی نمی شود. (۱)

جایگاه بی نمازان

جایگاه بی نمازان

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: امین وحی بر من نازل شد و هنوز وحی تمام نشده بود که ناگاه صدای وحشتناکی به گوش رسید، به گونه ای که چهره فرشته وحی تغییر کرد. پرسیدم: این چه صدایی بود. گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خداوند تعالی در جهنم چاهی قرار داده است. سنگ سیاهی را در آن انداختند، اکنون پس از سیزده هزار سال، آن سنگ به زمین آن چاه رسید. پرسیدم: آن چاه جایگاه چه کسانی است؟ گفت: جایگاه بی نمازان و شراب خواران. (۲)

آخرین وصیت

آخرین وصیت

تا چشم ام حمیده، مادر امام کاظم علیه السلام به ابوبصیر افتاد که برای تسلیت گفتن به او به مناسبت وفات امام صادق علیه السلام آمده بود، اشک هایش جاری شد. ابوبصیر نیز گریست. ام حمیده به ابوبصیر گفت: تو در ساعت احتضار امام حاضر نبودی، قضیه عجیبی اتفاق افتاد. ابوبصیر پرسید: چه قضیه ای؟ گفت: در لحظات آخر زندگی امام، ناگهان امام پلک ها را از روی هم برداشت و فرمود: جمیع افراد خویشاوندان مرا حاضر کنید. همه از این

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۵۷.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۶۰.

اتفاق متعجب بودند. پس از آنکه امام همه را حاضر دید، فرمود: «شفاعت ما هرگز نصیب کسانی که نماز را سبک می شمارند، نخواهد شد».^(۱)

شتاب زدگی در نماز

شتاب زدگی در نماز

امام باقر علیه السلام نقل می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود. ناگهان شخصی به نماز ایستاد، ولی رکوع و سجودش را شتاب زده و ناتمام انجام می داد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او مانند کلاغی منقار به زمین می زند، اگر بمیرد، به غیر دین من مرده است.^(۲)

مجدوب خدا

مجدوب خدا

حضرت آیت الله سبحانی می فرماید: حضرت امام خمینی رحمه الله استادی به نام مرحوم ملکی داشتند، ایشان می فرمود: من در محضر آقای ملکی تبریزی بودم، ولی نه به عنوان استاد و شاگرد. می آمدم و می نشستم. ایشان نیم ساعت قبل از ظهر به مدرسه فیضیه می آمد و می نشست، من از حالتش می فهمیدم که منتظر وقت نماز است. روزی به منزل ایشان رفته بودم، دیدم مرحوم آقای ملکی مشغول نماز است، در آن حالت گویی این مجدوب خدا، همه چیزش را خدا جذب کرده و از خود به تمام معنا

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۷۸، مرتضی مطهری، داستان راستان، ص ۱۲۷؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۷۴۸.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۷۹؛ معراج سبز، ص ۲۷.

بی خود است؛ دیدم در حال قنوت این بیت شعر را می خواند: (۱)

گر بشکافند سراپای من

جز تو نبیند در اعضای من

آتش حسرت

آتش حسرت

بایزید بسطامی شبی از معبد بیرون آمد و در اطراف شهر طوافی کرد. هیچ مشتاقی و ذاکری و مناجاتی مشغول کار ندید. جاننش از آتش حسرت به جوش آمد، ناچار در مناجات و خروش آمد: الهی این چنین درگاهی تو راست از مشتاقان خالی چراست؟ ندایی شنید: ای بایزید، هر کسی محرم خلوت خانه راز نتواند شد و در عرض راز و نیاز با حبیب ما انباز نتواند گشت. (۲)

درگاه لایزال

درگاه لایزال

شبی دزدی به خانه شیخ احمد خضرویه رفت و بعد از جست و جوی بسیار هیچ نیافت. شیخ آواز داد: جوان، دلو برگیر و آب از چاه برکش و طهارت کن و به نماز مشغول شو و تا روز چیزی به تو دهم تا محروم نگردی. دزد چنین کرد. چون روز شد خواجه صد دینار بیاورد و به دزد داد و فرمود: این جزای عبادت یک شب نماز توست. دزد را حالتی پدید

۱- نماز بهشت خلوت انس، تهیه و تنظیم: طرح اقامه نماز، ص ۲۹.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۹۳؛ داستان عارفان، ص ۴۳، گزیده تذکره الاولیاء، ص ۱۱۶.

آمد و لرزه بر اندامش افتاد و گفت: قبول نمی‌کنم مرا به راه خدا راهنمایی کن که دولت لایزال از درگاه لایزال حاصل کنم. شیخ او را مرید کرد و از اولیای حق شد. (۱)

غرق در نماز

غرق در نماز

گویند یکی از زاهدان در مسجد جامع بصره در حال نماز بود که قسمتی از مسجد خراب شد و فرو ریخت. مردم جمع شدند و سر و صدای بسیاری ایجاد شد، ولی او اصلاً متوجه نشد تا اینکه نمازش را تمام کرد. (۲)

اسیر گناه

اسیر گناه

امام باقر علیه السلام روایت کرد که مردی حضور امیرالمومنین علی علیه السلام آمد و عرض کرد: من از نماز شب محروم شده‌ام. حضرت فرمود: «قد قیدتک ذنوبُک؛ گناهانت تو را به زنجیر کشیده‌اند». (۳)

نافله شب

نافله شب

چند نفر از علما نزد استادی رفتند تا از مقام علمی او استفاده کنند، ولی او را بسیار مضطرب و پریشان دیدند. وقتی از او علت را پرسیدند،

۱- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ج ۱، ص ۹۶؛ داستان عارفان، ص ۱۶۱.

۲- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ج ۱، ص ۱۰۶؛ شنیدنی‌های تاریخ، ص ۱۳.

۳- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ج ۱، ص ۱۵۴؛ معراج سبز، ۸۲.

استاد گفت: دیشب چنان خوابیدم که نماز نافله شب از من فوت شد. دیشب، سحرخیزان، نماز شب خوانان و استغفار کنان رفتند، ولی من امروز قضا خواندم، آیا مصیبتی از این بدتر می شود. (۱)

بنده خدا

بنده خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: در روز قیامت، پیرمردی را برای رسیدگی به اعمالش می آورند و نامه اعمالش را به او می دهند. ظاهر نامه که به طرف مردم است، در آن چیزی جز گناه و معاصی مشاهده نمی شود و کار محاسباتش به طول می انجامد. پس آن پیرمرد می گوید: ای پروردگار بزرگ، آیا به آتشم می سوزانی و مرا به جهنم می افکنی؟ خداوند _ جل جلاله _ می فرماید: ای پیرمرد به راستی من حیا می کنم که عذابت کنم؛ چون که در دنیا برای من نماز می گزاردی و عبادت می کردی. سپس امر می فرماید: بنده مرا به بهشت ببرید. (۲)

هدیه ناقابل

هدیه ناقابل

مؤذنی هر روز با صدای بد و ناهنجاری اذان می گفت. روزی دید یک یهودی برایش هدیه ای آورد و گفت: این هدیه ناقابل را قبول کن؟ مؤذن پرسید: برای چه؟ یهودی گفت: برای خدمتی بزرگ که به من کردی.

۱- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، ص ۱۴۵؛ کشکول نماز، ص ۵۸۰.

۲- داستان ها و حکایت های نماز، ج ۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

مؤذن پرسید: چه خدمتی کردم؟ یهودی گفت: دختری دارم که به اسلام تمایل فراوان داشت. از وقتی که شما اذان می‌گویید و الله اکبر را از تو می‌شنود، دیگر از اسلام بیزار شده است و من این هدیه را به جهت خدمتی که به من کردی و مانع اسلام آوردن دخترم شدی، برایت آوردم.

بهترین لباس

بهترین لباس

گویند هنگامی که امام حسن مجتبی علیه السلام برای نماز آماده می‌شد، بهترین لباس خود را می‌پوشید. از آن حضرت پرسیدند: چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ، فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ. (۱)

خداوند، زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس من برای پروردگارم، خود را زینت می‌کنم و اوست که می‌فرماید: زینت‌های خود را در نزد هر مسجدی بر تن کنید.

۱- داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ج ۱، ص ۱۹۱؛ مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۹۲.

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

اشاره

فصل نهم: گزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

جملات و متون ادبی

اشعار

جملات و متون ادبی

جملات و متون ادبی

* «نماز، محکم ترین رشته الفت بین بندگان و خداست و وای بر آن کسی که از این پیوند جداست و حیات و زندگی اش از نور این عبادت پردها، بی بهره است.

* نماز، واقعیتی است که خداوند مهربان از باب عشق و محبت از انسان خواسته است؛ نماز، نورانی ترین حکم در شبستان حیات بندگان شایسته الهی است.

* نماز، ریسمان اتصالی است که همه هستی و موجودیت آدمی را به ملکوت پیوند داده و مانند این رشته پرارزش و منبع فیض، برنامه ای برای ایجاد ارتباط بین بشر و حق مطلق نمی توان یافت.

* نماز، پناه بی پناهان، سنگر دردمندان، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ پرفروغ نیمه شب مشتاقان، صفای دل مستان و سیر و سلوک آگاهان است.

* نماز، برتر از همه عبادات، تجلی تمام واقعیات، منبع برکات و کلید حل تمام مشکلات و پاک کننده خطرات و خاطرات از قلب و روح عارفان و خالصان است.

* نماز، زنده کننده جان، صفابخش حیات جاودان، روشنی راه رهروان، تکیه گاه سالکان، راز و نیاز عارفان، سرمایه مستمندان، دوی درد بی درمان، شعله دل بیداران، نوای قلب بی دلان، دلیل گمراهان، امید

امیدواران، مایه شادی سحرخیزان، سوز جان سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه بقای جان و دستگیر انسان به موقع خطر و نجات آدمی از شر و درمان وجود از تمام بدبختی هاست.

* نماز، عمود دین، عصمت یقین، رأس احکام دینی، آیت مبین، نور جبین، زداینده اندوه غمین، برطرف کننده شرم شرمگین، علاج کننده طوفان روحی سهمگین، دلگرمی دل مسکین و شادی جان اندوهگین است.

* نماز، مایه ای است که بدون آن کسی لایق بارگاه قرب نیست و زمینه ای است که بدون آن جلب فیض خاص از پیشگاه با عزت ربوبی برای هیچ کس امکان ندارد.

* نماز، حقیقتی است که کیمیای حیات بدون آن بی سود است. بی خبران از نماز، بی خردانند و محرومان از این مقام، اسیر دست شیطانند. ثروتمندان بی نماز، تهی دستند و فقیران با نماز، ثروتمندان بزم وجودند.

* نماز، روزنه ای به سوی بهشت است و میدان زندگی بدون نماز، مانند منطقه ای بدون خورشید و خانه ای خالی از این حقیقت است. از رحمت خاص حضرت دوست جداست، دلی بی نماز جایگاه کبر و غرور و جان بی نماز، تراکمی از ظلمت ها و پستی هاست.

* نماز، حقیقت بندگی و اصل پابندی است؛ نبود آن مایه شرمندگی و سستی از آن علت سرافکنندگی و نور آن حرارت بخش زندگی و فرار از آن ریشه شر و افسردگی و اجرای آن عین آزادگی و اتصال به آن رها

شدن از بردگی و وجود آن در میدان حیات عین سازندگی و نماز گزار واقعی بدون شک دور از هر آلودگی است.

* نماز، رهبری به سوی خوبی ها، ظهوردهنده درستی ها، نجات دهنده از پستی ها، علاج کننده نادرستی ها، شفای مستی ها و درمان همه دردهاست.

* نماز، راهبر و رهبر وسیله قرب به داور و نسبت به عبادت های دیگر همچون جوهر و در دنیا و آخرت ناصر و یاور و بر تمام خوبی ها مصدر و بر جمله افراد بشر واجب است.

* نماز، برای زندگی بهترین حاصل و فاقد آن موجودی ناقابل و کشتی نشینان حیات را ساحل و برای راهروان راه، بهترین منزل و دل عشاق حقیقی به آن مایل و روح در حال پرواز را محمل و شمع روشنی بخش هر محفل و بین انسان و عذاب فردا حائل.

* نماز، در فرهنگ الهی، ریشه و بنیان و برای صورت حیات به منزله جان، بهترین دستور و حکم قرآن و امر واجب حضرت سلیمان و اجرایش بر همه کس سهل و آسان و نور صفا بخش دل های با ایمان و میوه باغ عرفان، برای بندگان عالی ترین احسان و صحیفه حق را بهترین عنوان و دردها را درمان و راه انسان به سوی رضوان الله اکبر است.

* نماز، عین هدایت، مغز ولایت، بهترین عنایت، برترین کفایت، محکم ترین وصایت، عالی ترین روایت، ریشه درایت، قابل رعایت، از عذاب الهی هر کس را کفایت، قرآن مجید را شدیدترین آیت، رساننده

انسان به حقیقت بی نهایت، بر پادارنده اش برای گرفتن فیض الهی قابل. (۱)

* خداوندا، ما را به صراط مستقیم انسانیت هدایت فرما و از جهل خودپسندی و ضلالت خودبینی مبرا کن و به محفل انس اربابِ عروجِ روحانی و مقامِ قدسِ اصحابِ قلوبِ عرفانی بار ده و حجاب های انانیتِ ظلمانی و انیتِ نورانی را از چشم بصیرت ما برافکن تا به معراج حقیقی نماز اهل نیاز واصل گردیم.

* یاد دارم که شبی در کاروان همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه ای خفته. شوریده ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتمش آن چه حالت بود؟

گفت: بلبلان را دیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه؛ اندیشه کردم که مرّوت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.

دوش مرغی به صبح می نالید

عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش

یکی از دوستان مخلص را

مگر آواز من رسید بگوش

گفت باور نداشتم که ترا

بانگ مرغی چنین کند مدهوش

گفتم این شرط آدمیت نیست

مرغ، تسبیح گوی و من خاموش

* الهی، عادت تو احسان است و عادت ما عصیان؛ پس ترک مده عادت خود را به تغییر عادت ما عاصیان؛ چه عادت های تو همه پسندیده و قدیم است و سنت های تو همه مرضیه و قویم؛ الهی تویی که معرفی به احسان و موصوفی به عفو و غفران؛ پس از ما عفو کن به احسان قدیم خود و بر ما ببخشا به منّ عظیم خود. (۱)

ای لطف بی نهایت تو دستگیر ما

انعام توست در دو جهان ناگریز ما

گر واقع است، در عمل ما تزلزلی

تو واقفی ز نیت و سرّ ضمیر ما

دنیا و آخرت ز تو خواهیم کز کرم

نعم الوکیل مایی و نعم النصیر ما

نومید کی شویم ز لطفت که هر سحر

آید ز حضرت تو ندا کای فقیر ما

خوش باش کز برای تو آماده کرده ایم

گنج عطای وافر و اجر کثیر ما

از تو نشان نبود در آن دم که می نوشت

نام تو بر جریده رحمت دبیر ما

آخر همان کنیم که از لطف ما سزد

هان استوار باش به فضل کبیر ما

چون در کمند عشق مقید شدی جنید

رو دولتی شناس که هستی اسیر ما

اشعار

اشعار

گوهر مقصود

ارزنده ترین گوهر مقصود نماز است

زیبنده ترین هدیه به معبود نماز است

کوبنده ترین اسلحه مکتب توحید

کز ریشه کند خصم تو نابود، نماز است

گفتم به خرد، پایه دین نبوی چیست؟

فریاد برآورد و بفرمود: نماز است

آن نکته رسول مدنی گفت به سلمان

سوی که به توفیق تو افزود نماز است

فرمود علی شیر خدا ساقی کوثر

در مکتب ما، مقصد و مقصود نماز است

گویند که با فضه چنین فاطمه فرمود
سرچشمه لطف و کرم و جود نماز است
در دادگه عدل خدا روز قیامت
از صلح حسن شاهد و مشهود نماز است
از آمدن کربلا آنچه به عالم
مقصود حسین بن علی بود، نماز است
ای آنکه تویی منتظر مهدی موعود
رمزی که نماید فرجش زود، نماز است
آن روز که آید ز پس پرده غیبت
اول هدف مهدی موعود، نماز است
«ژولیده» بگو تا همه خلق بدانند
نزدیک ترین راه به معبود نماز است

* * *

سرّ مناجات

تا روی دلت سوی خرابات نباشد
آگاهی ات از سرّ مناجات نباشد
ای زاهد خودبین، به خدا راه نیابی
تا عاشقی ات حاصل اوقات نباشد
جز یار نبینی اگر دیده شود باز

رو دیده بگو حاجت اثبات نباشد
عکس رخ جانان نپذیرد دل تنگت
گر سینه تو پاک چو مرآت نباشد
در صیقل اخلاص، بزن لوح درون را
کاین کار _ به تزویر به طامات نباشد
جز نامه انسان که ز عشقش شده نامی
کس در خور این فخر و مباهات نباشد
ایزدی کازرونی

بخش دوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش دوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

پیشنهادها و توصیه های کلی

برنامه های پیشنهادی

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

بایدها و نبایدهای نماز در رسانه

در این بخش، با بررسی مباحث رسانه و نماز (وضع فعلی و آینده)، به نقاط قوت و ضعف آن اشاره می کنیم. بی شک، توجه به امور مذهبی در رسانه ها یک موهبت الهی و قدرت و امکانی است که خداوند به برکت جمهوری اسلامی و قیام الهی امام خمینی رحمه الله به اهل ایمان بخشیده است:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ؛ کسانی که چون در زمین تمکنی به آنها دادیم نماز به پای دارند.»

صدا و سیما در راستای این وظیفه خطیر، به پخش مستقیم نمازهای جمعه، نماز عیدین و... می پردازد. از فعالیت های دیگر این رسانه می توان این موارد را برشمرد:

پخش آیاتی از قرآن و یا اشعاری مناسب پیش از اذان؛

ترجمه قرآن؛

دعای بعد از اذان؛

تأسیس شبکه قرآن در رادیو و همچنین شبکه معارف و پخش مسابقات قرآن.

نکته هایی که رعایت آنها جهت اجرای برنامه ها بهتر ضروری به نظر می رسد، بدین قرار است:

۱. برنامه نیایش به ویژه دعای کمیل در بیشتر موارد از حیث صدای گوینده و ایجاد حال بی کیفیت است، به گونه ای که به رفع تکلیف شبیه است و حتی بسیاری از افراد مذهبی نیز علاقه ای به شنیدن آن ندارند. بنابراین، رعایت حُسن صدا در این برنامه ها ضروری است.

۲. در کشور ما برخلاف کشورهای عربی، نوایی که تداعی کننده احساس مذهبی باشد، وجود ندارد. برای مثال، در کشور عراق: نوعی فلوت با آهنگی حزین و مخصوص، تداعی کننده یک احساس مذهبی و عامل جلب توجه به امور عبادی است.

۳. تبلیغ نشدن احادیث مربوط به نماز در برنامه ها برای مثال، در عراق هنگام پخش برنامه اذان، معمولاً از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حدیثی با صوتی دل نشین خوانده می شود.

۴. نبود برنامه های تبلیغی برنامه ریزی شده و مرحله ای در جهت تبلیغ، تقویت و تعمیق نماز و نزدیک کردن مردم به معنای نماز واقعی. (در قسمت های بعد درباره تبلیغ و تقویت و تعمیق نماز بیشتر توضیح خواهیم داد).

۵. پخش نشدن تصاویر مناسب هنگام اذان. برای مثال، یک جوی کوچک آب برای همه تداعی گر احساس مذهبی نیست، ولی تصویر نماز حضرت امام در بیمارستان، خود، نوعی تبلیغ است.

۶. نبود هماهنگی در پخش برنامه ها بین شبکه های سیما، به گونه ای که گاهی یک برنامه بسیار مهم و حساس (روایت فتح) از یک شبکه پخش می شود و در همان لحظه، فیلم کمدی و جذاب تری از شبکه ای دیگر پخش می شود یا پخش سریال یا فیلم پرطرف دار بعد از اذان سبب تأخیر نماز افراد نماز گزار می شود. در حدیث آمده است: مادامی که مؤمن به حفاظت از نماز اول وقت پردازد، شیطان در مقابل او ضعیف است. ولی اگر به تأخیر آن عادت کرد، حتی در گناهان بزرگ هم خواهد افتاد. از این رو، شایسته است پس از اذان، برنامه مذهبی، ادبی یا عرفانی پخش گردد.

۷. مسئله دیگر در پخش برنامه پس از اذان، مسئله تبلیغ کالا است. در حدیث آمده است: «دنیا و آخرت همانند هوو هستند؛ یعنی هیچ گاه این دو با هم در دلی جای نمی گیرند».

بی شک، در تعلیم و تربیت، شناخت مخاطب امری ضروری است. از این رو، برنامه های مذهبی صدا و سیما باید با نیازهای معنوی گروه های مختلف جامعه متناسب باشد.

خانواده ها و نماز

نماز گزاران به چند گروه تقسیم می شوند:

۱. نماز گزار آگاه و مقید: این گروه بیشتر به زنده بودن شعائر مذهبی، از جمله نماز در صدا و سیما و جامعه حساسیت دارند. از این رو، نیاز آنان تقویت روحی و تشویق در تعمیق نماز و عمل به اسرار آن است.

۲. نماز گزاران سنتی: این گروه بیشتر به تقویت روحی و تشویق به ادامه مسیر نیاز دارند. از این رو، صدا و سیما در برنامه های خود باید با استفاده از احادیث و آیات تبشیری و اندازی (تشویق و تقدیر) هم آنان را امیدوار به عمل خود کند و هم از خطر سستی بترساند (زیرا آگاهی در بین این گروه کم است).

۳. کاهل الصلاه: سیاست و روح برنامه های صدا و سیما برای این گروه، باید بیشتر انذار و ترساندن و بعد تقویت باشد که کارسازتر است.

۴. تارك الصلاه: این افراد به چند گروه تقسیم می شوند:

الف) بی اعتقاد: این افراد به دلیل گرایش های غربی به بیشتر برنامه های صدا و سیما توجهی نشان نمی دهند. این گروه اگر دارای عناد یا قلب منکوس باشند، با هیچ برنامه ای نمی توان مطلبی به آنان القا کرد. در غیر این صورت، باید از زبان قوم استفاده کرد؛ به این معنا که چون آنان مستندات دیگر را بهتر از حدیث و آیه می پذیرند، بهتر است در برنامه های صدا و سیما به تأثیر نماز و دیگر امور معنوی از زبان صاحب نظران غربی پرداخت و یا به تحقیقات مراکز درمانی غرب درباره تأثیر نماز و دعا اشاره کرد تا از این راه، مخاطب بیشتری جلب گردد.

ب) معتقد غیر مقید: با توجه به اینکه این گروه بیشتر از میان خانواده های

مذهبی هستند، انجام فریضه نماز را از سر اجبار و تکلیف می دانند. با توجه به آگاهی این گروه از ضرورت دین، استفاده از روش های مذهبی ها و غیرمذهبی ها در برنامه ها ضروری است.

ج) معتقد راغب غیرمقید: این گروه با وجود میل باطنی به انجام فریضه نماز، به دلیل شرایط خاص، مانند محیط خانواده، احساس حقارت و ناهماهنگی بین شیوه رفتار گذشته با طریقه جدید خویش، کم رویی و خجالت در به جا آوردن نماز و... عامل به نماز نیستند. نیاز این گروه تقویت روحی و اعتماد به نفس و تقویت اعتقاد و روحیه مؤمن بودن است تا جسارت به جا آوردن این فریضه را پیدا کنند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «در طریق هدایت از کمی اهل آن نگران نباش». به عبارت دیگر، در عمل به دین، حیا نیست.

پیشنهادها و توصیه های کلی

پیشنهادها و توصیه های کلی

جهت انتقال معارف نماز به جامعه و افکار مردم و غنی سازی برنامه های صدا و سیما در تقویت فرهنگ نماز، شیوه های مختلفی وجود دارد که پیش از پرداختن به آن نکات بسیار مهمی را درباره محتوا و شیوه کار برنامه هایی که با هدف تقویت ایمان و روحیه معنوی جامعه انجام می گیرد، یادآور می شویم، سپس نوع برنامه های مفید را ذکر خواهیم کرد:

۱. توجه برنامه ریزان صدا و سیما به پرهیز از دنیاگرایی: حضرت علی علیه السلام می فرماید: إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِيدَانِ مُتَفَاوِتَانِ، وَ سَيِّلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا

و تَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةِ وَ عَادَاهَا... كَلَّمَا قَرَّبَ مِنْ وَاحِدٍ بَعْدَ مَنْ الْآخِرَ (۱)

دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت از هم و دو راه مختلف اند. پس هر کس دنیا را دوست بدارد، آخرت را دشمنی می کند... هر قدر به یکی نزدیک شود، از دیگری (به همان اندازه) دور می شود.

بنابراین، هر چه با تبلیغ مُید و کالاهای مصرفی، ذهن مردم به دنیا گرایش پیدا کند، به یقین به همان اندازه، روح زهد و دل بستن به دنیا و ظواهر آن در وجود آنها از بین می رود.

۲. تذکار و تکرار نکات مثبت: امام علی علیه السلام می فرماید:

«قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ» (۲) از این رو، تکرار یک مطلب مهم و مثبت از بیان صد مطلب غیرضروری بهتر است.

۳. توجه به آموزه های اسلام در پرورش و تربیت روح انسان: قرآن کریم هیچ گاه با تشویق یک سویه، مردم را به دین و پرهیز از انحراف در دین دعوت نمی کند، بلکه از سیاست انذار و تحذیر هم استفاده می کند.

قرآن به رسول گرامی صلی الله علیه و آله خویش می فرماید:

حتی به رسول گرامی خویش می فرماید: اگر بر ما گفته هایی ببندد، رگ های گردن او را خواهیم برید... این تحذیرها و ترساندن ها، غفلت و خوش خیالی را از ذهن انسان دور می کند.

۱- نهج البلاغه، ص ۱۱۳۳، حکمت ۱۰۰.

۲- نهج البلاغه، ص ۱۱۲۲، حکمت ۲۷۰.

از این رو، صدا و سیما باید در وادار کردن مردم به تفکر (که در برنامه های صدا و سیما چنین امری مشاهده نمی شود) از طریق یادآوری یاد مرگ و قیامت و تاکید بر گذرا بودن این زندگی، نقش اساسی ایفا کند.

بسیاری از مطالب نهج البلاغه در نکوهش دنیا و دنیاگرایی و تذکر در جهت بیداری انسان است که پسندیده است در برنامه های صدا و سیما به آن توجه شود.

۴. یکی از عوامل موفقیت در امر تعلیم و تربیت روحی و اخلاقی، ایجاد انگیزه از طریق ایجاد افق فکری بالا است.

باید توجه داشت که عصمت به خاطر افق فکری بالا- در شناخت واقعیت های هستی است و تحمل مشقت ها در اعمال و عبادت ها به دلیل شناخت هدف ها است. از این رو، در تمام برنامه های صدا و سیما باید راه های ایجاد انگیزه و بالا بردن سطح آگاهی های انسان شناسی و هستی شناسی و ارتباط عبادت با پیشرفت روحی و اخلاقی، از متون دینی استخراج و با شیوه ائمه دین علیهم السلام به مردم القا شود.

صدا و سیما و پیشبرد فرهنگ نماز

مقام معظم رهبری می فرماید:

در صدا و سیما نماز همچون موضوعی که باید به همه آموخت، تلقی گردد و در برنامه ای جداگانه یا در دل برنامه های گوناگون، از آن سخن رود و اعماق و رازها و درس های آن برای همه

مردم بیان گردد. (۱)

صدا و سیما نه تنها یک دانشگاه عمومی و تأثیرگذار است، بلکه یک آینه عیب نمای جامعه هم می تواند باشد. از این رو، صدا و سیما می تواند در موارد زیر بر استحکام جایگاه نماز در جامعه، نقش آفرینی کند:

۱. آموزش عمومی و بالا- بردن سطح آگاهی جامعه؛ از طریق بیان اهمیت نماز با استناد به آیات و روایات، توجه دادن مردم نماز گزار به مراتب و مقامات اهل نماز در جهت تشویق آنان به تلاش و تکراری نشدن امر نماز و عبادت، بیان شرح حال بزرگان و درجات آنان، بیان قصه ها و داستان های مربوط به نماز، آموزش و اصلاح فرهنگ نماز گزاران از راه بیان اخلاق و اعمال خاص آنان که در قرآن و حدیث آمده است؛ همچنین چگونگی استفاده از آب به هنگام وضو گرفتن و خلاصه توجه دادن اهل نماز به انتظار مردم از آنان و... .

۲. آموزش ویژه خانواده ها؛ با توجه به نقش اساسی والدین در تربیت فکری کودک، می توان با برنامه های متنوع و جذاب خانوادگی اهمیت تأثیر و نقش نماز در سلامت روحی فرد را القا کرد.

۳. اصلاح افکار عمومی (اعم از مذهبی ها و غیر آنان) در مورد نماز؛ از جمله اصلاح تصورهای غلط و عامیانه در نزد مردم که بیشتر

۱- نماز؛ گنجینه رمز و راز پیام های مقام معظم رهبر به مجامع سراسری نماز، پیام چهارم، ۱/۶/۷۳، ص ۲۹.

پیشرفت های علمی و تکنولوژی را مدیون افراد غیرمذهبی می دانند، یا نماز را بیشتر یک عبادت شخصی تصدیق می کنند.

۴. تبلیغ نماز به روش های جدید و با استفاده از نظر مردم.

۵. بازگو کردن مشکلات نمازگزاران و نمازگزاری از طریق تهیه گزارش (در قسمت های بعد راه های تهیه گزارش بیان می شود).

برنامه های پیشنهادی

برنامه های پیشنهادی

مواردی که به نظر می رسد تا حدودی در تبلیغ نماز مؤثر باشند، در چند نوع به شرح ذیل پیشنهاد می شود:

۱. اصلاح برنامه های فعلی (که ایرادهای آن پیش تر گفته شد): بهتر است ترجمه های قرآن و دعا در سیما، در یک ستون عمودی یا افقی قرار گیرد تا بیننده مفهوم آن را با دقت بیشتر درک کند و تأثیر و کارآیی این شیوه از عبور پیوسته و خطی ترجمه در مقابل چشمان خواننده بهتر است.

۲. انتقال مطالب جالب توجه در موضوعات گوناگون مربوط به نماز از طریق شبکه پیام.

۳. مصاحبه درباره نماز که شیوه های ذیل پیشنهاد می گردد:

الف) میزگرد و مصاحبه با حضور هنرمندان و ورزشکاران متعهد و محبوب مردم؛

ب) میزگرد و یا مصاحبه با شخصیت های علمی داخلی و خارجی در مورد اثر نماز و عبادت؛

ج) مصاحبه با کسانی که در جامعه ما با روی آوردن به نماز از مشکلات و گرفتاری‌های پیدا کرده‌اند؛

د) محور قرار دادن بحث‌های اجتماعی نماز و پی‌آمدهای آن در «برنامه خانواده».

۴. یکی از راه‌های بیان موانع و مشکلات موجود برای نمازگزاران تهیه گزارش می‌باشد. از جمله:

الف) تهیه گزارش از مدرسه‌ها و بررسی مشکلات ظاهری و معنوی نمازگزاران در مدرسه؛

ب) تهیه گزارش از مشکلات نمازگزاران در مسیرهای شهری و بین شهری از زبان مسافران، رانندگان، غذاخوری‌ها و...؛

ج) تهیه گزارش از زندان‌ها و... و بررسی ارتباط بزهکاری و جرم با بی‌نمازی و بی‌سوادی؛

د) تهیه گزارش از مساجد و رابطه کودکان و نسل جوان با این مکان مقدس و یادآوری نکات لازم و توصیه‌های دینی در رابطه با این نسل و ارائه برخورد صحیح.

۵. فیلم و سریال‌ها:

الف) ساختن فیلم و سریال در مورد اثر نماز و عبادت در زندگی افراد؛ مانند سرگذشت عارف معروف فضیل عیاض که زمانی راهزنی معروف بود و سرانجام از گذشته خویش برگشت.

ب) ساختن فیلم و سریال درباره نقش افراد نمازگزار، یا بی نماز در زندگی افراد. از جمله در مورد مسائل ازدواج و ملاک های آن در ابتدای تشکیل خانواده، روابط اجتماعی و...

ج) همچنین ساخت فیلمی که در آن دو دوره زندگی یک فرد، یعنی دوره بی قیدی و بی نمازی و دوره روی آوردن به نماز و اثر مثبت آن نمایش داده شود.

۶. یکی دیگر از راه های آشنا کردن افراد با اثرات فردی و اجتماعی نماز، برگزاری مسابقه های مختلف است. متأسفانه بیشتر مسابقات صدا و سیما بر محور پول دور می زند، بدون آنکه هدف فرهنگی و معنوی خاصی مدنظر باشد.

۷. یکی دیگر از راه های گسترش فرهنگ نماز، استفاده از برنامه های مختلف سیما در ایام ویژه است، از جمله ایام ولادت و شهادت امامان معصوم علیهم السلام و بیان سخنانی از آنها درباره نماز؛ ایام بزرگداشت شخصیت های علمی _ مذهبی و نیز تهیه برنامه در مورد کنگره های ستاد اقامه نماز و نشان دادن واقعیت ها با آمار و ارقام ظاهری، به منظور جدی گرفتن مسئله نماز و توجه به حقیقت نماز.

۸. سوژه:

استفاده از سوژه های داستانی جهت برنامه سازی؛ از جمله: داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر و نیز داستان دختر پادشاه و جوان خارکن (۱).

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

اشاره

موضوع های داستانی جهت برنامه سازی

زیر فصل ها

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

داستان دختر پادشاه و جوان خارکن

عالم بزرگ، عارف عاشق، مرحوم ملااحمد نراقی در کتاب ارزشمند طاقدیس داستانی را در محور نماز به نظم نقل می کند که مضمون آن به شرح زیر است:

در کنار شهری خارکنی زندگی می کرد که فقر و فاقه او را به شدت محاصره کرده بود. روزها در هوای گرم، با زحمت فراوان مشغول خارکنی بود و پس از به دست آوردن مقداری خار، آن را بر پشت خود به شهر می آورد و به ثمن بخش به خریداران می فروخت.

روزی صدای «دور شو، کور شو» شنید و جمعیتی را با آرایش فوق العاده در حرکت دید. برای تماشا به کناری ایستاد. دختر زیبای امیر شهر به شکار می رفت و آن دستگاه و عظمت از آن او بود.

در گیرودار حرکت دختر امیر، چشم جوان خارکن به جمال خیره کننده او افتاد و دل و دین یکجا در برابر زیبایی خیره کننده او سودا کرد. مأموران شاه سر رسیدند و به او نهیب زدند تا از سر راه شاه کنار برود، ولی جوان خارکن که طاقتش را از دست داده بود، به حرف آنان توجهی نکرد.

قافله عبور کرد و جوان ساعت ها در اندوه و حسرت می سوخت. توان کار کردن نداشت، لنگ لنگان به طرف شهر حرکت کرد.

آمد اندر شهر با صد درد و سوز
روز آوردی به شب، شب را به روز
یک دو روزی با غم و اندوه ساخت
روزها می سوخت، شبها می گداخت
عقلش از سر برگ رفتن ساز کرد
صحتش از تن، سفر آغاز کرد
پایش از رفتار و دست از کار ماند
جای سبحة بر کفش زُناَر ماند

به حال اضطراب افتاد. دل خسته و افسرده شد. راه به جایی نداشت. میل داشت بدون هیچ شرطی، وسیله ازدواج با دختر شاه برایش فراهم شود. دانشوری آگاه او را دید و از احوال درویش باخبر شد. تا می توانست او را نصیحت کرد، ولی پند دانشور بی فایده بود. آنچه او را آرام می کرد، فقط رسیدن به وصال محبوب بود. دانشور به او گفت: تو که از حسب و نسب، جاه و مال، شهرت و اعتبار و به خصوص جمال و زیبایی بهره ای نداری، این خواسته تو تحققش محال است. اکنون که راه به بن بست رسیده، برای پیدا شدن فرج و چاره شدن درد، راهی جز رفتن به مسجد و قرار گرفتن در محراب عبادت نمی بینم. مقیم عبادت گاه شو. شاید از این طریق به کسب اعتبار و شهرت نائل شوی و در کارت فرجی حاصل شود.

من نمی بینم غمت را چاره ای

جز نماز و خلوت و سی پاره ای

رشته تسبیح در گردن فکن

دست اندر دامن سجاده زن

خرقه صد وصله و تحت الحنک

بوریا ی کهنه و نان و نمک

تا مگر بفریبی از این عامه ای

گرم سازی بهر خود هنگامه ای

خارکن فقیر پند دانشور را به کار بست. کوه و دشت و کار و کسب خویش را رها کرد و به مسجدی که نزدیک شهر بود و از صورت آن جز ویرانه ای باقی نمانده بود، رفت و بساط عبادت خود را جهت جلب انظار در آنجا پهن کرد.

روزها در روزه، شبها در نماز

در دعا، گه آشکار و گه به راز

خرقه اش پشمینه و نان شب جوین

از سجودش داغ ها بس بر جبین

جز رکوع و جز سجودش کار نه

جز ضرورت با کسش پیکار نه

کثرت عبادت و به خصوص نمازهای پی در پی، به تدریج او را در میان مردم مشهور کرد. آهسته آهسته ذکر خیرش دهان به دهان گشت و همه جا سخن از او به میان آمد.

ذکر خیرش آیه هر محفلی

طالب او هر کجا، اهل دلی

شد دعایش دردمندان را دوا

منزلش بیچارگان را مرتجا

کلبه اش شد قبله حاجات خلق

او همی خندید بر خود زیر دلخ

می شدی در کوی او غوغای عام

او نمی گفتی کلامی جز سلام

خاک پایش ارمغان عامه شد

بهر آب دست او هنگامه شد

تا شد آگه پادشه از کار او

شد ز هر سو طالب دیدار او

سخن از عبادت و پاکی و رکوع و سجود او در میان مردم چنان شهرت گرفت که آوازه آن به گوش شاه رسید و شاه با کمال اشتیاق قصد دیدار او کرد!!

شاه روزی از شکار باز می گشت، مسیرش به کلبه عابد افتاد. برای دیدن او عزم خود را جزم کرد و همراه با ندیمان با کوکبه شاهی قدم در مسجد خرابه گذاشت.

آمد و دید آن جوان را در نماز

عالمی بر گرد او با صد نیاز

محو طاعت گشته چون عشاق مست

ملتفت نی تا که رفت و که نشست

بر سرش مو افسر و خاکش سریر

نی خبر از شاه او را، نی وزیر

جلوه کرد اندر بر شه، حال او

مرغ جانش شد اسیر چال او

گاه و بی گاهش زیارت می نمود

وز زیارت بر خلوصش می فزود

پس سر صحبت بر او باز کرد

گفت و گو از هر طرف آغاز کرد

عاقبت گفتش که ای زیبا جوان

ای تو را در قاف طاعت آشیان

هر چه آداب سنن شد از تو راست

غیر یک سنت که تا اکنون به جاست

مصطفی گفت النکاح سنتی

من رغب عن سنتی لا امتی

پادشاه پس از دیدار با خارکن فقیر و دیدن وضع او، به ارادتش افزوده شد، شاه تصور می کرد به خدمت یکی از اولیای بزرگ الهی رسیده است. تنها کسی که خبر داشت همه عبادت و آه و ناله، قلابی و توخالی است، خود خارکن بود. در هر صورت، سر سخن را با آن جوان عابد باز کرد و کلام را به مسئله ازدواج کشید. سپس با یک دنیا اشتیاق، داستان دختر خود را مطرح کرد که ای عابد شب زنده دار، تو تمام سنت های اسلامی را رعایت کرده ای، مگر یک سنت مهم و آن هم ازدواج است. می دانی که رسول اسلام بر مسئله ازدواج چه تأکید سختی داشت. من از تو می خواهم به اجرای این سنت هم برخیزی و فراهم آوردن وسیله آن هم با من؛ علاوه بر این میل دارم که تو را به دامادی خود بپذیرم؛ زیرا در پرده خود، دختری دارم آراسته به کمالات و از لطف الهی از زیبایی خیره کننده ای هم برخوردار است، من از تو می خواهم به قبول پیشنهاد من تن در دهی، تا من آن پری روی را با تمام مخارج لازمه در اختیار تو قرار دهم!!

چون جوان خارکن این را شنید

هوشش از سر رفت و دل در بر طپید

آنچه دید آن دم جوان خارکن

من چه گویم تو می دانی و من

آری آن داند که بعد از انتظار

مژده او را رسد از وصل یار

جوان پس از شنیدن سخنان شاه در حیرت فرو رفت و در جواب شاه سکوت کرد. شاه به تصور اینکه حجب و حیا و زهد و عفت مانع از جواب اوست، چیزی نگفت. از جوان خارکن خداحافظی کرد و به کاخ خود رفت، ولی تمام شب در این فکر بود که چگونه این مرد را به ازدواج با دخترش وادار کند؟!

شاه داستان عابد را با یکی از دانشوران تیزبین و با بصیرت خود در میان گذاشت و گفت: به خاطر خدا و برای اینکه از قدم او زندگی من غرق برکت شود، وی را به ازدواج و وصلت حاضر کن.

عالم آمد و پس از گفت و گوی بسیار و اقامه دلیل و برهان و خواندن آیه و خبر، جوان را راضی به ازدواج کرد. سپس نزد شاه آمد و قبولی عابد را به سلطان خبر داد. سلطان از این مسئله چنان خوشحال شد که در پوست نمی گنجید:

با بشارت باز گردید آن رسول

کرد آگه پادشه را از قبول

پس به امر شاه بزم آراستند

هم خطیب و شیخ و قاضی خواستند

در زمانی از نحوست ها بری

عقد زهره بسته شد با مشتری

پس به خلوتگاه خاص از بهر سور

زیب و زیور یافت کاخی از بلور

تخت زرین اندر آن بگذاشتند

پرده های زرنگار افراشتند

شهر را بهر قدم آن جوان

داده زیب جمله بازار و دکان

شمع و مشعل هر قدم افروختند

عود و صندل را به هر ره سوختند

مأموران شاه به مسجد آمدند و با خواهش و تمنا لباس شاهی به او پوشاندند و او را در محاصره مأموران با کبکبه و دبده به شاهی به قصر آوردند. در آنجا غلامان و کنیزان دست به سینه برای استقبال او صف کشیده بودند و امیران و دبیران و سپاهیان جهت احترام به داماد شاه، گوش تا گوش ایستاده بودند!

وقتی قدم در بارگاه شاه گذاشت و چشمش به آن همه جلال و شکوه و سطوت و عظمت افتاد، غرق در حیرت شد و ناگهان برق اندیشه، درون جان تاریکش را روشن کرد که من همان جوان فقیر و بدبختم، من همان خارکن مسکین و دردمندم، من همانم که مردم عادی حاضر نبودند سلامم را جواب دهند، من همان گدای دل سوخته ام که از تهیه قرص نانی جوین و پارچه ای کهنه عاجز بودم، من همان پریشان عاجز و بینوای مستمندم!!

چون قدم در بارگاه شه نهاد

آمدش از روزگار خویش یاد

روزگار ذلت و پستی خویش

بینوایی و تهی دستی خویش

روزهای گرم و آن هیزم کشی

شام های سرد و آن بی آتشی

نکبت و ادبار بیش از پیش خود

خاطر زار و دل پرریش خود

آن پریشانی و آن بیچارگی

از در هر خانه و آوارگی

از دل پر درد و دست کوتاهش

رنج بی اندازه سال و مهش

نال شب ها و درد روزها

ساختن در روز و شب با سوزها

و آنچه می خواهد ز بهر خود کنون

آنچه از وصف و بیان باشد فزون

پادشاهی، از پس هیزم کشی

از پس آن ناخوشی ها، این خوشی

شمع کافور و چراغ زرنگار

از پس تاریکی و شب های تار

وصل جانانی چه جانان جانِ جان

قصر شاهنشاهی و وصل حبیب

خلوتی خالی ز اغیار و رقیب

زین تفکر روزنی بر دل گشاد

نوری از آن روزنش بر دل فتاد

فکرت آمد قفل دل ها را کلید

در گشاید چون کلید آمد پدید

فکرت آمد همچو باران بهار

ساحت دل ها بود چون کشتزار

زین سبب گفت آن رسول سرفراز

فکر یک ساعت به از سالی نماز

بلکه باشد بهتر از هفتاد سال

این سخن مهمل ندانی ای همال

جوان بر اساس آیات الهی به فکر فرو رفت. اندیشه در امور، در درون انسان قدرتی ایجاد می کند که آدمی با آن قدرت می تواند از صفحه خاک به عالم پاک پرواز کند؛ انسان را از ذلت به عزت، از پستی به بلندی، از مذلت به رفعت، از جهنم به بهشت می برد. اندیشه، عالی ترین حال الهی است که به انسان دست می دهد و بهترین کمک برای انسان جهت رهایی از هلاکت و حرکت به سوی سعادت است.

فکر کرد که من همان خار کنم که بر اثر عبادتِ میانِ تهی و طاعتِ ریایی به این مقام رسیدم، آه بر من، حسرت و اندوه از من که اگر به عبادت حقیقی و طاعت خالص اقدام می کردم، چه می شدم!؟

پس دل بی هوش او آمد، بهوش

گفت در گوش دلش آن گه سروش

کانچه می بینی ز عزّ و مال و جاه

وصل معشوق و نیاز پادشاه

دست بوس شاه و پابوس امیر

روی بوسِ آن نگار دل پذیر

سربه سر تأثیر رسم طاعتست

رسم طاعت را چنین خاصیت است

خود نتیجه صورت طاعات توست

مزد طاعت های بی نیت توست

قیمت کالای روی اندود توست

اجرت سعی غرض آلود توست

میوه بید و صنوبرهای توست

سود سوداهای پرفرای توست

آمدی این دست مزد پای توست

این جواب لفظ بی معنای توست

این بهای آن مبارک مژده است

این گلاب آن گل پژمرده است

هیچ کاری نزد ما بی اجر نیست

هیچ صبحی نه که او را فجر نیست

گر چه کالای تو بس نابود بود

لیک نزد ما کجا مردود بود

خویشتن را وانمودی آن ما

آن ما کی رفته بی احسان ما

گر نه از ما بودی اما ای فتی

پیش مردم خود را خواندی ز ما

هین بگیر این مزد صورت کاریت

این ثواب و اجر ظاهر داریت

در غوغای پر از آرایش ظاهری دربار، چشم بصیرت خارکن باز شد و جمال دوست در آینه دلش تجلی کرد، با قدم اراده و عزم استوار، پای از دربار بیرون گذاشت و از کنار و آغوش آن پری وش کنار گرفت و برای آراستن وجودش به علم و عمل واقعی، به سوی زیبایی مطلق عالم به حرکت آمد.

وقتی نماز میان تهی و الفاظ بی معنا و نیت آمیخته با شایبه ریا، این گونه برای حل مشکل مدد کند، نماز واقعی و عبادات خالصانه و طاعت بی ریا چه خواهد کرد؟

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

داستان گوهرشاد خاتون و جوان فقیر

کنار مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه، به منظور عبادت زائران و طاعت مطیعان و تدریس مدرسان به مسجدی نیاز بود تا اینکه خانمی دین دار، موسوم به گوهرشاد، همسر شاهرخ میرزا به این فکر افتاد. او تمام خانه ها و زمین های اطراف را برای ساختن مسجد خرید و تنها یک پیرزن حاضر نشد محل مسکونی خود را بفروشد. گوهرشاد خانم از خریدن آن منصرف شد؛ زیرا نمی خواست در ساختن مسجد به احدی کمترین ظلمی شود. پس از ساخته شدن مسجد، آن پیرزن هم خانه خود را به عنوان محل عبادت وقف کرد و سالیان دراز در وسط مسجد گوهرشاد، مسجد پیرزن تجلی داشت.

از طرفی دستور داد در آوردن مصالح ساختمانی، کسی حق ندارد حیوان بارکشی را تند براند یا با تازیانه و چوب بزند همچنین دستور داد با کارگران و زیردستان در کمال محبت رفتار کنند و به زیردستان خود در برنامه کار تحکم نکنند و سعی کنند کارگران را در کمیت کار آزاد بگذارند. از این رو، این مسجد یکی از پربرکت ترین مساجد روی زمین است و ساعتی در شبانه روز نیست که در این مسجد عبادت و نماز و قرآن و دعا و تعلیم و تعلم برپا نشود.

ساختن مسجد شروع شد و گوهرشاد خانم هر چند روز یکبار جهت سرکشی به ساختمان به محوطه کار می آمد و دستورهای لازم را به معماران و استادکاران می داد. روزی برای سرکشی ساختمان آمد، باد

مختصری وزیدن گرفت گوشه چادر خانم به وسیله باد کنار رفت. یکی از عمله‌ها چهره او را دید و دل باخته آن زن شد. جرئت اظهار نظر برای او نبود؛ زیرا بیم آن داشت که او را اعدام کنند. عمله و اظهار عشق به ملکه مملکت!!

دو سه روزی نگذشت که آن کارگر مریض شد. پرستارش تنها مادر دردمندش بود. طیب از علاج او عاجز شد، مادر مهربان کنار بستر تنها فرزندش گریه می کرد. فرزند چاره‌ای ندید جز اینکه دردش را به مادر اظهار کند. مادر ساده دل، برای رفع این مشکل به گوهرشاد خانم مراجعه کرد و درد فرزندش را با او در میان گذاشت و علاج آن را از آن زن بزرگوار خواست و به او گفت اگر اقدام نکنی، تنها پسر من از دستم می رود و در قیامت، دامن تو را جهت خون خواهی فرزندم خواهم گرفت.

گوهرشاد خانم از این داستان بسیار ناراحت شد و به آن مادر دل سوخته گفت: چرا این مشکل را زودتر با من در میان نگذاشتی تا بنده‌ای از بندگان خدا را از گرفتاری نجات دهم. آن گاه گفت: ای مادر به خانه برو و سلام مرا به او برسان و بگو من حاضرم با تو ازدواج کنم، ولی شرطی را باید من رعایت کنم و شرطی را باید تو رعایت کنی. شرطی که من باید رعایت کنم، جدایی از شاهرخ است، ولی شرطی که تو باید رعایت کنی، پرداختن مهریه من است و آن مهریه این است که چهل شبانه روز در محراب زیر گنبد مسجد نماز بخوانی و ثوابش را به عنوان مهریه من قرار دهی.

مادر به خانه برگشت و تمام مسائل را با پسر خود در میان گذاشت. پسر از شدت تعجب خیره شد و از این خبر چنان شادمان شد که به زودی از بستر رنج برخاست و با کمال اشتیاق، پرداخت این مهریه را به عهده گرفت و پیش خود گفت، چهل روز که چیزی نیست. اگر چند سال به من پیشنهاد می شد، حاضر به اجرای آن بودم. در هر صورت به محراب عبادت رفت و چهل شبانه روز برای رسیدن به وصال گوهرشاد خانم عبادت کرد، ولی به تدریج، به توفیق حضرت الهی به راه دیگر افتاد.

پس از چهل شبانه روز، نماینده گوهرشاد خانم به محراب عبادت آمد تا از حال او خبردار شود چون با او سخن گفت، دید اهمیتی نمی دهد. گفت من نماینده گوهرشاد هستم و جهت خبر گرفتن از حال تو و گزارش به خانم آمده ام. گفت: به خانم بگو من نمی توانم برای رسیدن به وصال تو از محبوب واقعی عالم حقیقی جهان دست بردارم، برو به او بگو:

اگر لذت ترک لذت بدانی

دگر لذت نفس، لذت نخوانی

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. دیدگاه شما درباره نماز چیست؟
۲. در مورد نماز و اهمیت آن از نظر اسلام چه اطلاعاتی دارید؟
۳. نماز در ادیان دیگر الهی چه اهمیتی داشته است؟
۴. به نظر شما قدمت نماز در ادیان الهی چقدر است؟
۵. آیا می دانید هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام متولد شد، در مورد نماز چه فرمود؟ (در آیه ای از قرآن ذکر شده است)
۶. آیا می توانید جملاتی از پیامبران الهی در مورد نماز که در قرآن آمده است، ذکر کنید؟
۷. پیامبر اسلام در سخن معروف خود نماز را به چه چیزی تشبیه فرموده اند؟
۸. آیا می دانید که ائمه معصومین علیهم السلام به هنگام رحلت از این عالم، بستگان خود را به چه چیزی سفارش می کرده اند و از چه چیزی بر آنها اتمام حجت می کردند؟
۹. آیا می توانید به نمونه هایی از تاریخ اسلام که ائمه علیهم السلام در سخت ترین شرایط بالاخص هنگام نبرد به نماز پرداخته اند، اشاره کنید؟
۱۰. از آثار مختلف نماز چه می دانید؟
۱۱. مطابق کلام امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، هدف از نماز از لحاظ اخلاقی، دور کردن انسان از چه ویژگی منفی است؟
۱۲. به نظر شما مهم ترین اثر نماز در زندگی انسان چیست؟

۱۳. قرآن مهم ترین تأثیر نماز را برای فرد چه می داند؟

۱۴. آثار به جا آوردن نماز در احادیث ائمه علیهم السلام چیست؟

۱۵. آثار ترک (در دنیا و آخرت) در احادیث کدامند؟

۱۶. نماز تا چه اندازه و چگونه در مهار و خنثی کردن تهاجم فرهنگی بیگانگان موثر است؟

۱۷. اهل واقعی نماز چه ویژگی هایی دارند؟

۱۸. قرآن در آیه ای می فرماید: «وای بر نماز گزاران»؛ منظور چه کسانی هستند؟

۱۹. بر اساس آیه قرآن، نتیجه روگردانی از ذکر و یاد حق چیست؟

۲۰. هنگامی که از مجرمان (اهل دوزخ) پرسیده می شود که چه چیز شما را در آتش افکند، چه پاسخی می دهند؟ (سوره مدثر)

۲۱. چرا در قرآن از حاضر شدن به نماز، در حال مستی و بی توجهی نهی شده است؟

۲۲. خداوند ما را به «خواندن» نماز فرمان داده است یا به «اقامه» نماز و به پا داشتن آن؟

۲۳. معنای این جمله چیست: «نماز را غیر از این ظاهر، باطنی است»؟

۲۴. معنای نماز صوری و نماز واقعی چیست؟

۲۵. «قربه الی الله» در نیت نماز یعنی چه؟ (معنای نزدیکی به خدا چیست؟)

۲۶. با چه شرایطی می توان به خدا نزدیک شد؟

۲۷. از اسرار نماز چه می دانید؟

۲۸. آیا می توانید تعدادی از اسرار نماز را برشمارید؟

۲۹. معنای حضور قلب در نماز چیست؟

۳۰. برای حضور قلب داشتن در نماز چه باید کرد؟

۳۱. وظیفه انسان در برابر محافظت بر نماز چیست؟

۳۲. بر اساس دستور قرآن و ائمه علیهم السلام وظیفه انسان در برابر نماز و نماز در برابر انسان کدام است؟

۳۳. وظیفه هر شخصی در مقابل وادار کردن دیگران (مخصوصا اهل خانواده خود) به نماز چیست؟

۳۴. به نظر شما نمازگزاری در موفقیت دانشمندان و جویندگان علم چه نقشی داشته است؟ آیا می توانید نمونه هایی از استمداد علما و دانشمندان از نماز را ذکر کنید؟

۳۵. به نظر شما چه تعداد از افراد موفق در عرصه مسابقات علمی و... (به ویژه نوجوانان و جوانان) مقید به نماز و عبادت و استمداد از حق تعالی هستند؟

۳۶. فرق زندگی و آرامش روحی افرادی که با یاد حق زندگی می کنند، با غیر آنان چیست؟

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. معنای کلی عبادت چیست؟ (تعاریف گوناگون)

۲. اقسام عبادت کدام است؟ و برترین آنها در دین کدام عبادت ها است؟

۳. نماز در میان عبادت ها، چگونه ترسیم شده است؟

۴. در قرآن و روایات به ظاهر «اقامه صلاه» مدنظر است، چگونگی و مفهوم اقامه نماز چگونه است؟

۵. فرق اقامه با قرائت در چیست و کدام یک از آنها در جامعه ما رواج یافته است؟

۶. رکن اساسی در اقامه نماز، توجه به چه مسئله ای است؟

۷. قرآن در آیاتی، عبادت و نماز و تسبیح را به عنوان عبادت همگانی موجودات مطرح کرده است، چگونگی نماز دیگر موجودات بر اساس تفسیرها و آرای مختلف چگونه است؟ نظر قرآن کدام است؟

۸. بر اساس آیات قرآنی، تأثیر «ذکر» بر روح و جان انسان، بر زندگی دنیایی فرد و آخرت او و بر رابطه دو طرفه عبد و مولای او در دنیا و آخرت چگونه است؟

۹. نماز، ذکر تعیین شده از سوی خداوند است و از طرفی نماز، مطابق آیه قرآن باید اقامه شود، اقامه ذکر چه معنایی پیدا می کند؟

۱۰. چگونه ذکر نماز «متون دین» به شمار می رود؟ و چه نتیجه ای از این مسئله می توان گرفت؟
۱۱. فلسفه تشریح نماز در متون دینی و کلمات ائمه علیهم السلام چیست؟
۱۲. در فلسفه و راز تشریح نماز، دلایل مطرح شده ناظر بر چه امری است؟
۱۳. ملاک بودن نماز برای رد یا قبول اعمال، چگونه قابل توجیه است؟
۱۴. تابعیت عمل انسان از نماز او چه سّری دارد؟
۱۵. مهم ترین تأثیر نماز بر عمل انسان جلوگیری از انجام منکر است (نهی از منکر) آیا نماز در امر به معروف انسان هم تأثیر دارد؟
۱۶. نماز در قرآن با چه توضیح و تأکیدی، مورد توجه و سفارش قرار گرفته است؟
۱۷. سیمای نماز در روایت های اسلامی چگونه است؟
۱۸. اهمیت نماز در ادیان گذشته و چگونگی آن را بیان کنیم؟
۱۹. آثار مختلف نماز در زندگی انسان در کدام ابعاد است؟
۲۰. مسئله کمک خواستن از نماز (برابر دستور قرآن) در زندگی انسان چه وسعتی دارد؟ اینکه قرآن ما را به استمداد از نماز فرمان می دهد، منظور چیست؟ و چه رابطه ای با نقش بازدارندگی آن دارد؟

۲۱. نماز گزاری در جامعه ما، از لحاظ کمی و کیفی در چه وضعیتی قرار دارد؟ و حد انتظار و مقام شایسته و برآورنده جامعه ما در نماز گزاری و اهمیت دادن به آن چقدر است؟
۲۲. آیا در جامعه ما به کمیت و آمار نماز گزار توجه شده است یا به کیفیت آن؟ دین به کدام مورد توجه دارد؟
۲۳. راه های گسترش نماز از لحاظ کیفی کدام اند؟
۲۴. شرایط اجتماع تا چه اندازه برای نماز و نماز گزاری مطلوب است؟ فضای معنوی و فرهنگی جامعه در رابطه با نماز چگونه پیش رفته است و یا پیش می رود؟
۲۵. به معنای دقیق، منظور از تارك الصلاه و مستخفٌ بالصلاه کدام افراد هستند؟
۲۶. عبودیت (عبادت) به چه معنا است؟ و اساساً چه چیزی را می توان «عبادت» نامید؟
۲۷. اقسام عبادت در دین اسلام کدام است و به چه اشکالی انجام می گیرد و جامع ترین آن عبادت ها کدام است؟ و راز جامعیت آن در چیست؟
۲۸. در زبان دین و متون دینی نهایت سیر عبودیت به کجا می انجامد؟
۲۹. چرا اوج قرب الهی در نوافل ظهور می کند؟
۳۰. با توجه به آیه قرآن که می فرماید: «هر کس از یاد من روی بگرداند معیشتی سخت خواهد داشت»، در دیدگاه اسلام چه دلایلی برای

آن می توان برشمرد، آیا نمونه های عینی در این زمینه وجود دارد؟ و به طور کلی ارتباط سعادت انسان با یاد حق چگونه است؟

۳۱. صلاه به چه معانی آمده است و ریشه این کلمه و احتمال های مربوط به آن، چه مواردی است؟

۳۲. فلسفه وجوب نماز به عنوان «ذکر خاص حق» (اقم الصلاه لذكری) و تکرار روزانه آن به طور وجوبی و به جا آوردن آن در برنامه های ارتباط با خدا به طور عمومی و استجابی، چه چیزی است؟

۳۳. خداوند برای ذکر خود توسط انسان، نماز را معین فرموده است و از طرفی در مورد دیگر موجودات نیز می فرماید: «كُلُّ قَدِّعِلْمٍ صِلْوَتُهُ وَ تَسْبِيحُهُ...» آیا می توان نتیجه گرفت که نماز ذکر تمام هستی است و از این جهت، نماز در عین ذکر خاص بودن، ذکر عام هم است؟

۳۴. در مورد نماز و تسبیح موجودات چه نظریه هایی در قرآن، احادیث، تفاسیر، فلسفه و عرفان بیان شده است و معتبرترین نظریه کدام است؟ آیا نماز موجودات نطقی، شعوری، ارادی است یا به گونه ای دیگر است؟

۳۵. تعیین نماز به عنوان ذکر حق، در آموزه های الهی چه قدمتی دارد و انبیای الهی با نماز چقدر ارتباط داشته اند؟ آیا همان گونه که در اسلام نماز اساس دین و هدف مورد نظر دینی است، در ادیان دیگر الهی نیز این گونه است؟

۳۶. در مورد چگونگی نماز در ادیان و اقوام گذشته چه می دانید؟

۳۷. برابر آیه قرآن «نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد»، چه ویژگی هایی در نماز برای ایجاد این اثر وجود دارد؟

۳۸. کارآیی نماز در مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه چگونه است؟

۳۹. برای حصول تأثیر و نتایج نماز، چه شرایطی لازم و ضروری است و اساساً در صورت وجود شرایط، آیا صلاه و مصلی هر دو نیاز به داشتن شرایط هستند یا یکی از آن دو؟

۴۰. اقامه نماز به چه معنا است و فرق آن با خواندن نماز چیست؟

۴۱. در قرآن و روایت های اسلامی، بحث «اطاعت» و «حفاظت» از نماز مطرح شده است. این بحث چه شباهتی با بحث رابطه «تقوا» و «متقی» در نهج البلاغه دارد؟ و آیا در این دو مورد اطاعت مقدم است یا حفاظت؟

۴۲. نقطه مقابل حفاظت از نماز، اضاعه صلاه است: «فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاه و اتبعوا الشهوات...» این امر (اضاعه نماز) عاملی برای انحطاط و فروپاشی یک ملت به شمار می رود. چگونگی این انحطاط، به طور محسوس و قابل استدلال چگونه است؟

۴۳. به طور کلی آثار نماز در عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان چیست؟

۴۴. مطابق اعتقاد دینی، افزون بر تأثیر نماز بر دنیای فرد، تأثیر مهم آن بر آخرت انسان است؟ سعادت و شقاوت انسان چگونه با نماز او مرتبط شده است؟

۴۵. بر اساس تحقیق دانشمندان پزشکی، حرکات و افعال نماز هم دارای تأثیرهای خاصی بر جسم انسان است، عمده ترین این آثار به دست آمده تا حال چه بوده است؟

۴۶. در متون دینی، آثار ترک نماز بر روی فرد و اجتماع چه مواردی است؟

۴۷. از نقش های معروف نماز، نقش «عمود بودن برای دین» و «ملاک و معیار بودن برای قبولی یا رد اعمال» است، ارتباط این دو نقش با هم چگونه است؟

۴۸. ارتباط میان حدیث معروف «کلّ عمل لک تبع لصلاتک» با حدیث: «ان قبلت قبل ماسواها و...»، چگونه می تواند باشد؟

۴۹. در مورد کیفیت نماز، مهم ترین مسئله حضور قلب است، معنای حضور قلب در نماز چیست؟

۵۰. مراتب حضور قلب در نماز از دیدگاه اولیا و عرفا چگونه بیان شده است؟

۵۱. راه های حصول حضور قلب و موانع تحصیل آن در گفتار ائمه علیهم السلام یا بزرگان علما و عرفا چگونه بیان شده است؟ آیا این راه ها و موانع برای افراد مختلف یکسان است یا خیر؟

۵۲. افزون بر حضور قلب، نقش توجه به اسرار نماز (کتاب های زیادی در این زمینه وجود دارد) در تحقق نماز واقعی چیست؟

۵۳. در متون دینی (حدیثی) گاهی برای یک جزء از نماز، اسرار متفاوتی ذکر شده است و اسرار نماز، قالب مشخص و محدودی ندارد. از طرفی تجربه این اسرار در رساندن سالک و نمازگزار به مقصد نماز امری مشکل است. تکلیف نمازگزاران برای دست یابی به فرمول خاص و مفیدتر چیست؟

۵۴. به طور مشخص علایم و حدود نماز واقعی و نمازگزار واقعی کدام معیارها هستند؟

۵۵. در عرفان اسلامی برای سالک الی الله، چهار مرحله سفر معنوی بیان شده است. با توجه به اینکه نماز سفری معنوی و معراج مؤمن است، امام خمینی رحمه الله مراحل چهارگانه این سفر معنوی را در نماز بیان کرده اند. تفسیر ایشان در این مورد چگونه است؟

۵۶. امام خمینی رحمه الله، انسانیت انسان را وابسته به کیفیت نماز او می داند و معتقد به رابطه ای دو طرفه بین نماز و انسانیت اند. این امر چگونه است؟

۵۷. وضعیت نمازگزار در جوامع اسلامی از لحاظ کیفی و کمی چگونه است؟ راه های جذب به نماز و تشویق نمازگزار در جامعه کدامند؟

۵۸. موانع جذب به نماز از لحاظ ظاهری (اجتماع) و معنوی چیست؟

۵۹. روش های اخلاقی و تعلیمی ائمه علیهم السلام و عرفا در تربیت فرد و جامعه و وادار کردن افراد به نماز چگونه دسته بندی می شود؟

۶۰. از نظر ائمه علیهم السلام و بزرگان دینی، به کمیت نماز گزاران توجه بیشتری شده است یا به کیفیت نماز؟

۶۱. وضعیت جامعه ما در مورد پرسش یاد شده چگونه است؟

نتیجه

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که نماز به دلیل ویژگی های خاص خود، برترین و بهترین عبادت نزد خداوند به شمار می رود. برخی از ویژگی های نماز که به آن اشاره شد، عبارتند از: جامع بودن در میان عبادت ها، تعطیل نشدن در هیچ حال و شرایطی، وجوب آن در تمام ادیان الهی و سفارش و اهتمام انبیای الهی به آن، ذکر خاص و متعین پروردگار، تکرار یومیه، وجه دین و نشانه اسلام، وسیله قرب الهی و معراج مؤمن، نور چشم پیامبر، معیار قبولی و ردّ اعمال، تبعیت عمل انسان از نماز او، سفارش تمام انبیا و امامان شیعه علیهم السلام، عمومیت آن در میان تمام خلائق و بازدارندگی از فحشا و منکر.

تمام موجودات، دارای عبادت و نمازِ خاصِ خود هستند و هر چه در آسمان ها و زمین است خدا را تسبیح می گوید و تسبیح آنان از نوع ذکری نطقی شعوری است.

تشریح نماز بر اساس حکمت و اسرار و حقایق هستی است و هر حرکت، ذکر و افعال نماز، دربردارنده و بیان کننده راز خاص خود است که بنده با نماز آگاهانه و دقیق راه عبودیت و قرب الهی را می پیماید و در صورت بی توجهی به آن، نماز صوری و ظاهری است و انسانیت انسان به

تبع آن صوری خواهد بود؛ زیرا انسان بودن واقعی انسان، در گرو نماز واقعی و حقیقی است.

نماز با این ویژگی ها، آثار و فواید بی شماری برای دین و دنیا و آخرت فرد و نیز جامعه به همراه دارد و ترک آن نیز پی آمدهای بدی خواهد داشت.

گرایش به عبادت بر اساس فطرت الهی بشر است و ترک و روگردانی از آن ناشی از علل ظاهری (محیط و اجتماع و...) و معنوی (گناه و...) است.

ریشه اصلی ترک نماز، جهل و ناآگاهی به مقام پروردگار و نیاز به عبادت و همچنین تأثیر عبادت در شکوفایی روحی و ناآگاهی از فلسفه نماز و عبادت است.

نماز با همه اهمیت، همانند قرآن و نهج البلاغه و دعاهای ائمه علیهم السلام هنوز در مهجوریت است و متأسفانه جامعه ما هنوز به جایگاه مناسب و شایسته یک جامعه شیعه نسبت به نماز نرسیده است و نسل نوین ما گرایش کمتری به آن دارند و این خطری بسیار بزرگ است. از این رو، مسئولان و دردمندان دین، در درجه اول به شناخت و درک عمیق نماز نیازمندند و در درجه دوم باید همتی بزرگ و تلاشی گسترده برای تبلیغ و تعلیم نماز در جامعه به کار برند و با روش های دینی پسند نسل جدید را به درک و عمل به نماز وادارند.

در این راستا، مسئولیت نهادهایی، مانند ارشاد و تبلیغات اسلامی، ستاد اقامه نماز و صدا و سیما سنگین تر و مؤثرتر از بقیه خواهد بود.

صدا و سیما نیز باید با تکمیل برنامه های موجود و استفاده از شیوه های مختلف تأثیرگذاری بر افکار مردم، به عنوان دانشگاه عمومی، افزون بر تبلیغ نماز، شیوه فعالیت خویش را به تناسب گروه های مختلف مردم در گرایش به دین، متنوع نماید و جهت پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات اذهان عمومی اهتمام جدی بورزد؛ زیرا تبلیغ صورت ظاهری و معمولی نماز در شرایط کنونی و برای مقابله با تهاجم فرهنگی چندان مقاوم نخواهد بود، گرچه بی تأثیر نیست. صدا و سیما باید بکوشد نماز را در جامعه عمیق و واقعی کند تا با استفاده از آثار نماز واقعی بتوان تهاجم فرهنگی را مهار کرد.

فهرست داستان های مناسب درباره نماز

فهرست داستان های مناسب درباره نماز

نام داستان نام کتاب نام نویسنده

شماره صفحه انتشارات

نماز خوبان شاگرد نماز علی احمد پورترکمانی

۱۳ و ۱۴ دفتر نشر شهور

نماز خوبان امتحان (۳۶) ۳۳

۵۰ دفتر نشر شهور

نماز خوبان بگذارید نماز بخوانم (۳۷) ۳۳

۵۱ دفتر نشر شهور

نماز خوبان احمد ظهر شده؟ (۴۱) ۞

۵۵ دفتر نشر شهور

نماز خوبان نماز اول وقت امام؛ ۞

۵۹ دفتر نشر شهور

نماز خوبان پند استاد ۞

۶۰ دفتر نشر شهور

نماز خوبان سرباز نماز (صیادشیرازی) ۞

۶۶ دفتر نشر شهور

نماز خوبان اقامه نماز جماعت (امام) ۞

۹۴ دفتر نشر شهور

نماز خوبان پشیمانی عابد از عبادت ۞

۱۲۷ دفتر نشر شهور

داستان ها و حکایت های نماز (۱) توجه قلبی در نماز رحیم کارگرو محمدیاری

۲۲ ستاد اقامه نماز

داستان ها و حکایت های نماز (۱) عبادت و ترس از آتش قیامت ۞

۲۳ ستاد اقامه نماز

داستان ها و حکایت های نماز (۱) طریق پدران در عبادت نمودن ۞

۲۵ ستاد اقامه نماز

نام داستان نام کتاب نام نویسنده

داستان هاوحکایت های نماز(۱) ترک نماز خسارت جبران ناپذیر

۵۷ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) نماز گناهان را ازبین می برد

۹۱ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) داستان خیلی شیرین و آموزنده برای ایجادعشق

۱۲۳ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) نتیجه جستن دنیا

۱۳۹ ستاد اقامه نماز

داستان هاوحکایت های نماز(۱) افراط، تازہ مسلمان را از نماز فراری داد

۱۸۸ ستاد اقامه نماز

چهل داستان درباره نماز سفارش امام زمان درباره نماز صبح و مغرب اول وقت بهتاش

۴۳ ستاد اقامه نماز

چهل داستان درباره نماز نماز موجب ریختن گناهان می شود بهتاش

۱۶ ستاد اقامه نماز

فهرست کتاب های مناسب درباره نماز

فهرست کتاب های مناسب درباره نماز

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

آداب نماز (آداب الصلاه) امام خمینی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

اسرار نماز (صلاه العارفين و معراج السالكين) امام خمینی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

چهل حدیث (اربعین حدیث) امام خمینی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

از ژرفای نماز آیت الله خامنه ای

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

اسرار الصلاه (جلد ۵) شهید ثانی. ت: رجب زاده

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

حکمت عبادت آیت الله جوادی آملی

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

عرفان اسلامی (جلد ۵) حسین انصاریان

پیام آزادی

یکصد و چهارده نکته درباره نماز محسن قرائتی

ستاد اقامه نماز

پرواز در ملکوت (۲ و ۱) سیداحمد قهری

نهیضت زنان مسلمان

پرستش آگاهانه محمدرضا رضوان طلب

ستاد اقامه نماز

نماز از دیدگاه قرآن و حدیث سیدحسین موسوی رادلاهیجی

دفترانتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران عباسعلی مغانی

دفترانتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)

سلات روح نماز و عبادت در تفسیر نمونه عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

سیمای نماز در آثار علامه حسن زاده آملی عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

نماز و فرشتگان عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

پرورش روح عباس عزیزی

انتشارات نبوغ

نماز حقیقت درخشنده مقالات پنجمین اجلاس سراسری نماز ۷۴

ستاد اقامه نماز

نماز بهشت خلوت انس مقالات پنجمین اجلاس سراسری نماز ۷۴

طرح اقامه نماز

نماز نشانه حکومت صالحان مقالات سمینار نماز ۱۳۷۰

ستاد اقامه نماز

نماز نیایش عشق و شفا بخش روان و تن محمدمهدی اصفهانی

ستاد اقامه نماز

چهارصد سخن پیرامون نماز سیدجواد بهشتی

ستاد اقامه نماز

خلوتگه راز محسن کازرونی

الهادی _ قم

اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی دکتر علی قائمی

ستاد اقامه نماز

عوامل آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز رضا فرهادیان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نام کتاب نام نویسنده

انتشارات

هدایت نوجوان به سوی نماز دکتر علی قائمی

ستاد اقامه نماز

نماز خوبان (داستان) علی احمدپور ترکمانی

مؤسسه فرهنگی انتشارات مشهور

نماز ابرار (داستان) محمد صحتی سردرودی

ستاد اقامه نماز

پرتوی از اسرار نماز محسن قرائتی

طرح اقامه نماز

همراه با نماز محسن قرائتی

ستاد اقامه نماز

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن مجید

۱. امام خمینی رحمه الله، سید روح الله، اسرار نماز یا معراج السالکین و صلاه العارفين.

۲. _____، ره عشق [نامه عرفانی حضرت امام خمینی رحمه الله]، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

۳. _____، شرح چهل حدیث، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۳.

۴. _____، صحیفه نور، تهیه: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات شرکت سهامی چاپ خانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

۵. _____، کلمات قصار (بند و حکمت های امام خمینی رحمه الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، مرکز نشر عروج، چاپ دوم.

۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ پانزدهم، سازمان انتشارات جاویدان.

۷. جلالی شاهرودی، محمد مجموعه الاخبار، مشهد، کتاب فروشی جعفری.

۸. سپهری، محمد، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۰.

۹. ستاد طرح اقامه نماز، نماز؛ بهشت خلوت انس، تهران، ستاد طرح اقامه نماز، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۱۰. صحتی سردرودی، محمد، نماز ابرار، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.

۱۱. صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: فیض الاسلام، مرکز آثار فیض الاسلام، ۱۳۶۶.

۱۲. صدوق، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.

۱۳. عاملی، محمد بن حسن حر، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق: شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، داراحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳.

۱۴. قرائتی، محسن، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ستاد اقامه نماز، چاپ هفدهم، ۷۴.

۱۵. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، مترجم: آیت الله کمره ای، کتاب خانه اسلامی پامناز، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

۱۶. کارگر، رحیم، نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، ستاد اقامه نماز، چاپ سوم،

۱۷. کارگر، رحیم و محمدیاری، داستان‌ها و حکایت‌های نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.

۱۸. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: سیدجواد مصطفوی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

۱۹. کنز العمال.

۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

۲۲. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، نماز؛ گنجینه رمز و راز، ستاد اقامه نماز، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۳. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، چاپ دوم.

۲۴. موسوی خمینی رحمه الله، سید روح الله، آداب صلاه، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول،

۱۳۷۰.

۲۵. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

